صبح صادق

شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا (س) را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۳۱ | دوشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۰ | ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ | ۳ ژانویه ۲۰۲۲ | ۱۶ صفحه

۲ نگاه

تقدیر نماینده ولی‌فقیه در سپاه
از مردم به مناسبت گرامیداشت باشکوه حماسه ۹ دی

مردم زمان‌شناس

۲ سرمقاله

علی حیدری

یکی از ۱۰ کشور

۲ نگاه

سیامک باقری

مذاکرات به کدام سمت می‌رود؟

۳ بازار

میثم مهرپور

اقتصاد زیرزمینی!

قهرمان ملت

با آثار و گفتاری از:

سردار امیر علی حاجی‌زاده
سردار رسول سنایی‌راد
حجت الاسلام علی شیرازی
سردار رضا شجاعی
سردار یدالله جوانی
دکتر سعدالله زارعی
دکتر حسن قدیری ابیانه
دکتر حسین اکبری
عباس محمدیان
و...

ضمیمه ۱۲-۵

ویژه‌نامه صبح صادق به مناسبت دومین سالروز آسمانی شدن سردار دل‌ها

مردم زمان‌شناس

تقدیر نماینده ولی‌فقیه در سپاه از مردم به مناسبت گرامیداشت باشکوه حماسه ۹ دی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور پیامی از حضور باشکوه مردم در مراسم های گرامیداشت حماسه ۹ دی قدردانی کرد.

به گزارش صبح صادق در این پیام آمده است: حضور میلیونی و زمان‌شناسانه مردم ایران در صحنه و اجتماع باشکوه ۹ دی سال ۱۳۸۸ که در طول چهار دهه تاریخ انقلاب بی‌نظیر بود، برای همیشه خود را به عنوان حماسه‌ای ماندگار در تاریخ کشورمان به ثبت رساند، نام‌گذاری این روز بزرگ به عنوان روز بصیرت و گرامی‌داشت هر ساله آن، ناشی از اهمیت آن در نزد ملت ایران است. بی‌تردید تلاش مستمر هادیان سیاسی در عرصه بصیرت‌افزایی، مرهون تعالیم و آموزه‌های فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) و تأسی از وصایای جاودانه حضرت امام(ره) و منویات و رهنمودهای فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خمینی(مدظله‌العالی) است و این مهم جز با حرکت عمارگونه در مسیر جهاد تبیین محقق نخواهد شد. ضمن گرامیداشت دهه بصیرت، از تلاش‌ها و مجاهدت‌های مستمر و خستگی‌ناپذیر هادیان سیاسی، استادان، مربیان، فرماندهان، مسئولان و مدیرانی که با اقدامات مؤثر خود، زمینه اجرای موفق برنامه‌های بصیرت‌افزایی و روشنگری در خانواده بزرگ سپاه و بسیج و همچنین در میان آحاد جامعه را فراهم ساختند، قدردانی می‌شود، امید است همه عزیزان در دهه پنجم انقلاب، در شرایطی که دشمنان بر جنگ شناختی و جنگ روایت‌ها تمرکز راهبردی کرده‌اند، با عزم و اراده جدی‌تر، گام‌های بلندتری را برای تحقق فرامین مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) و جهت «جهاد تبیین» و «جهاد روایت برای مقابله با جریان تحریف» بردارند و به منظور دستیابی به اهداف متعالی نظام، همواره مواردی را در نظر قرار دهند:

۱ـ تشکیل قرارگاه‌های بصیرتی در مناسبت‌های مختلف سیاسی؛ ۲ـ تقویت برنامه‌های بصیرت‌افزایی و نهضت روشنگری؛ ۳ـ حمایت همه‌جانبه فرماندهان و مسئولان از هادیان سیاسی با توجه به نقش ناوبری فکری سیاسی تحول‌آفرین آنان؛ ۴ـ هماهنگی و همسویی فرماندهان و مسئولان نمایندگی ولی‌فقیه در تمامی رده‌ها، پشتیبانی و حمایت جدی از اقدامات بصیرت‌افزایی در راستای جهاد تبیین.

از خداوند متعال توفیق همگان را در جهت تقویت بنیه فکری سیاسی کارکنان و پاسداری از عزت و عظمت انقلاب اسلامی و پیروزی از دستورات فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مسئلت می‌نمایم.

مذاکرات به کدام سمت می‌رود؟

سیامک باقری
عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

پس از دور هشتم مذاکرات، معاون وزیر خارجه ایران نتیجه گفت‌وگوها را مثبت ارزیابی کرد. نماینده روسیه فراتر از اظهارات باقری شانس دستیابی به توافق را بسیار زیاد توصیف کرد. اگرچه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با لحن متفاوتی بنیادی بودن پیشرفت مذاکرات را زودهنگام ارزیابی کرد؛ اما این موضوع در بین افکار عمومی بازتاب زیادی داشته و به گمانی‌زنی‌هایی دامن زده است. با توجه به این گمانه‌ها و بررسی روندها و پیشران‌های گفت‌وگوهای وین، چهار تصویر احتمالی را می‌توان حدس زد. اول، توافق را بسیار نزدیک می‌بینند. سناریوی دوم ضمن اینکه حصول به توافق را عملی و شدنی می‌داند، اما زمان آن را نزدیک ارزیابی نمی‌کند. گمانه سومی هم در این ایام مطرح شده است که برخلاف دو ارزیابی مزبور موانع گفت‌وگوها به قدری زیاد می‌داند که چشم‌انداز مثبتی را نمی‌توان برای توافق در آینده پیش‌بینی کرد. در همین راستا، گمانه چهارم یا سناریوی بدبینانه‌ای هم وجود دارد که معتقد است گفت‌وگوها به بن‌بست خواهد رسید و برجام فرو خواهد پاشید! در پاسخ به این پرسش که کدام از یک احتمالات و ارزیابی‌های موصوف، به واقع نزدیک‌تر است؟ در درجه اول باید گفت اظهارات دیپلماتیک طرف‌های برجام پس از هر دور از مذاکرات را نمی‌توان مبنای محکمی برای پیش‌بینی آینده گفت‌وگوها دانست. آنچه حائز اهمیت است، شناسایی پیشران‌های مؤثر در تداوم یا توقف مذاکرات است که مهم‌ترین پیشران‌ها عبارتند از:

۱ چگونگی بازیگری ۱+۴. اینکه تا چه میزان خط مشی و مواضع این دولت‌ها برای حل منصفانه برجام باشد، تأثیر بسیاری بر روند موفقیت‌آمیز گفت‌وگوها دارد. روند رفتار طرف‌های غربی برجام، به طور مشخص فرانسه فراز و نشیب زیادی داشته است. آنها چه در دوره فشارهای حداکثری ترامپ و چه پس از پیروزی بایدن و همچنین در دور هفتم و آستانه دور هشتم مذاکرات هیچ گاه کنش سازنده‌ای از خود نشان نداده‌اند. همواره طرف آمریکایی‌ها را گرفته‌اند و به نوبت و به تناسب شرایط، نقش خرابکار و کارشکنی در مسیر مذاکرات را ایفا کرده‌اند. با وجود این، گفته می‌شود فضای گفت‌وگوها در نشست‌های دور هشتم مذاکرات، آرام بوده و این دولت‌ها متفاوت با قبل عمل کرده‌اند. در مقابل، روس‌ها و چینی‌ها در این دور از مذاکرات نقش‌آفرینی مثبت و فعال‌تری از خود نشان داده‌اند، به گونه‌ای که رسانه‌ها از دو جبهه کاملاً مشخص در مذاکرات وین خبر داده‌اند.

۲ اقدامات کنشگران مؤثر غیربرجامی. کشورهای عربی منطقه، به ویژه عربستان سعودی و امارات، رژیم صهیونیستی و جریان‌های ضدانقلاب خارج‌نشین سه دسته از کنشگرانی هستند که میل شدید در تأثیرگذاری بر کیفیت نتیجه توافق وین دارند. این بازیگران اهرم‌های قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر کاخ سفید، کنگره آمریکا و دولتمردان اروپایی دارند. روند کارشکنی و تخریب گفت‌وگوها از سوی آنها در گذشته بارها گفته شد. روند کنشگری این بازیگران از ابتدای شروع مذاکرات از سال ۱۴۰۰ و به طور مشخص از زمان آغاز گفت‌وگوهای جدید نیز نشان می‌دهد، آنها همه ظرفیت‌های خود را برای تضعیف گفت‌وگوها و تحقق برجام پلاس بسیج کرده‌اند. این عناصر انگیزه و ظرفیت هر نوع اختلال‌گری در یک توافق خوب و منصفانه برای ایران را دارند. بنابراین، اقدامات آنها در آینده، به مثابه رویدادهای شگفتی‌ساز است که می‌تواند وضعیت غیرمنتظره‌ای را در فرآیند مذاکرات ایجاد کند.

۳ میزان اراده کاخ سفید. تردیدی نیست که طرف اصلی گفت‌وگوها کاخ سفید است. بنابراین، اراده دولت آمریکا، تعیین‌کننده است. در این خصوص، چند موضوع وجود دارد که آینده توافق به آنها بستگی دارد. اول، میزان تلقی تهدید از قابلیت‌های هسته‌ای ایران و اضطرار زمانی برای مهار آن از طریق دیپلماسی. دوم، میزان تداوم فشار حداکثری ترامپ برای تأثیرگذاری بر نتایج مذاکرات وین. سوم، میزان اراده کاخ سفید برای رفع همه تحریم‌ها و ارائه تضمین. چهارم، میزان توانایی مدیریت کنگره آمریکا. پنجم، میزان تأثیرپذیری از بازیگران مزاحم منطقه‌ای و...؛ وزن هر یک از این موارد می‌تواند سایر موضوعات را تحت تأثیر قرار دهد. روند مواضع مقامات کاخ سفید نشان می‌دهد، آنها به شدت از روند پیشرفت هسته‌ای ایران نگران‌تر شده‌اند و این نگرانی زمانی شدت بیشتر یافته است که هیچ راه حلی به جز دیپلماسی برای توقف آن را ندارند. به نظر می‌رسد، تمرکز سیاست‌های دولت سیزدهم برای حل مشکلات اقتصادی با ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای، به زودی دولتمردان واشنگتن را متقاعد کند که بهره‌گیری از تداوم فشار حداکثری ترامپ نه تنها هیچ کارآمدی ندارد؛ بلکه هزینه آن بیشتر و بیشتر شده است. میزان پایبندی ایران به خواسته خود درباره رفع همه تحریم‌ها به همراه تضمین‌های واقعی و ملموس در کنار پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای، می‌تواند آمریکا را به رفتار محاسبه‌گرایانه درباره محور سوم بکشاند و به تأمین خواسته‌های ایران نزدیک کند.

۴ اراده و خواسته‌های ایران و دیپلماسی هسته‌ای آن. دولت سیزدهم بارها اعلام کرد، اگرچه برجام در اولویت آن نیست؛ اما در مذاکرات جدی است. در عمل نیز با ارائه سندهای پیشنهادی و شرکت در مذاکرات با تیم ۴۰ نفره این اراده را نشان داد. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در شرایط آینده، پیشنهادهای ایران است. برخی فکر می‌کنند، خواسته‌های ایران حداکثری است و مانع از نتیجه‌بخشی توافق در آینده خواهد شد. در حالی که این خواسته‌ها مبتنی بر برجام و وضعیت خسارت‌باری است که پس از توافق برجام برای ایران رخ داده است و وضعیت پس از برجام به روشنی نشان داده است توافق بدون نتیجه واقعی، مطمئن و راستی‌آزمایی شده ارزشی ندارد. مبنا قرارگرفتن پیشنهادهای ایران در دور هشتم مذاکرات نشانه‌ای مثبت تلقی می‌شود، اما اینکه آمریکا و طرف‌های غربی تا چه میزان نسبت به بندهای اصلی آن انعطاف نشان خواهند داد، نکته کلیدی در ارزیابی آینده مذاکرات برای رفع تحریم‌هاست؛ زیرا اگر کاخ سفید تحت تأثیر مطلق اقدامات بازیگران مؤثر برجامی و غیربرجامی قرار نگیرد و نسبت به خواسته‌های سه‌گانه ایران انعطاف به خرج دهد، گفت‌وگوها تا قبل از پایان ۱۴۰۰ به نتیجه خواهد رسید.

نتیجه

به نظر می‌رسد با توجه به پیشران‌های فوق، سناریوی دوم از بین گمانه‌های دیگر از احتمال تحقق بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا کاخ سفید و طرف‌های غربی توافق برجام را امری ضروری و فوری می‌دانند و از نظر آنها هیچ راهی جز توافق برجام وجود ندارد. در شماره ۱۰۲۹ صبح صادق در خصوص رمزگشایی اهرم طرف‌های غربی در مذاکرات هسته‌ای گفته شد که تنها اهرم مؤثر باقی مانده آنها عملیات روانی است. تیم هسته‌ای هم نشان داده است که در برابر فضاسازی‌های روانی آنها و دنباله‌های‌شان در داخل تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و مقاوم است. خبرگزاری‌های غربی در ارزیابی خود از نشست‌های دور هشتم مذاکرات اعلام کردند که ایران بر خواسته‌های خود؛ از جمله دریافت‌های ضمانت پایبند است و همه طرف‌ها نیز این موضع تیم هسته‌ای را به رسمیت شناخته‌اند. در همین راستا، تحلیل شبکه خبری سی‌جی‌تی‌ان قابل توجه است که گفت: «دور هشتم مذاکرات در وین زمینه لازم برای توافق نهایی را ایجاد کرده است و اکنون نوبت آمریکاست که با دادن امتیاز به موفقیت مذاکرات کمک نماید.» بنابراین، حصول به توافق در آینده عملی و شدنی است؛ اما از حیث زمان با توجه به پیشران‌های ذکر شده سریع‌الوصول نیست. البته این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که بازیگران خرابکار در مسیر مذاکرات ممکن است رویدادهای مصنوعی را بیافرینند که مذاکرات از ریل واقعی خود خارج شود یا حصول نتیجه را به تأخیر بیفتد.

نیم نگاه

همگرایی منطقه‌ای

مذاکرات تهران و ریاض در سایه سیاست تنش‌زدایی دولت سیزدهم با کشورهای همسایه

فرزان شهیدی
کارشناس ارشد بین‌الملل

قرار است دور پنجم مذاکرات ایران و عربستان به زودی در بغداد برگزار شود. برخی ناظران با ابراز خوش‌بینی نسبت به روند مذاکرات دو طرف، معتقدند نتایج مهم آن، نقطه عطفی در منطقه بوده و بر کشورهای مختلف منطقه، به ویژه جنگ یمن و بحران سیاسی ـ اقتصادی لبنان تأثیر مثبت خواهد گذاشت. مقامات عالی ریاض از جمله ولی‌عهد سعودی پیشتر در گفت‌وگو با رسانه‌ها از تمایل به گسترش روابط با تهران سخن گفته بود؛ اما در عمل شاهد اقدام جدی از سوی آنان نبوده‌ایم. حتی در مواردی سعودی‌ها با اقداماتی نظیر صدور بیانیه علیه ایران یا تعلل در انتقال سفیر کشورمان در یمن، روند مذکرات را دشوار کرده‌اند.

ملک سلمان‌بن‌عبدالعزیز، پادشاه سعودی نیز در سخنرانی سالیانه در مجلس شورای سعودی با تکرار ادعای بی‌ثبات‌سازی ایران در منطقه، ابراز امیدواری کرد که ایران رفتار منفی خود را در منطقه تغییر دهد و گفت‌وگو و همکاری را انتخاب کند.

این در حالی است که ایران همواره از رفع تنش و برقراری مناسبات با عربستان استقبال کرده و دولت سیزدهم سیاست تنش‌زدایی منطقه‌ای را در پیش گرفته است.

در مقابل، سعودی‌ها نیز نسبت به نزدیکی به ایران ابراز تمایل کرده‌اند. اعطای روادید به دیپلمات‌های ایرانی برای شرکت در اجلاس کشورهای اسلامی در جده نشانه‌ای از این تمایل است؛ به نظر می‌رسد اظهارات متناقض حاکمان سعودی نوعی بازی دوگانه برای امتیازگیری و حفظ اعتبار خود به ویژه در جنگ یمن به شمار می‌آید. در هر حال، پذیرش شکست در جنگ یمن برای سعودی‌ها دشوار است و به همین دلیل همزمان با ادامه مذاکرات با ایران برای خروج آبرومندانه از باتلاق یمن، همچنان به بمباران این کشور ادامه می‌دهند تا به زعم خود مانع پیشروی نیروهای مقاومت در جبهه‌های گوناگون، به ویژه مأرب شوند.

البته جمهوری اسلامی همچنان بر خواسته‌های اولیه، مانند توقف جنگ و تجاوز اصرار می‌ورزد؛ موضوعی که در واقع خواست یمنی‌هاست. از طرفی، درخواست عربستان از ایران مبنی بر اعمال فشار بر انصارالله به منظور توقف عملیات‌ها یا دخالت‌نکردن در پرونده‌های منطقه‌ای خواسته‌های گرانی است؛ به همین دلیل، اختلافات دو طرف به ویژه در پرونده یمن به سادگی قابل حل و فصل نیست. با اشاره به این واقعیت است که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان در نشست خبری اخیر خود با فواد حسین، همتای عراقی در تهران اعلام کرد درباره روابط ایران و عربستان و مسائل مرتبط با آن مجموعه‌ای از نکات مثبت و منفی وجود دارد. طبعاً اگر دو طرف موفق به کاهش نکات منفی و تقویت نقاط مثبت شوند، مذاکرات در آینده‌ای نه چندان دور به نتیجه خواهد رسید. در غیر این صورت این روند فرسایشی شده و احتمال شکست آن دور از ذهن نخواهد بود.

نکته قابل توجه آن است که سیاست دولت رئیسی در حوزه سیاست خارجی، گشایش با کشورهای منطقه، بدون گره زدن این مسئله به تنش‌زدایی با غرب است؛ سیاستی که در دولت قبلی در پیش گرفته شده بود. درست است که کشورهایی مانند عربستان متحد آمریکا به شمار می‌آیند، اما دولت جدید بر این باور است که ایجاد ارتباط با کشورهای منطقه لزوماً متوقف بر رفع تنش و ایجاد ارتباط با آمریکا نیست.

دولت جدید همچنین به همگرایی در محور عربی در امتداد منطقه قائل است؛ به همین دلیل توسعه مناسبات با کشورهایی، مانند قطر، امارات، اردن و... در دستور کار قرار گرفته و حتی انعقاد پیمان صلح برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی مانع این نگاه نشده است.

بر اساس این رویکرد، همگرایی با کشورهای منطقه دقیقا در نقطه مقابل سیاست رژیم غاصب قرار دارد که سعی می‌کند با تمسک به روند سازش و پروژه موسوم به صلح ابراهیم، در میان کشورهای منطقه به ایجاد واگرایی پرداخته و خود را از انزوا نجات دهد. صرف نظر از دورنمای مثبت یا منفی، به ثمر رسیدن مذاکرات با عربستان، اوج همگرایی منطقه‌ای را رقم خواهد زد، زیرا عربستان با وجود اختلاف با برخی متحدان عرب خود، همچنان نقش محوری یا پدری را ایفا می‌کند.

سرمقاله

یکی از ۱۰ کشور

علی حیدری
سردبیر

امروزه، صنایع فضایی نماد توسعه‌یافتگی کشورها شناخته می‌شود؛ از این رو پس از دستیابی ایران به توانمندی بومی فضایی و فراهم شدن قابلیت پرتاب ماهواره‌های کوچک با ماهواره‌بر های سفیر و قاصد ـ که نمونه آن قرار گرفتن ماهواره نور سپاه در مدار بود ـ توسعه پرتابگرهای با قابلیت بالاتر وجهه همت دانشمندان سازمان فضایی کشور قرار گرفت. اکنون جمهوری اسلامی ایران در زمره ۱۰ کشوری قرار دارد که چرخه کامل فضایی دارند و در کنار روسیه، آمریکا، چین، ژاپن، هند و آژانس فضایی اروپا قرار گرفته است. چرخه کامل فضایی که مرهون مجاهدت‌های دانشمندانی است که با ابتکار شهید حسن تهرانی‌مقدم و همکارانش با ساخت موتور سوخت جامد در سال ۱۳۸۹ سیر شتابانی پیدا کرد.

کشورهای بسیاری، پیشرفت ایران را قابل توجه و شایسته تحسین دانستند؛ چنانکه رسانه‌های ترکیه از رجزخوانی و قدرت‌نمایی ایران در برابر جهان غرب سخن گفتند و «الکساندر الکساندروف» فضانورد بزرگ روسی پیشرفت‌های فضایی ایران را در شرایطی که تحت تحریم‌های شدید بود، قابل تحسین دانست؛ اما رسانه‌های غربی که ورود ایران به باشگاه فضایی جهان موجبات نگرانی سران آنها را فراهم کرده است، تلاش می‌کنند از یک سو با انکار برای مدیریت افکار عمومی و از سوی دیگر با روایت وارونه پیشرفت راهبردی ایران را نوعی تهدید جلوه داده و کشورمان را تحت فشار قرار دهند.

اما واقعیت این است که دستاوردهای علمی در این صنعت را باید به فهرست بلند بالای شاخصه‌های بازدارندگی کشورمان در برابر قدرت‌های جهانی اضافه کرد؛ چرا که بازدارندگی صرفاً در حوزه دفاعی و نظامی تعریف نمی‌شود؛ بلکه رشد و پیشرفت علمی که موجبات کاهش اتکای کشور را به دیگر قدرت‌ها فراهم کند، از شاخصه‌های مهم بازدارندگی به حساب می‌آید. با همین نگاه است که جمهوری اسلامی توسعه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را در دهه‌های اخیر جزء اولویت‌های خود قرار داده و در همه این سال‌ها دشمنی‌ها برای توقف این مسیر را در برابر خود می‌بینیم. در آخرین رویداد فضایی کشورمان صبح پنجشنبه نهم دی ماه ۱۴۰۰ برای نخستین بار ماهواره‌بر سیمرغ با سه محموله به صورت همزمان به ارتفاع ۴۷۰ کیلومتری و با سرعت ۷۳۵۰ متر بر ثانیه به فضا پرتاب شد. پس از این اقدام جمهوری اسلامی ایران، کشورهای غربی دست به کار شدند و تلاش کردند این اقدام تهران را ناقض قطعنامه‌های شورای امنیت معرفی کنند. در این میان برخی رسانه‌های غربی که تاب دیدن موفقیت‌های فضایی جمهوری اسلامی ایران را نداشتند، از شکست این عملیات فضایی نوشتند و آرزوهای خود را به قلم و بیان درآوردند!

نکته مهم این است که اولاً، ایران اسلامی در کنار موفقیت‌های بزرگ خود بر بلندای علم و فناوری قد برافراشته و در حالی که کشوری مانند انگلیس همچنان آرزوی داشتن ماهواره‌بر بومی را دارد و بدون کمک روسیه نمی‌تواند ماهواره به فضا پرتاب کند، مسیر بلوغی را گام به گام سپری می‌کند که نمونه بارز آن پرتاب ماهواره‌های چندگانه اخیر بود. ثانیاً، جایگاهی که ایران امروز در عرصه فضایی کسب کرده، حاصل بیش از دو دهه مجاهدت شبانه‌روزی دانشمندان کشورمان بوده و به طور قطع این مسیر تا رسیدن به قله‌های پیشرفت ادامه پیدا خواهد کرد.

اقتصاد زیرزمینی!

بازنگاه صبح صادق به مسئله قاچاق و تأثیر آن بر اقتصاد کشور در دو دهه اخیر

میثم مهرپور
دبیر گروه اقتصاد

حدود دو دهه از شکل‌گیری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران می‌گذرد؛ ستادی که با تأسیس و راه‌اندازی آن به عنوان مجموعه‌ای فرادستگاهی و زیر نظر رئیس‌جمهور، قرار بود با پدیده مذموم قاچاق کالا و ارز به منزله عاملی مخرب در اقتصاد کشور مبارزه کرده و به سمت محو این پدیده از اقتصاد ایران حرکت کند؛ اما آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای رسمی، از جمله خود ستاد مبارزه با قاچاق نشان می‌دهد، با وجود گذشت حدود بیست سال از آغاز به کار این ستاد و با توجه به فرامین ابلاغی رهبر معظم انقلاب چه به سران قوا و چه به رؤسای دولت‌ها طی این سال‌ها، قاچاق نه تنها مهار نشده که هر روز با شکل و روشی جدیدتر رو به گسترش است. با این حال، طی روزهای گذشته رئیس‌جمهور در اولین جلسه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در دولت سیزدهم حضور یافت. حضور رئیس دولت سیزدهم در این جلسه و طرح این پرسش که باید بررسی شود چگونه این میزان کالا به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود و تا چه زمانی قرار است شاهد روند قاچاق در کشور باشیم؟ این امید را ایجاد کرده که مبارزه با فساد که از مهم‌ترین وعده‌های رئیس دولت سیزدهم در مبارزات انتخاباتی وی بوده، قرار است در حوزه مبارزه با قاچاق کالا، رنگ و بوی جدی‌تری نسبت به گذشته به خود بگیرد. تیرماه سال ۱۳۸۱ بود که رهبر معظم انقلاب در فرمانی خطاب به رئیس‌جمهور وقت، ضمن اشاره به تأثیرات مخرب قاچاق بر اشتغال و سرمایه‌گذاری در کشور دولت را موظف به مبارزه جدی با این پدیده مذموم دانستند. این در حالی بود که در آن ایام هنوز مسئله قاچاق مانند امروز وسیع و فراگیر نبود؛ اما رهبر معظم انقلاب با توجه به گزارش‌های موجود و دید آینده‌نگرانه‌شان نسبت به مسائل گوناگون، مبارزه جدی با این پدیده را وظیفه دولتمردان دانسته و نکاتی را بیان داشتند. ایشان در این فرمان تاریخی ضمن اشاره به گسترش پدیده قاچاق و تأثیر مخرب آن در امر تولید، تجارت قانونی و سرمایه‌گذاری و اشتغال، آن را خطری جدی و بزرگ برای اقتصاد ایران دانسته و می‌فرمایند: «باید با جدیت تمام با این مسئله مبارزه کرد و بر همه دستگاه‌هایی که به نحوی می‌توانند در این امر دخیل باشند واجب است که سهم خود را در این مبارزه ایفا کنند. اولاً باید کانون مرکزی این مبارزه در سطحی عالی نزدیک به رئیس دولت و دارای اشراف قانونی بر دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی باشد، ثانیاً تبلیغات متناسب و هوشمندانه و همه‌جانبه در خدمت این مبارزه قرار گیرد، ثالثاً برخورد قضایی و انتظامی، قاطع و در ارتباط کامل با تصمیم‌گیری‌های آن کانون مرکزی باشد، رابعاً عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاقچی کاملاً برخلاف صرفه و همراه با خطر باشد و جنس قاچاق از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار، آماج اقدامات گوناگون این مبارزه قرار گیرد. البته در این کار لازم است با دقت و مراقبت تمام از آلوده شدن عناصر دست‌اندرکار این مبارزه به بیماری رشوه و امثال آن جلوگیری شود.» این در حالی است که متأسفانه با گذشت حدود دو دهه از این فرمان و با وجود شکل‌گیری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بعد از این فرمان، به واسطه بی‌توجهی دولت‌ها به موضوع قاچاق، این پدیده همچنان یکی از معضلات و مشکلات جدی در اقتصاد کشور به شمار می‌رود. چنانچه در این سال‌ها آمارهای رسمی منتشر شده، میزان تخمینی قاچاق کالا را اعدادی ما بین ۱۲ تا ۲۵ میلیارد دلار در سال برآورد کرده‌اند که با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت، مجموع حجم قاچاق کالا در اقتصاد ایران طی دو دهه اخیر در حالتی خوش‌بینانه، حدود بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار بوده است.

روند قاچاق کالا در سال‌های اخیر

اگرچه قبل از تأسیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مبارزه و به تبع آن اعلام آمار قاچاق، ناظر به فرآیند تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی درباره قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۷۴ و تصویب آیین‌نامه ماده ۳۰ قانون در سال ۱۳۷۹ وجود داشته و این طور نبوده که مبارزه با قاچاق کالا به سال‌های پس از شکل‌گیری این ستاد محدود شود؛ اما به هر حال مبارزه رسمی و سازمان یافته با این پدیده و به تبع آن اعلام آمارهای رسمی از میزان تخمینی قاچاق کالا در کشور را باید مربوط به بعد از شکل‌گیری ستاد مبارزه با قاچاق کالا دانست. بر این اساس اولین آمار اعلام شده از قاچاق کالا در کشور متعلق به سال ۱۳۸۴ و رقمی حدود ۶ میلیارد دلار است. آماری که البته طی سال‌های بعد با افزایش‌های قابل توجهی مواجه می‌شود. برای نمونه، در سال ۱۳۸۷ رقم قاچاق حدود ۱۹/۲ میلیارد دلار اعلام شد؛ آماری که اهمیت پدیده قاچاق را برای مدیران دولتی مشخص کرد. آمار بعدی قاچاق پنج سال بعد و در سال ۱۳۹۲ اعلام می‌شود. آماری که بیشترین رقم اعلام شده میزان قاچاق به صورت رسمی، متعلق به همین سال است؛ به گونه‌ای که میزان مجموع قاچاق ورودی و خروجی در کشور طی این سال رقم تقریبی ۲۵ میلیارد دلار اعلام می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع و رشد شدید ارقام مربوط به قاچاق، سال بعد یعنی در سال ۱۳۹۳ نیز، رقم قاچاق دوباره اعلام می‌شود که این رقم حدود ۱۹/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اعلام آمار قاچاق تا سال ۱۳۹۷ ادامه داشته و به ترتیب طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷ حدود ۱۵/۵ و ۱۲/۵ میلیارد دلار اعلام می‌شود. این آمار بعد از سال ۱۳۹۷ و با توجه به افزایش شدید نرخ ارز به صورت رسمی اعلام نشده است.

نحوه محاسبه و تخمین قاچاق در ایران

شاید برای خیلی‌ها این سؤال مطرح باشد که مگر می‌توان آمار قاچاق را اعلام کرد؟ از آنجا که قاچاق پدیده‌ای غیر قانونی است، طبیعتاً اطلاع و اعلام آمار دقیق آن نیز ناممکن است، اما بر اساس اذعان کارشناسان این حوزه، آمارهای اعلام شده از میزان قاچاق در ایران نه تنها از طریق روش‌های علمی و به‌روز است؛ بلکه این آمارها، به اصطلاح کف و حداقل میزان قاچاق بوده و به احتمال زیاد میزان واقعی قاچاق از آمارهای اعلام شده بیشتر است. با این حال، بیش از ۲۰ روش برای برآورد اقتصاد پنهان یا همان قاچاق وجود دارد که در ایران عمده آمار قاچاق در کشور با استفاده از چهار روش شکاف عرضه و تقاضا، روش میدانی، روش اختلاف آمار خارجی و داخلی و روش کشفیات، تهیه می‌شود. حتی برای تخمین و محاسبه میزان قاچاق اعلامی به یک روش نیز اکتفا نشده و این آمارها عمدتاً با هر چهار روش محاسبه شده و به صورت تخمینی اعلام می‌شود.

افزایش سهم قاچاق خروجی

اگر به آمارهای اعلام شده قاچاق طی دو دهه اخیر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که بیشترین آمار تا سال ۱۳۹۷ مربوط به سال ۱۳۹۲ و عدد ۲۵ میلیارد دلار است. شاید یکی از دلایل این موضوع را بتوان رشد شدید و سه برابری نرخ ارز در اوایل دهه ۹۰ دانست. اگر چه در ظاهر ماجرا با افزایش نرخ ارز باید میزان واردات ـ اعم از قانونی یا قاچاق ـ کاهش یابد؛ اما در اقتصاد ایران مشاهده می‌کنیم که با افزایش نرخ ارز میزان قاچاق نیز افزایش می‌یابد که یکی از دلایل مهم این موضوع را می‌توان نقش قاچاق خروجی در این شرایط دانست؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ از ۲۵ میلیارد دلار قاچاق اعلام شده حدود ۸ میلیارد دلار سهم قاچاق کالاهای خروجی از جمله حامل‌های انرژی به خصوص گازوئیل، دارو، کودهای شیمیایی، محصولات مربوط به آرد و... بوده است. اگر چه آمار جدیدی از میزان قاچاق خروجی از کشور در سال‌های اخیر اعلام نشده؛ اما با توجه به رشد حدود هفت برابری نرخ ارز طی سال‌های ۱۳۹۷ به بعد طبیعتاً میزان قاچاق خروجی از کشور رشد بسیار زیادی داشته است؛ به گونه‌ای که علاوه بر سوخت و محصولات مربوط به آرد که در اقتصاد ایران به کالاهای یارانه‌ای معروف هستند، قاچاق کالاهایی مانند حبوبات، مرغ، دام زنده و... نیز به واسطه کاهش شدید ارزش پول ملی طی این سال‌ها به شدت افزایش داشته است. به عبارتی، می‌توان گفت امروز مشکل قاچاق خروجی از کشور به اندازه قاچاق ورودی به کشور از اهمیت برخوردار بوده و دیگر صرفاً به قاچاق سوخت محدود نیست.

مقابله با قاچاق کالا از مبادی رسمی

شکی نیست که یکی از روش‌های مهم در ورود کالاهای قاچاق به کشور، ورود این کالاها از طریق مبادی رسمی، مانند گمرکات، بنادر و مناطق آزاد است. اهمیت و نقش این موضوع تا آنجاست که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اول فروردین ماه سال ۱۳۹۶ در حرم مطهر رضوی به این موضوع اشاره داشته و می‌فرمایند: «شنیده‌ام از بندری روزانه حدود ۴ هزار کانتینر وارد کشور می‌شوند که فقط ۱۵۰دستگاه از کانتینرها بازدید می‌شود. چرا دولت دستگاه‌های مورد نیاز برای این کار را تأمین نمی‌کند تا بتواند این کانتینرها را بازرسی کند.» متأسفانه بسیاری از کالاهای قاچاق شده به کشور از همین بنادر رسمی و از طریق کانتینرهای مشخص وارد کشور می‌شوند. در حال حاضر، بر اساس آخرین آماری که در رسانه‌ها وجود داشته و اعلام شده است، با وجود گذشت بیش از چهار سال از بیانات رهبر حکیم انقلاب، حدود ۱۷ دستگاه ایکس ری کامیونی در کشور وجود دارد. این در حالی است که علاوه بر واردات این دستگاه‌ها، امکان تولید این دستگاه از سوی چندین شرکت داخلی نیز وجود دارد. طبیعتاً تجهیز گمرکات و بنادر کشور به دستگاه‌های ایکس ری و نظارت دقیق بر روی عملکرد این دستگاه‌ها می‌تواند میزان قاچاق ورودی از مبادی رسمی به کشور را به صفر نزدیک کند.

منهای نفت

ضد نوسانات قیمتی

در کشورهای صادرکننده نفت، سیاست‌های مالی تأثیر زیادی بر عملکرد اقتصادی داشته و به ایجاد چالش منجر می‌شود؛ چالش‌هایی که پایداری مالی، ثبات اقتصاد و برنامه‌ریزی مالی را هدف قرار می‌دهند. تأسیس صندوق‌های پس‌انداز و ثبات نفتی و اتخاذ سیاست محافظه‌کاری در تعیین قیمت نفت در بودجه راهکارهایی هستند که در مواجهه با چالش‌های فوق مدنظر قرار می‌گیرند. صرف نظر از تأثیرات فشار تورمی در زمان بالا رفتن قیمت نفت بر اقتصاد، نوسان‌پذیری نرخ ارز نیز از پیامدهایی است که وابستگی اقتصاد به نفت می‌تواند ایجاد کند. بنابراین، از اقدامات مهم جلوگیری از تأثیر نوسانات قیمت نفت بر عملکرد اقتصادی است.

شاخص

بازگشت لیر

به گزارش رویترز، پس از آنکه اردوغان طرح موسوم به ضد دلاری خود را منتشر کرد، قیمت ارز ترکیه آرام آرام از اوج قیمت خود عقب‌نشینی کرد. ابتدا ارزش این ارز تقویت شد، اما پس از آن بخشی از ارزش خود را از دست داد و در رقم ۱۳/۹۲ لیر معادل دلار ایستاد و در لحظه تهیه این گزارش، ۱۲/۵۷ لیر در برابر دلار قرار گرفت. هفته گذشته اردوغان از اقدامات حمایتی و ضددلاری صحبت کرد که از نظر وی می‌تواند مانع تضعیف ارزش لیر ترکیه شود. دولت ترکیه قول داده است مابه‌التفاوت ارزش سرمایه‌گذاری با لیر و سپرده‌گذاری با دلار را پرداخت کند.

افزوده

مالیات منفی بر درآمد

«مالیات منفی بر درآمد» به طرحی گفته می‌شود که یارانه‌های دولتی برای افرادی که کمتر از حد خاصی درآمد دارند، تضمین شده است. بر این اساس، چنانچه درآمد شخصی به حد مشخصی نرسد، دولت مابقی آن را پرداخت خواهد کرد که ماهیت امر کاملاً بالعکس ماهیت سیستم مالیاتی است. از نکات مثبت این طرح، جایگزینی آن برای سیستم‌های پیچیده رفاهی و سازمان‌های امداد و رفاهی است. از ابعاد این طرح که مورد انتقاد بسیاری واقع شده، دلسرد کردن و فقدان ایجاد انگیزه کافی برای آن دسته از افرادی است که درآمد ماهانه آنها کمتر از سطح تعیین شده است.

یادداشت

نقدینگی دو برابر می‌شود؟

رسول بخشی دستجردی
اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

اگر چه برخی نرخ تورم را مهم‌ترین عامل افزایش نرخ ارز و عده‌ای افزایش نرخ ارز را مهم‌ترین عامل تشدید تورم در اقتصاد ایران می‌دانند، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار روی هر دو موضوع مسئله نقدینگی در اقتصاد ایران است. برای نمونه، دلایل افزایش نرخ ارز یک موضوع ساختاری است؛ چرا که نرخ ارز در تقابل میان عرضه و تقاضای ارز تعیین می‌شود. از سویی، تقاضای ارز به ورود نقدینگی ریالی به بازار ارز متکی است. مادامی که ورود نقدینگی ریالی برای خرید ارز از عرضه ارز در کشور بالاتر باشد، نرخ ارز نیز افزایش خواهد داشت.

در این میان، اگر چه تحریم‌ها سبب شده درآمدهای ارزی کشور کاهش یابد و به تبع آن ورود ارز به بازار داخلی با کاهش مواجه شود؛ اما این موضوع تنها بخشی از قضیه است. مهم‌ترین بخش قضیه ورود نقدینگی ریالی به بازار ارز است؛ به گونه‌ای که نقدینگی ریالی گسیل شده به بازار ارز در سال‌های اخیر همواره در حال افزایش بوده است که دلیل اصلی آن را می‌توان رشد بالای حجم نقدینگی در اقتصاد ایران دانست.

بنابراین مادامی که نرخ رشد نقدینگی از نرخ ورود ارز به بازار بالاتر باشد، نگه داشتن یا به عبارتی ایجاد ثبات در قیمت ارز برای مدت زمان مشخص ممکن نبوده و اگر این اتفاق رخ دهد، به سرکوب ارزی منجر می‌شود. سرکوب ارزی هم مانند زودپز روی اجاق گاز عمل کرده و به یک باره می‌ترکد. برای نمونه، نقدینگی در ایران از سال ۱۳۹۲ تا پایان ۱۳۹۶ بیش از ۲۰۰ درصد رشد داشته؛ اما با این وجود، نرخ ارز طی این سال‌ها حداکثر ۵۰ درصد رشد کرده که اختلافی ۱۸۰ درصدی را نشان می‌دهد. می‌توان نتیجه گرفت که دولت طی این پنج سال، قیمت ارز را سرکوب کرده بود؛ به همین دلیل در نوروز ۱۳۹۷ قیمت ارز به یکباره و مانند همان زودپز روی اجاق منفجر شد و قیمت طی بازه کوتاهی به بیش از سه برابر رسید.

این افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ باید طی پنج سال و در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ اتفاق می‌افتاد؛ اما با سرکوب ارزی مواجه شده بود. دلیل این گونه اتفاقات در اقتصاد ایران این است که نرخ رشد نقدینگی در اقتصاد ایران همواره بالا بوده است؛ به گونه‌ای که برای نمونه در نیم قرن اخیر نقدینگی در اقتصاد ما بیش از ۷۰ هزار برابر رشد کرده است؛ در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی کشور در همین فاصله کمتر از سه برابر بوده است.

از این رو باید اذعان داشت که اگر رشد نقدینگی به همین شکل ادامه پیدا کند ـ که بعید نیست این اتفاق بیفتد مگر اینکه اصلاح ساختاری در اقتصاد صورت بگیرد ـ تا دو سال آینده، نقدینگی موجود در کشور دو برابر می‌شود، به عبارتی عدد نقدینگی ۴۰۰۰ هزار میلیارد تومانی فعلی به ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. به این ترتیب، می‌توان گفت اگر جلوی رشد نقدینگی گرفته نشود، نمی‌توان به مدیریت بازار ارز نیز امیدوار بود.

سال سخت آمریکا

هفت پیش‌بینی برای دنیا در سال ۲۰۲۲

ثمانه اکوان
دبیر گروه بین‌الملل

جهان در سال ۲۰۲۱ با بحران‌ها و موضوعات متعددی روبه‌رو بود. از ادامه یافتن شیوع سویه‌های گوناگون کرونا در جهان گرفته تا رقابت‌های قدرت بین دو بلوک شرق و غرب در عرصه‌های فضایی، تکنولوژیکی و سایبری، همه سبب شد سال ۲۰۲۱ به یکی از سال‌های پر تنش در روابط بین‌الملل تبدیل شود. با این حال، در وضعیت فعلی سؤال این است که با توجه به اتفاقات رخ داده، دنیا باید در انتظار چه تحولات جهانی در سال ۲۰۲۲ باشد و شکل رقابت قدرت‌های گوناگون منطقه‌ای و جهانی در این سال به چه ترتیب خواهد بود؟ در این گزارش به چند نمونه از وقایعی که به نظر می‌رسد در سال جدید میلادی رخ دهد، اشاره شده است.

۱ـ جهان به زیستن همراه با کرونا عادت می‌کند: با شیوع گسترده سویه اومیکرون کرونا در جهان، به‌نظر می‌رسد سال جدید میلادی نیز در حالی آغاز شود که کشورهای گوناگون در حالت آماده‌باش برای مقابله با این سویه جدید هستند. دو سال است که در سراسر جهان وضعیت معیشت، اقتصاد و حتی فعالیت‌های سیاسی با مسئله شیوع کرونا درگیر شده است. جهان در حالی برای سفر به سومین سال کرونایی آماده می‌شود که با وجود تمام تلاش‌ها برای ساخت واکسن و همچنین قرص‌های جدید مقابله با کرونا، هنوز نمی‌توان مطمئن بود که می‌توان به سمت مهار این ویروس و بیماری کووید۱۹ رفت یا نه و تمام تلاش‌ها در عین‌حال نتوانسته جلوی شیوع گسترده کرونا در جهان را بگیرد. بااین‌حال، تنها امیدواری این است که سویه‌های جدید کرونا در مقایسه با سویه‌های قدیمی‌تر میزان کشندگی و خطر کمتری دارد.

۲ـ احیای آهسته اقتصاد جهان: در سال ۲۰۲۱ اقتصاد کشورهای گوناگون و همچنین اقتصاد جهانی تلاش زیادی کرد تا بتواند به‌سرعت آماده احیای پس از قرنطینه‌های مداوم شرایط کرونایی شود. احیای اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۲ نیز ادامه خواهد داشت؛ اما این روند به دلیل احتمال شیوع سویه‌های جدید به کرونا بسیار کند خواهد بود. نکته تأمل‌برانگیز باقی ماندن برخی از شرایط دورکاری در شرکت‌های بزرگ بین‌المللی است. شرکت‌ها پس از ماجرای کرونا به‌خوبی دریافته‌اند که لازم نیست کارمندان خود را در ساختمان‌های اداری جا دهند و آنها می‌توانند از خانه نیز کارایی خوبی در داشته باشند. بنابراین به جز احیای اقتصاد جهانی، به‌نظر می‌رسد شرایط کار در دنیا نیز با تغییرات عمده‌ای مواجه شود.

۳ـ ادامه بحران‌های مرتبط با چرخه توزیع کالا: یکی از شرایطی که در سال ۲۰۲۱ موجب ایجاد بحران اقتصادی در انگلستان و آمریکا و تعداد دیگری از کشورهای غربی شد، بحران در چرخه توزیع کالاها بود. وضعیت کرونایی موجب شده بود بسیاری از کشورها میزان تعاملات تجاری خود در عرصه جهانی را کاهش دهند و همین مسئله موجب کاهش سرعت چرخه توزیع کالاها در سراسر جهان و به‌خصوص کشورهای غربی شده بود. به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه بسیاری از دلایل ریشه‌ای بحران چرخه توزیع کالا در سال ۲۰۲۲ نیز ادامه خواهد داشت، این بحران همچنان در سال آینده میلادی در بسیاری از اقتصادهای بزرگ جهان چالش ایجاد کند.

۴ـ افزایش تورم در آمریکا و صدور آن به کل جهان: در سال ۲۰۲۱ میلادی دولت بایدن با تصویب دو لایحه برای تأمین منابع مورد نیاز به منظور نوسازی و احیای زیرساخت‌های آمریکا، شرایط برای افزایش تورم را فراهم کرد. افزایش تورم در آمریکا در سال ۲۰۲۲ نیز به‌احتمال زیاد ادامه داشته و باعث بحران کسری بودجه و همچنین ارسال این بحران به سراسر جهان خواهد شد. با افزایش نقدینگی در جامعه آمریکا به‌احتمال زیاد نرخ‌های سپرده بانکی و سود بانکی نیز افزایش خواهد یافت و همین مسئله باعث ایجاد شدن بحران جدید در کشورهایی می‌شود که اقتصاد وابسته به اقتصاد آمریکا دارند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود تورم آمریکا به بالاتر از سال ۲۰۲۱ رسیده و درعین‌حال باعث ایجاد بحران در تمام کشورهای غربی یا حتی شرق آسیا شود.

۵ـ ادامه رقابت‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا و چین: با توجه به رویه در پیش گرفته شده از سوی دولت بایدن در مقابله با چین، به‌نظر می‌رسد در سال ۲۰۲۲ میلادی نیز چالش‌ها بر سر روابط واشنگتن و پکن گسترده‌تر شود و جهان را به سمت دو پاره شدن ببرد. بزرگ‌ترین شکاف ایجاد شده در این زمینه، شکاف ژئوپلیتیکی خواهد بود و همین مسئله سبب می‌شود مسائلی، نظیر روابط چین و تایوان باز هم در صدر اخبار بین‌المللی قرار گیرد. از نظر اقتصادی نیز به‌احتمال زیاد رقابت‌های اقتصادی بین دو ابرقدرت ادامه یافته و موجب ایجاد چالش‌های جدی در عرصه اقتصاد جهان خواهد شد.

۶ـ رونق سفرهای فضایی در آمریکا: سال ۲۰۲۱ را می‌توان سال آغاز خصوصی‌سازی فضا در دنیا دانست. با سفرهایی که شرکت‌های خصوصی، مانند اسپیس‌ایکس برای شهروندان در سال ۲۰۲۱ ترتیب می‌دادند، به‌نظر می‌رسد در سال ۲۰۲۲ نیز همین روند ادامه یافته و با توسعه بیشتری مواجه شود. در همین‌حال، به‌نظر می‌رسد رقابت‌های جهانی بر سر فضا نیز افزایش پیدا کند و درگیری‌های ایالات‌متحده و چین به مسئله ماهواره‌ها و ایستگاه‌های فضایی نیز برسد. اگر تا سال گذشته تصور می‌شد مسئله اقتصاد عرصه اصلی رقابت چین و آمریکا خواهد بود، افزایش سفرهای فضایی در سال ۲۰۲۱ نشان داد عرصه اصلی رقابت می‌تواند نه در روی زمین، بلکه در فضا باشد.

۷ـ بحران مهاجران در جهان: وضعیت بد اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله در کشورهای حوزه آسیای غربی و آمریکای جنوبی، زمینه را برای افزایش بحران مهاجران در مرزهای اروپایی و مرزهای جنوبی آمریکا فراهم خواهد کرد. سیاست‌های اشتباه و ناهماهنگ آمریکا در مسئله مهاجران، وضعیت حقوق بشر را با بحران بیشتری روبه‌رو خواهد کرد. از سوی دیگر، بحران در مرزهای اروپایی و به ویژه مهاجرانی که در راه رسیدن به اروپا قربانی دریا می‌شوند، به دلیل سیاست‌گذاری نامناسب در این زمینه از سوی کشورهای اروپایی با وضعیت بدتری مواجه خواهد شد.

گزارش

جنگ با حقیقت

چرا جو بایدن واقعیات را انکار می‌کند؟

نرخ تأیید عملکرد رئیس‌جمهور در نظرسنجی‌های اخیر از مردم آمریکا به‌شدت کاهش یافته است و دموکرات‌ها را واداشته تا از خود سؤال کنند چرا این اتفاق در حال رخ دادن است؟ بسیاری از رسانه‌های آمریکایی معتقدند، اوضاع سخت اقتصادی در آمریکا سبب نمی‌شود که رؤسای‌جمهور محبوبیت خود را از دست بدهند؛ آن هم در حالی که دولت بایدن به‌شدت تلاش دارد لوایح تأمین مالی احیای زیرساخت‌های آمریکا را به تصویب رسانده و مسائلی، مانند بیمه‌های سلامت را توسعه دهد.

به نظر می‌رسد، عوامل دیگری در کاهش محبوبیت بایدن تأثیرگذار باشد. برخی از رسانه‌های آمریکایی معتقدند، مهم‌ترین عامل در این زمینه دنیای غیرحقیقی و دروغینی است که رئیس‌جمهور آمریکا در آن زندگی می‌کند. بایدن در دنیایی زندگی می‌کند که معتقد است راهبرد ملی برای مقابله با کرونا دارد. او در عین‌حال معتقد است، مرزهای جنوبی آمریکا در امنیت به سر می‌برد و خروج آمریکا از افغانستان نیز یک موفقیت فوق‌العاده بوده است. او همچنین، معتقد است وضعیت فعلی افزایش تورم در آمریکا موقتی بوده و مسئله‌ای خوب برای اقتصاد این کشور است. همه اینها نشان می‌دهد، صحبت‌های رئیس‌جمهور آمریکا با واقعیتی که در آمریکا در جریان است به شدت فاصله دارد؛ زیرا دولت بایدن نه راهبرد ملی برای برخورد با کرونا دارد، نه می‌تواند امنیت مرزهای جنوبی این کشور را تأمین کند و نه حتی خروجش از افغانستان یک موفقیت فوق‌العاده بوده است. همین مسئله سیاست‌مداران آمریکایی و به‌خصوص دموکرات‌ها را بر آن داشته تا اقدامی در زمینه پایین بودن میزان محبوبیت بایدن انجام دهند. آنها در تلاش هستند اقداماتی انجام دهند که وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و معیشتی آمریکایی‌ها را به دنیای رؤیایی که بایدن در آن زندگی می‌کند، نزدیک کنند. با این حال، نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات کنگره سبب می‌شود مجلس نمایندگان و سنای آمریکا در تصویب لایحه تأمین بودجه زیرساخت‌های آمریکا و همچنین تأمین هزینه‌های خدمات بهداشتی، درمانی و اجتماعی این کشور عجله‌ای به خرج ندهند و این مسئله با درگیری‌های سیاسی همراه شود؛ به‌همین دلیل پیش‌بینی می‌شود بایدن در سال ۲۰۲۵ میلادی نیز همچنان در دنیای رؤیایی که برساخته ذهن اوست، زندگی کند و آمریکایی‌ها در دنیای واقعی در حال دست‌وپنجه نرم کردن با تورم، گرانی و پیامدهای حاصل از آن باشند.

صدرنشین میلیاردرها

نشریه فوربس اعلام کرد، «پاول دورف» بنیانگذار تلگرام در صدر ۱۰ میلیاردر روسی قرار گرفت که در سال ۲۰۲۱ ثروتمندتر شدند. او با کسب ۱۳/۸۱ میلیارد دلار دیگر درآمد از طریق این اپلیکیشن پیام‌رسان در سال ۲۰۲۱ در میان ۱۰ میلیاردر روسی پیشتاز است. فوربس نوشت: «تعداد کاربران پیام‌رسان تلگرام پس از عملکرد بد متا ۷۰ میلیون افزایش داشته است.» تلگرام برای نخستین بار در سال ۲۰۲۱، اوراق قرضه خود را منتشر و از این راه یک میلیارد دلار درآمد کسب کرد. در ۲۰ دسامبر، کل دارایی و ثروت دورف ۱۷/۲۴ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

درخواست روسیه

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با تأکید بر اینکه درخواست روسیه درباره عدم گسترش ناتو به سمت شرق، به‌خصوص در اوکراین و دریافت تضمین‌های امنیتی غیرقابل قبول است، مشارکت اتحادیه اروپا در مذاکرات امنیتی آتی را ضروری دانست. «جوزف بورل» تعیین شرط عدم گسترش ناتو به سمت شرق از طرف روسیه برای دریافت تضمین‌های امنیتی را غیرقابل قبول نامید. وی افزود: «درخواست مربوط به تضمین‌های امنیتی و توقف گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به سمت شرق که مقامات مسکو به‌عنوان بخشی از دستور کار مذاکرات آتی در زمینه امنیت اروپا مطرح کرده‌اند، کاملاً غیرقابل قبول است.»

بی تفاوتی به رنج

رهبر کاتولیک‌های جهان در سخنانی مسئله مهاجرت را واقعیتی انکارناپذیر و در عین حال یک رسوایی اجتماعی بشری دانست و خواستار نادیده نگرفتن رنج مهاجران شد. او در سخنانی در کلیسای کاتولیک گفت: «امروزه مسئله مهاجرت واقعیتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. این یک رسوایی اجتماعی بشریت است. مهاجران امروز قربانی شرایط سیاسی یا تاریخی و عهده‌داری قدرت از طرف برخی ظالمان می‌شوند که برای آنها انسان‌ها به حساب نمی‌آیند. مسئله مهاجرات مسئله‌ای است که پاپ در ماه‌های اخیر زیاد به آن پرداخته است.»

پیشخوان

ادامه بحران در سومالی

رئیس‌جمهور سومالی هفته گذشته و یک روز پس از آنکه نخست‌وزیر را به انحراف از وظایفش در قبال هدایت کشور به سمت برگزاری انتخابات متهم کرد و اختلاف بین این دو مقام بر سر موضوع انتخابات بالا گرفت، از اقدام برای معلق کردن نخست‌وزیر خبر داد. دفتر محمد عبداللهی محمد، رئیس‌جمهور سومالی در بیانیه‌ای با متهم کردن محمد حسین روبلی، نخست‌وزیر این کشور به مداخله در روند تحقیقات مربوط به یک پرونده تصاحب غیرقانونی اراضی، عنوان کرد، رئیس‌جمهور سومالی تصمیم گرفت محمدحسین روبلی، نخست‌وزیر کشور را به دلیل ارتباطش با این پرونده فساد معلق کرده و اختیارات او را متوقف کند. این در حالی است که یک روز قبل از این اتفاق، رئیس‌جمهور سومالی با صدور فرمانی خواستار تشکیل یک نشست مشورتی برای تعیین مسیر انتخابات پرمناقشه شد و در عین حال نخست‌وزیر را متهم کرد که در انجام وظایف خود برای رهبری کشور با برگزاری انتخابات کوتاهی کرده است. سومالی از زمان سرنگونی «سیاد بار» حاکم قدیمی در سال ۱۹۹۱، دولت مرکزی مؤثری نداشته و وضعیت این کشور بر اثر اختلافات بین سیاستمداران و قبایل رقیب مختل شده است. این کشور همچنین با گروه الشباب، وابسته به القاعده مبارزه می‌کند.

هزینه‌های فاجعه‌بار

گفته می‌شود سال ۲۰۲۲ برای میلیون‌ها بریتانیایی «سال فشار اقتصادی» خواهد بود. اقتصاددانان هشدار داده‌اند که خانواده‌های انگلیسی در سال آینده با یک «فاجعه» از نظر هزینه‌های زندگی مواجه می‌شوند؛ زیرا قبوض انرژی و افزایش مالیات، بودجه ۱۲۰۰ پوندی خانوارها را تحت فشار شدیدی قرار می‌دهد. در حال حاضر، دستمزدهای واقعی با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۲۱ در حال کاهش هستند و قدرت هزینه‌ها در سال آینده با رکود مواجه می‌شود. تورم در بهار به ۶ درصد می‌رسد که بالاترین سطح آن در حدود سه دهه اخیر است. افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش متوسط دستمزدها را در سال ۲۰۲۲ خنثی می‌کند. «ایندیپندنت» در همین زمینه نوشت: «نرخ تورم انگلیس اکنون از ۵ درصد عبور کرده و ممکن است در سال آینده میلادی به ۶ درصد برسد که بالاترین رقم در یک دهه گذشته به شمار می رود. این میزان تورم به مصرف‌کنندگانی که در حال حاضر در حال کنار آمدن با رکود اقتصادی ناشی از همه گیری کرونا هستند، آسیب خواهد زد. به علاوه قیمت‌های انرژی، مصرف‌کنندگان، با افزایش مالیات‌ها در ماه آوریل (فروردین) دست و پنجه نرم خواهند کرد. این افزایش مالیات‌ها شامل پایان یافتن کاهش نرخ مالیات بر هتل‌ها و رستوران‌ها ـ دولت در دوره شیوع کرونا برای حمایت از آنها اعمال کرده بود ـ و همچنین افزایش نرخ بیمه اجتماعی در بسته‌های پرداختی است.»

وظیفه ما پس از حاج قاسم

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

سالروز شهادت سیدالشهدای جبهه مقاومت حاج‌قاسم سلیمانی، فرصت مغتنمی برای طرح این پرسش مهم و اساسی است که «وظیفه ما پس از سلیمانی چیست؟» طرح این پرسش هم منطقی و هم امری لازم است؛ چرا که شهید سلیمانی یک قهرمان واقعی برای ملت ایران و امت اسلام بود. او خود را وقف خدمت به مردم کرد و با جهاد چهل‌ساله‌اش عزت، استقلال و امنیت ملت ایران را تأمین کرد. برای پاسخ به این پرسش مهم، باید به یک سؤال دیگر جواب داد و آن اینکه، چرا رهبر حکیم انقلاب اسلامی، سکه مکتب به نام حاج قاسم زده و فرمودند: «به حاج قاسم سلیمانی، به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم.»

به نظر می‌رسد، به دو دلیل مهم رهبر معظم انقلاب، این عنوان مکتب را برای شهید سلیمانی مطرح فرمودند؛ دلیل اول به شایستگی‌ها، ویژگی‌ها و شخصیت جامع حاج قاسم برمی‌گردد. معظم‌له تا قبل از شهادت حاج قاسم، عنوان مکتب را فقط و فقط برای حضرت امام(ره) به کار برده بودند. به عبارت دیگر، شهید سلیمانی اولین فردی است که پس از امام(ره)، از سوی رهبر معظم انقلاب، عنوان مکتب برایش مطرح می‌شود.

دلیل دوم به نیاز زمانه ما برمی‌گردد. انقلاب اسلامی در گام دوم و جمهوری اسلامی در دهه پنجم، با وضعیتی مواجه است که برای شتاب‌بخشی به حرکت انقلاب اسلامی به منظور تحقق هرچه سریع‌تر آرمان‌های انقلاب، به یک الگوی الهام‌بخش برای مردم و به ویژه برای نسل جوان نیاز دارد. رهبر معظم انقلاب با صدور بیانیه گام دوم در چهل سالگی انقلاب اسلامی، ضمن ترسیم گذشته، حال و آینده انقلاب و بازخوانی آرمان و اهداف این حرکت الهی، جوانان را مخاطب اصلی خود قرار داده، آنان را به یک حرکت فراگیر و عمومی برای سرعت بخشیدن به حرکت انقلاب به منظور تحقق آرمان اصلی، یعنی تمدن‌سازی اسلامی فراخواندند. متأسفانه پس از صدور این بیانیه، آن طور که شایسته و بایسته بود، این حرکت شتاب‌بخش شکل نگرفت. شاید یکی از دلایلش، نبود الگوی الهام‌بخشی و قابل اطمینان برای مردم و به ویژه جوانان بود. وقتی سلیمانی به شهادت رسید و خداوند متعال آنگونه محبت این شهید را در دل‌ها قرار داد و همگان را متأثر کرد؛ فرصتی حاصل شد تا رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حاج قاسم را به مثابه یک الگو برای جامعه و به ویژه جریان مؤمن انقلابی معرفی کنند. بر این اساس، می‌توان به آن پرسش اصلی پاسخ داد که ما در قبال سلیمانی، پس از شهادت این قهرمان ملت ایران چه وظیفه‌ای داریم؟ شهید سلیمانی الگو برای چه امری و چه کاری است؟ با اطمینان می‌توان گفت شهید سلیمانی، در موارد زیر می‌تواند یک نقش الگویی داشته باشد:

۱ شهید سلیمانی یک مسئول برجسته تراز انقلاب اسلامی بود و برای مسئولان کشور یک الگوی تمام‌عیار است.

۲ شهید سلیمانی یک پاسدار و فرمانده مطلوب و تراز انقلاب اسلامی است و برای تمامی پاسداران و فرماندهان سپاه یک الگوی کامل است.

۳ شهید سلیمانی، یک مؤمن و انقلابی ولایتمدار است و می‌تواند برای اهل ایمان و معرفت، برای وفاداران به انقلاب و پیروان ولایت الگو باشد.

۴ حاج قاسم عزیز، یک شخصیت مردمی و خدمت‌گزار ملت است و می‌تواند برای تمام کسانی که خود را مردمی می‌دانند و می‌خواهند خادم مردم باشند و به خلق خدا کمک کنند، یک الگو و راهنمای عمل باشد.

۵ حاج قاسم یک مجاهد فی‌سبیل‌الله و ایستاده در وسط میدان در مقابل دشمنان است و می‌تواند برای تمامی مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله الگو باشد.

۶ حاج قاسم یک عارف واقعی و سالک الی‌الله است و می‌تواند برای شیفتگان این راه یک الگو باشد.

بنابراین در یک جمله می‌توان گفت، وظیفه اصلی ما پس از حاج قاسم، آن است که «مکتب سلیمانی» را به یک گفتمان رایج و غالب در جامعه تبدیل کنیم. البته حاج قاسم خود تربیت شده مکتب اسلام و امامین انقلاب اسلامی است و در واقع مکتب او، در امتداد مکتب اسلام، مکتب امام(ره) و مکتب رهبری عزیزمان قرار دارد.

با این حال، مکتب حاج قاسم، یک مکتب پویا، گویا و کاربردی به اقتضای شرایط، برای حفظ انقلاب اسلامی و سرعت‌بخشی به حرکت انقلاب برای تحقق آرمان‌ها و اهداف است. بنابراین تمرکز اصلی باید برای ادای دین و انجام وظیفه پس از حاج قاسم، تمرکز بر روی مکتب سلیمانی است. در قبال مکتب سلیمانی حداقل امور زیر را باید به صورت جدی مورد توجه قرار داد:

۱ مکتب سلیمانی را باید به درستی شناخت و با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این مکتب آشنا شد.

۲ تمامی دلسوزان انقلاب اسلامی، باید پس از شناخت مکتب سلیمانی، این شهید را الگوی خود قرار داده، شبانه‌روز در هر موقعیتی و هر مسئولیتی که قرار دارند، سعی کنند همانند این شهید عمل کنند. باید تلاش کرد از منظر شهید سلیمانی به اسلام، انقلاب، امام، جمهوری اسلامی، کشور، مردم، آمریکا، رژیم صهیونیستی، شهدا و خانواده شهدا و ..نگاه و توجه کرد. اگر ما نگاه‌مان به اسلام، انقلاب، جمهوری اسلامی و ولایت آنگونه شد که سلیمانی نگاه می‌کرد و اعتقاد داشت؛ آن‌گاه امید است که به شهید سلیمانی نزدیک شده باشیم. در این مسیر سخنرانی‌ها و وصیت‌نامه حاج قاسم، ترسیم‌کننده و توضیح‌دهنده نگاه حاج قاسم به بسیاری از امور است. حاج قاسم در یک عبارتی می‌گوید، تلاش کنید رنگ خدایی به خود بگیرید و اسلام، جمهوری اسلامی و ولایت فقیه رنگ خداست. بسیار روشن است که اگر کسی نقش الگویی حاج قاسم را بپذیرد و مصمم باشد مانند حاج قاسم بشود؛ تلاش می‌کند مثل این شهید والامقام رنگ خدایی پیدا کند و حاج قاسم راه رنگ خدایی پیدا کردن را به او نشان می‌دهد. حاج قاسم با ذوب شدن در ولایت، به درستی رنگ خدایی پیدا کرده بود. بر اساس همین رنگ الهی و مبتنی بر یک معرفت عمیق و اعتقاد راسخ، با سه قسم جلاله و با صراحت هر چه تمام اعلام کرد: «والله، والله، والله، از مهم‌ترین شئون عاقبت بخیری، رابطه دلی، قلبی و حقیقی با این حکیمی است که امروز سکان این انقلاب را به دست دارد و روز قیامت خواهیم دید که این مهم‌ترین محور محاسبه است.»

۳ سومین کار ضروری، تبیین، تبلیغ و ترویج مکتب حاج قاسم است. باید با استفاده از تمامی شیوه‌ها، ابزارها و به ویژه ابزار هنر مکتب حاج قاسم را معرفی کرد. این مکتب اگر با تبلیغ درست مبتنی بر تبیین صحیح به گفتمان غالب تبدیل شود، آنگاه حرکت انقلاب اسلامی به سمت قله‌های عزت و افتخار و نائل آمدن به آرمان تمدن‌سازی اسلامی شتاب پیدا خواهد کرد.

۴ از دیگر وظایف در قبال مکتب حاج قاسم، جلوگیری از تحریف و تخریب مکتب سلیمانی است، متأسفانه در آستانه دومین سالگرد شهادت حاج قاسم، حرکات مشکوکی برای تحریف و تخریب شخصیت حاج قاسم و مخدوش کردن مکتب سلیمانی آغاز شد.

با توجه به موارد چهارگانه مورد اشاره، نکته اصلی در شناخت دقیق و صحیح مکتب حاج قاسم است. کسی می‌تواند در قبال مکتب سلیمانی خوب عمل کند که این مکتب را خوب شناخته باشد. مکتب سلیمانی ابعادی دارد که حداقل چهار بعد اصلی آن عبارت است از: الف- معنویت، ب- عقلانیت، ج- عدالت و د- ولایت‌مداری. باید با این چهار بعد مکتب حاج قاسم به درستی آشنا شد و مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد چهارگانه را شناخت. مکتب حاج قاسم، یک مکتب عقلانی و مبتنی بر خرد، تدبیر و اندیشه است. او با تدبیر و عقلانیت مبتنی بر معنویت، چهل سال جهاد موفق داشت و در ۲۲ سال فرماندهی نیروی قدس سپاه، مبتنی بر همین ویژگی‌ها، موفق شد تمامی طرح‌های جبهه استکبار در منطقه را با شکست مواجه کند. حاج قاسم یک فرد عدالت‌محور، عدالت‌گستر و پر تلاش برای تأمین حقوق مردم بود. حاج قاسم با رویکرد عدالت‌محوری خود، خودش را وقف خدمت به مردم کرد. حاج قاسم در بعد ولایتمداری، شخصیتی بی‌نظیر بود تا جایی که وصیت کرد بر روی سنگ قبرش بنویسند: «سرباز قاسم سلیمانی» آری، او با این عبارت به همگان درس داد که در جمهوری اسلامی و در نظام ولایی، هرکسی با هر عنوان و مسئولیتی، در برابر ولایت باید همانند یک سرباز عمل کند. این سربازی عیار رنگ خدایی شهید سلیمانی را نمایش می‌دهد. پس همه ما تلاش کنیم همانند او به رنگ خدا در آییم.

حاج قاسم و روایت‌ها

دکتر سعدالله زارعی
عضو شورای سیاست‌گذاری
صبح صادق

در محیط تکثر رسانه‌ها، با روایت‌های گوناگونی از شهید حاج قاسم سلیمانی مواجه هستیم که ممکن است هرچه از زمان شهادت ایشان دورتر شویم، این روایت‌ها با توجه به تعدد و تنوع رسانه‌ها بیشتر و متفاوت‌تر شود؛ اما با توجه به آشنایی حدود پانزده ساله و از نزدیک با شهید حاج‌قاسم سلیمانی قبل از شهادت و به‌واسطه ارتباط مستقیم کاری و دائم با ایشان و همچنین مطالعه همه آثاری که تا به حال پیرامون شخصیت ایشان قبل و بعد از شهادت نوشته شده و دیدن تقریبا تمامی برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌ای، اعم از مستند و سایر محصولات و روایت‌ها چند نکته را می‌توانم بیان کنم.

اول اینکه ممکن است در نگاه اول یکی از آفت‌های این نوع کار و تولیدات به ویژه با دور شدن از زمان اتفاق اصلی که شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی است، وقایع و اتفاقات واقعی دستخوش تحریف، کم‌گویی یا اغراق شود، به عنوان فردی که از روی شناخت از شخصیت واقعی ایشان و آگاهی از محتوای تولید شده درباره ایشان صحبت می‌کند، باید عرض کنم آن چیزی که تا امروز درباره مقام و سلوک و شخصیت حاج قاسم در مقام تبیین یا تجلیل ایشان منتشر یا بیان شده نه تنها دچار اغراق در روایت نبوده؛ بلکه شاید حدود ۱۰ درصد از حقی است که در این خصوص باید بیان شود.

سرداری که همزمان در پنج یا شش کشور فرماندهی عملیات را در دست داشته باشد و در همه این جبهه‌ها بتواند با موفقیت فرماندهی کند و کار را پیش ببرد، از اسطوره هم فراتر است. کدام داستان و اسطوره یا رمان و متن یا حتی تولید رسانه‌ای مستندی را سراغ دارید که چنین شخصیتی در آن معرفی شود؟ حتی درباره اسطوره پهلوانی ایرانی، یعنی رستم هم که با اغراق بیان شده، چنین چیزی وجود ندارد و لذا این یک وجه تمایز اساسی او با همه قهرمان‌ها و اسطوره‌هایی است که معرفی شده‌اند. در این میان نه تنها اغراق صورت نپذیرفته، شاید هم راویان یک جاهایی تخفیف‌هایی در روایت داشته‌اند و مدت‌ها طول خواهد کشید که واقعیت‌های تاریخی حاج قاسم به طور کامل بیان شود.

اگر بخواهم یکی دو مصداق از ظرافت‌ها و نکات شخصیتی شهید سلیمانی را عرض کنم که در فرصت این نوشته باشد، هرچند که اصلا توان وصف حالت حقیقی او را ندارد، باید به مسئله احساس مسئولیت ایشان اشاره کنم. به هر جهت یک فرمانده سطح عالی نظامی با این حجم و وسعت جبهه درگیری به صورت عام باید خیلی از مسائل انسانی که ناگریز هم هست، برایش تخفیف پیدا کرده باشد. در واقع یک حکمران همیشه به کلیات توجه دارد و خیلی به سمت جزئیات نمی‌رود تا تمرکزش از اصل مسئله کم نشود؛ اما سردار سلیمانی بسیار بسیار در مسائل مختلف به جزئیات توجه داشت. یک مثالش را زمانی دیدم که از شهادت یک جوان ۱۹ ساله افغانستانی تیپ فاطمیون با خبر شده بود و شدت تأثرش طوری بود که انگار فرزند خودش به شهادت رسیده است. این روحیه در فردی که از اول جوانی در جنگ و جبهه و شهادت بوده و شاید یک روز جهادش هم ترک نشده، عجیب است؛ چون بعد از مدتی این امر در او نهادینه و عادی می‌شود، اما اینکه چنین وضعیتی آن هم برای یک شهید افغانستانی که شاید یکی دوبار او را در خطوط دفاعی یا عملیات دیده و بعد متوجه شهادتش شده، عجیب به نظر می‌رسید. حاج قاسم در مورد بسیاری از شهدای دفاع مقدس یا جبهه مقاومت اینچنین بود.

ویژگی دیگری که در حاج قاسم سلیمانی وجود داشت، این بود که بر خلاف سایر فرماندهان ارشد نظامی که بر اساس مشاهدات و گزارش‌های نیروها صحنه نبرد را ارزیابی می‌کنند، او خودش باید در صحنه حضور پیدا کرده و میدان را ارزیابی و بررسی می‌کرد. اینکه در این منطقه عملیات کند یا نه، چه زمانی و از کدام نقطه و اینکه چه نیازهایی برای عملیات وجود دارد و باید برآورده شود، چه پیامدهایی دارد، نیازها چیست و چه تدارکاتی و لجستیکی نیاز است، همه را در صحنه می‌دید و پیگیری می‌کرد. خودشان می‌گفتند که فرماندهی در دفاع مقدس فرماندهی بیا بود نه برو.

یک نمونه مهم دیگر و شاید مهم‌ترین بعد شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی بعد «ولایت‌افزایی» ایشان است. شهید سلیمانی انبوهی از توده‌های امت را پای کار انقلاب اسلامی و ولایت آورد که شاید نمونه او در این زمینه پیدا نشود، یا نمونه دیگر از این بعد مهم سلوک شخصیتی او پیگیری و تماس‌هایی بود که با بسیاری از مسئولان و نخبگان کشور داشت تا آنها را به خط انقلاب برگرداند یا مسیرشان را در این جهت اصلاح کند یا در مورد کار با دولت‌های مختلف در کشور ضمن اینکه انتقاداتی به هر یک داشت، ولی به بهترین نحو ممکن با آنها تعامل داشت و حرکت می‌کرد، هیچگاه در بیرون انتقاد نمی‌کرد؛ ولی در درون انتقادهای شدید و تندی نسبت به دولت‌ها داشت، با اطمینان عرض می‌کنم هیچ کس و مسئولی در جمهوری اسلامی به اندازه او با دولت‌ها همکاری نداشت و به اندازه او منتقد عملکرد دولت‌ها نبود، البته انتقاد حاج قاسم در نسبت دولت‌ها با ولایت بود، نه در برخی سلایق سیاسی که این خود متمایزکننده او بود.

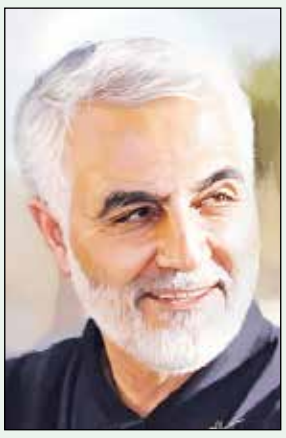

سلیمانی زنده است!

عباس محمدیان
رئیس سازمان بسیج رسانه

اسمش را می‌گذارم «عبدالله»، فقط «بنده خدا» است که می‌تواند رسم بندگی و اطاعت را به درجه‌ای برساند که صاحب این همه سعه وجودی شود. ظرفیتی که نه تنها خود را به زندگی جاودانه برساند، که دیگران را هم جانی در کالبد آورد. سردار سلیمانی را می‌گویم. او عبدالله بود و هست و دستش، همان دست قطع‌شده‌اش «یدالله». بی‌خبرانند از عالم معنا که دستی چنین را فهم نمی‌توانند کرد. او کلید گشایش قفل‌ها و رمز شکستن بن‌بست‌ها را در اختیار دارد. دستی چنین و مردی چنان را باید فارغ از حساب و کتاب‌های مادی در نظر داشت. در دنیا، هر کس را پایانی است؛ اما در ساحت معرفت، بندگان خدا به ابدیت پیوند می‌خورند و می‌رسند به جایی که به جز خدا نمی‌بینند و به جز خدا هم آنان را نمی‌بیند؛ اما آنان شاهدانه همه چیز را می‌بینند. نقش بزرگ خویش را در کارگاه هستی می‌زنند حتی بهتر از ایامی که کوچه‌های زمین آنان را به قدم‌شماری تجربه می‌کرد. نگاه کنید به جغرافیای هماوردی ما با شیطان! برنده این میدان کیست جز سلیمانی؟ کیست که دست از پا درازتر، کوله پشتی خود را از حسرت و شکست پر می‌کند و بر صندلی هواپیما می‌نشیند جز سربازان یانکی شیطان؟ او سردار را زد تا بماند و همه سرزمین‌ها را زیر گام خود می‌خواست، اما طوفان نوح شد از خون او و اشک مظلومان و امروز دارد آنچه را که در تصور برخی نمی‌گنجید، در زمین تحقق می‌بخشد. ظاهر قضیه این است که آنان با پای خود می‌روند، اما به امید ماندن آمده بودند... همه این اتفاقات را که با شهادت سردار آغاز شد، می‌توان ذیل همان حدیث قدسی باز خواند که می‌فرماید: «عَبْدِی أَطِعْنِی أَجْعَلْک مِثْلِی، أَنَا حَی لاَ أَمُوتُ أَجْعَلُک حَیاً لاَ تَمُوتُ، أَنَا غَنِی لاَ أَفْتَقِرُ أَجْعَلُک غَنِیاً لاَ تَفْتَقِرُ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ یکونُ أَجْعَلُک مَهْمَا تَشَاءُ یکونُ»؛ بنده‌ام، به من اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم. همان طوری که من زنده هستم و نمی‌میرم، تو هم همیشه زنده باشی. همان طوری که من غنی هستم و فقیر نمی‌شوم، تو هم همیشه غنی باشی. همان طوری که من هر چه را اراده کنم می‌شود، تو را هم همین طور سازم.

سلیمانی به عبودیت، نامیرایی یافت و به استغنا رسید و اراده‌اش بر هدم تروریسم و اخراج دولت تروریستی آمریکا از منطقه در حال تحقق است. مردم هم نه فقط نام او، که یاد او و رسم زیستی او را در جان گرامی می‌دارند و سردار ولایی و انقلابی ما به عنوان پهلوان ملی و «سرباز قاسم سلیمانی» در حال تکثیر است؛ تا کور شود استکبار که نمی‌تواند ببیند...

سردار قدس

نگاهی به ویژگی‌های حاج قاسم سلیمانی در کلام امام خامنه‌ای

تربیت‌یافته مکتب امام(ره)

سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی(ره) بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید.

(۱۳۹۹/۱۰/۱۳)

اهل معنویت و اخلاص

شهید سلیمانی عزیزمان، که من یاد او را هرگز فراموش نمی‌کنم، اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود؛ واقعاً معنوی بود، واقعاً اهل معنا و اهل اخلاص بود و اهل تظاهر نبود. خب اینها مجموعه مکارم اخلاق است، اینها مکارم باارزشی است. این را مردم دیدند؛ این تبلور پیدا کرد در این آدم؛ در بیابان‌های فلان کشور و فلان کشور و روی کوه‌ها و در مقابل دشمنان گوناگون رفت و این ارزش‌های فرهنگی ایرانی را در واقع مجسم کرد، متبلور کرد، نشان داد؛ پس قهرمان ملت ایران شد.

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

انقلابی‌بودن

شهید سلیمانی... در مسائل داخل کشور- چون این حرف‌ها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود- اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها نبود؛ اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان‌الله علیه) بود.

(۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

شجاع و با تدبیر

شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند، اما اهل اقدام و عمل نیستند... این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعالند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم]. در عرصه سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیرگذار بود.

(۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

پرتلاش و پرکار

حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اول نبود، ولی در راه خدا، در راه انجام وظیفه،

در راه جهاد فی‌سبیل‌الله پروا نداشت؛ از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت. بیست‌وچهار ساعت فرض کنید در فلان کشور گذرانده، نوزده ساعت کار کرده! با این، با آن، بنشین، مجاب کن، استدلال کن، حرف بزن. چرا؟ برای اینکه او را به یک نتیجه مطلوب برساند؛ برای خودش که کار نمی‌کرد، برای [تحقق] آنها کار می‌کرد.

(۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

فداکار

شهید سلیمانی عزیزمان... از طرفی روحیه فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها [مطرح] نبود. نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت.

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

هوشمند و با درایت

شهید سلیمانی عزیزمان... دارای درایت و تیزهوشی بود، خیلی تیزهوش بود؛ [در این مورد] خیلی نکات هست. این مسئله بروز یک جریان به ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدت‌ها قبل پیش‌بینی کرد؛ که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم می‌بینم در وضع دنیای اسلام- اسم آورد از بعضی از کشورها- یک جریانی دارد به وجود می‌آید؛ بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم بادرایتی بود، آدم باهوشی بود. در اداره اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در آنها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد؛ این را بنده کاملاً حس می‌کردم. خب، ما دائماً در حال ارتباط بودیم در مسائل گوناگون؛ بادرایت بود. این هم یکی از خصوصیات ایرانی است، یکی از خصوصیات داشته‌های فرهنگی ما ملت ایران است.

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

مقید به حدود شرعی

شهید سلیمانی... هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌بُرد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ [لکن] او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر می‌رفت؛ اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود.

(۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

تبلور ارزش‌های ایرانی

شهید سلیمانی عزیزمان... قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی خودش و معنوی خودش و انقلابی خودش را و ارزش‌های خودش را در او متبلور دید، در او مجسم دید. ایشان هنوز زنده بود و رفت‌وآمد می‌کرد- خیلی هم معمولی؛ هیچ پیرایه‌ای هم برای خودش قائل نبود- که من می‌دیدم در این خیابان‌ها عکس‌های او را زده‌اند و به او افتخار می‌کنند. وقتی شهید شد، فقط انقلابی‌ها نبودند که او را تکریم کردند و بزرگداشت برای او در ذهن و عالم واقع و خارج ایجاد کردند؛ [بلکه] همه اقشار نسبت به او- حتی کسانی که انتظار نمی‌رفت نسبت به یک عنصر انقلابی، این جور ابراز احساسات بکنند- ابراز احساسات کردند؛ چرا؟ به خاطر همین: تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران بود؛ این خیلی باارزش است.

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

عاشق شهادت

شهید سلیمانی. او آرزو داشت؛ برای شهیدشدن گریه می‌کرد؛ خب خیلی از رفقایش هم رفته بودند و داغدار رفقایش هم بود، اما در خودش شوق به شهادت جوری بود که اشک او را جاری می‌کرد؛ به آرزوی خودش رسید.

(۱۳۹۹/۱۰/۱۳)

شهید پیروز

خدای متعال در قرآن از زبان مسلمان‌ها می‌گوید: بنا الا احدی الحُسنیین،(۴) ما یکی از دو حُسنیٰ را داریم؛ حُسنیٰ یعنی بهترین؛ یکی از دو بهترین را ما داریم. آن دو چه هستند که یکی‌اش را انسان دارد؟ یکی‌اش پیروزی است، یکی‌اش شهادت است. شهید سلیمانی به هر دو حُسنیین رسید؛ هم پیروز شد- چند سال است که در منطقه، پیروز میدان شهید سلیمانی است، مغلوب میدان، آمریکا و عوامل آمریکایند؛ در همه‌ی این منطقه این جور است- هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کلتا الحُسنیین را به این شهید عزیز داد.

(۱۳۹۸/۱۱/۲۹)

قهرمان شکست استکبار

شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد؛ اینها ادعا نیست، اینها چیزهایی است که اثبات شده است. در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش اینکه رئیس‌جمهور آمریکا آمد، گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود.(۳) این را همه دنیا قبول کردند که آمریکا در عراق و سوریه - به خصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ چه کسی در این قضیه فعال بود؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیات خودش اینها را شکست داد. پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعاً فراموش‌نشدنی‌ای [بود]؛ و همچنین تشییع میلیونی‌ای که در عراق شد؛ در نجف، در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس با همدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد. اینهایی که در جنگ نرم استکبار برجسته‌اند و در واقع آنها هستند که دارند فعالیت می‌کنند و ژنرال‌های جنگ نرم آمریکا و استکبار هستند، اصلاً متحیر ماندند که این چه وضعی است؛ این که بود، این چه بود؛ این چه حرکت عظیمی است که آنها را شکست داد.

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

فرمانده نیروی هوافضای سپاه

هدف ترور تنها حذف فیزیکی یک فرمانده نبود

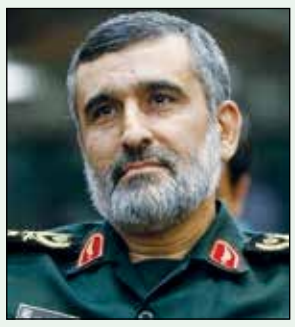

سردار حاجی‌زاده گفت: «ترور سردار سلیمانی با هدف وارد آوردن ضربه‌ای سهمگین به پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ممانعت از تداوم راه و طرح‌های سردار سلیمانی در کشورهای همسایه ایران برای مقابله با آمریکا، ضربه به محور و جبهه مقاومت بود.»

به گزارش خبرنگار صبح صادق در آستانه دومین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و همرزمان‌شان، همایش «یاران حاج قاسم» پیشکسوتان گردان‌های اولیه پادگان ولی‌عصر(عج) با حضور سردار حاجی‌زاده و جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت برگزار شد.

سردار امیر علی حاجی‌زاده با بیان اینکه ترور سردار سلیمانی با فشار صهیونیست‌ها انجام شد، گفت: «ترور حاج قاسم سبب شد تا ده‌ها سال تبلیغات دموکراسی غرب و مدعیان حقوق بشر به یک باره زیر سؤال رود. رئیس‌جمهور آمریکا در مقابل دیدگان جهانیان ترور شهید سلیمانی را بدون هیچ‌گونه ترسی و به صورت آشکارا برعهده گرفت، زیرا قصد داشت با ترور حاج قاسم حمایت صهیونیست‌ها را در انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری جلب کند، اما به برکت خون شهید سلیمانی از جایگاه خود کنار رفت.»

سردار حاجی‌زاده با مطرح کردن اینکه تمام پایگاه‌های آمریکا پس از ترور حاج قاسم به حالت دفاعی درآمدند، خاطرنشان کرد: «در فرودگاه‌های بزرگ منطقه، هواپیماها را پخش کردند تا از خسارات احتمالی کم کنند؛ اما اشراف نیروهای مسلح سیلی بزرگی را برای استکبار جهانی در نظر گرفته بود.»

وی در رابطه با میزان خسارت به پایگاه عین‌الاسد تأکید کرد: «بلافاصله پس از حمله موشکی، دشمن سعی کرد با هواپیما C-۱۳۰ و نیروهای زمینی از خود حفاظت کند، اما همان طور که مشخص بود جمعیت کثیری که حدود ۲ هزار نفر بودند، به بیابان‌ها فرار کردند و تجهیزات فراوانی منهدم شد.»

وی تهدید رئیس‌جمهور آمریکا برای حمله به ۵۲ نقطه حساس ایران را ناشی از اعتماد به نفس کاذب آمریکا پس از ترور حاج قاسم دانست و گفت: «اگر با حمله موشکی پاسخ کوبنده به دشمنان داده نمی‌شد، آنها هر گونه اقدام نظامی علیه ایران را مهیا می‌دیدند، اما پس از حمله ایران معادلات به کلی عوض شد.»

وی در پایان با تأکید بر اینکه برکت خون شهید سلیمانی هویت شیطانی استکبار جهانی را به دنیا نشان داد، گفت: «اقدام ضد بشری رژیم آمریکا و لابی صهیونیستی به دنیا نشان داد آنها برای رسیدن به اهداف خود شعارهای بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند، اما نمی‌دانستند که خون حاج قاسم از خود این شخصیت بزرگوار برای استکبار خطرناک‌تر است، به نحوی که اکنون با خروج حقارت‌آمیز آمریکا از افغانستان و پیروزی جبهه مقاومت در عراق، سوریه و یمن، شاهد آغاز افول غرب هستیم.»

سرآمد دوران ما

جملاتی از شهید حاج قاسم سلیمانی درباره رهبر حکیم انقلاب

◆ قوام ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است. مردم از من قبول کنید، من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می‌کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم؛ اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می‌شناسم. الان ۱۴ سال شغل من همین است. علمای لبنان را می‌شناسم. علمای پاکستان را می‌شناسم. علمای حوزه خلیج‌فارس را می‌شناسم. چه شیعه و چه سنی والله، اشهد بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ، یعنی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است.

◆ برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم‌ترین محور محاسبه این است.

◆ برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.

◆ سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان، به علمای عظیم‌الشأن و مراجع گرانقدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی مراجع عظام تقلید؛ سربازتان از یک برج دیده‌بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خنّاسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق‌به‌جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی(رحمة‌الله علیه) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات با بیان‌تان و دیدارهای‌تان و حمایت‌های‌تان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیر قابل برگشت خواهد بود.

در گفت‌وگوی سردار رسول سنایی‌راد با صبح صادق عنوان شد

مکتب حاج قاسم مسیر حل مشکلات امروز

فاطمه علوی
خبرنگار

حاج قاسم سلیمانی در عین اینکه از جنس مردم و برای مردم بود، با اقتدار و صلابت بود؛ سرداری که خواب از چشم دشمن بیگانه و هتاک اهل بیت(ع) ربوده بود و تا زمانی که بود، دشمن خواب راحت نداشت؛ اما در دی ماه سال ۱۳۹۸ دشمن که جرئت رویارویی با این شیر بیشه را نداشت، با کمک پهپاد حاج قاسم و یارانش را مورد اصابت گلوله قرار داد و به شهادت رساند. دشمن به خیال خام خود حاج قاسم را به شهادت رساند، اما خبر نداشت که مکتب و راه این شهید همچون مدرسه‌ای درس‌آموز برای همیشه تاریخ باقی می‌ماند. ضرورت تبیین این مکتب برای آیندگان و حاضران امری است که رهبر معظم انقلاب هم بر آن تأکید دارند. در همین زمینه «صبح صادق» با سردار «رسول سنایی‌راد»، معاون سیاسی دفتر عقیدتی-سیاسی فرماندهی معظم کل قوا گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانیم.

چرا مکتب حاج قاسم یکی از ضروریات امروز کشور چه در عرصه سیاست و چه در عرصه اجرا و عمل عنوان می‌شود؟

مکتب شهید سلیمانی نشان می‌دهد، این فرمانده و سردار بزرگ اسلام در سطحی بود که امروز می‌تواند سرمشق و الگوی راه کسانی قرار بگیرد که می‌خواهند عزت و اقتدار را برای کشور و نظام اسلامی‌شان کسب کنند. شهید سلیمانی و مکتب حاج قاسم الگویی است که در عرصه‌های گوناگون موفق بود؛ حاج قاسم در قامت فرماندهی نیروی قدس توانست به نیروهای مقاومت گستره، عمق و استحکام بدهد؛ به گونه‌ای که مقاومت را امروز از سطح دفاعی به سطح بازدارندگی ارتقا دهد.

در جبهه مقاومت هم حاج قاسم فرمانده بزرگی بود که توانست موفقیت‌های بزرگی حاصل کند. اگر امروز حزب‌الله و حماس می‌توانند در مقابل تهاجم صهیونیست‌ها دفاع کنند و توان امروزشان مانع از دست‌زدن صهیونیست‌ها به اقدامات احمقانه می‌شود، در نتیجه اقدامات شهید سلیمانی است که توانست با فرماندهی خودش چنین سطحی از قدرت را برای مقاومت فراهم کند.

حاج قاسم در عین اینکه مرد میدان بود، می‌توانست هم پشتیبان دیپلماسی باشد و هم در عرصه دیپلماسی ایفای نقش کند. اگر تعارف را با خودمان کنار بگذاریم، باید اذعان کنیم امروز انباشت برخی از مشکلات به دلیل برخی ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌هاست؛ اما اگر مدیری لایق همچون شهید سلیمانی در عرصه‌ای حضور داشته باشد، شاهد درخشش در آن عرصه خواهیم بود. هم‌اکنون ما در عرصه‌هایی شاهد گله‌مندی مردم هستیم و این به نوع مدیریت‌ها برمی‌گردد. مکتب حاج قاسم از ضروریات امروز کشور است؛ چرا که اگر بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم و در تبیین این مکتب و معرفی دقیق و شفاف شهید سلیمانی بکوشیم، می‌تواند در عین تزریق امید به جامعه و مردم انگیزه‌ای هم در بخش‌های مدیریتی برای حل مشکلات پدید بیاید.

فکر می‌کنید مکتب حاج قاسم سلیمانی چطور باید الگوی راه مدیران و مسئولان کشور باشد؟

واقعیت این است که وقتی رهبر معظم انقلاب از شهید سلیمانی و مکتب حاج قاسم تجلیل می‌کنند و می‌فرمایند زمانی که حاج قاسم زنده بود، به من گزارش می‌داد و از کارهایش تجلیل می‌کردم و امروز در برابر او تعظیم می‌کنم، نشان می‌دهد که ما امروز نوعی الگوی مدیریتی داریم که می‌تواند برای ما توفیقات بزرگی را رقم بزند. اما در پاسخ به این پرسش که چگونه مسئولان از این الگو دنباله‌روی کنند، باید گفت که به نظر می‌رسد در انتصابات مدیران و مسئولان باید شاخصه‌هایی را در نظر بگیریم که در مکتب شهید سلیمانی مورد توجه بوده است؛ چرا که در عرصه‌هایی که رهبر معظم انقلاب فرمانی را صادر کردند و این فرمان محقق شده، همان عرصه‌ای بوده که شهید سلیمانی آن را دنبال کرده‌اند و این به ویژگی‌های شهید سلیمانی برمی‌گردد و آنچه امروز به آن مکتب شهید سلیمانی می‌گوییم. لذا به نظر می‌رسد باید در انتصابات به شاخصه‌های مکتب حاج قاسم توجه شود و مردانی از جنس شهید سلیمانی به کارهای بزرگ گمارده شوند؛ همانگونه که در سیستم‌های تشویقی و سازوکارهای تشویقی باید این شاخصه‌ها گنجانده شوند تا زمینه پیاده‌سازی عملی این مکتب در عرصه راهبردی فراهم شود.

یکی از ویژگی‌های حاج‌قاسم مهربانی از موضع قدرت بود؛ این ویژگی را چطور می‌توانیم در عصر حاضر تبیین کنیم؟

شهید سلیمانی شاگرد برجسته مکتب اسلام و اهل بیت(ع) بود و این ویژگی را شما هم در سیره نبی‌اسلام و هم در ائمه اطهار می‌بینید؛ شهید سلیمانی هم چنین ویژگی‌ای داشت. بنابراین اگر الگوی حاج قاسم و دنباله‌روی از مکتب وی باب شود، باز هم می‌توانیم شاهد تکرار این ویژگی نزد دیگران باشیم. شهید سلیمانی در جلسه روضه‌ای که در سالگرد شهادت حضرت زهرا(س) برگزار می‌کرد، در عین حال که در اوج اقتدار بود، دست به سینه به دیگران خوش‌آمد می‌گفت و نسبت به زیر دستان بسیار مهربان بود. امروز اگر این خصلت و روحیه دینی را شایسته بداریم و برای آن ارج و منزلت قائل باشیم، باید برای پیاده‌سازی آن در جامعه تلاش کنیم. اگر فرد تواضع دینی و اخلاقی را درونی کرده باشد، مسلماً می‌تواند در جایی مهربان و در جای دیگر مقتدر باشد، همانگونه که حضرت امام(ره) مقتدرترین رهبر اسلامی بود، اما در بزنگاه‌هایی ما لطافت‌های روحی و مهربانی ایشان را هم شاهد بودیم؛ چرا که ایشان می‌تواند «أَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم» باشد. اگر تربیت دینی را تقویت کنیم و این آموزه‌های مکتبی را به عرصه مدیریت و فرماندهی بکشانیم، چنین خصلتی که برآمده از آموزه‌های دینی و ملی ماست، می‌تواند ترویج و گسترش پیدا کند.

در گفت‌وگوی صبح صادق با محمدحسن قدیری‌ابیانه مطرح شد

خدمت به مردم و لرزه انداختن در دل دشمن

ملیحه زرین‌پور
خبرنگار

سردار سلیمانی چگونه تبیین می‌شود و چرا این مکتب را روزآمد شده مکتب قرآن و اهل بیت(ع) در جامعه امروز می‌خوانند؟ چرا برای ساخت ایران قوی در عرصه‌های گوناگون، تبیین این مکتب از ضروریات روز جامعه اسلامی است؟ صبح صادق برای بررسی بیشتر این مهم پای صحبت‌های دکتر «محمدحسن قدیری‌ابیانه» استراتژیست، مدیر انجمن نخبگان جهان اسلام و عضو شورای بین‌الملل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نشسته است.

شهید سلیمانی و شخصیت مدیریتی، فرماندهی و صلابت این سردار شهید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا حاج قاسم محبوب دل‌ها بود، اما پشت دشمن را به لرزه می‌انداخت؟

خداوند شهید سلیمانی را دوست داشت و تشییع پیکر این سردار شهید و برگزاری مراسم‌های مردمی برای بزرگداشت وی در جای جای ایران حکایت از آن داشت که مردم هم سردار سلیمانی را دوست دارند. این محبوبیت نشان می‌دهد، کسی که بتواند رضایت خدا را جلب کند، می‌تواند رضایت مردم را هم جلب کرده و آنها را به خود جذب می‌کند؛ هر چند تنها به دنبال خدمت به آنها باشد. به قول سردار سلیمانی، فرد باید شهید باشد تا شهید شود و به نظر من باید بهشتی باشد تا وارد بهشت شود و شهید سلیمانی از آن افرادی بود که به یقین جایش در بهشت بود. چند باری توفیق دیدار سردار شهید را داشتم و آنچه در وی مشاهده کردم، صلابت در اوج مهربانی و نورانیتی همراه با تزریق آرامش به دیگران بود؛ همین نورانیت و صلابت موجب می‌شد که دشمن خونخوار به وحشت بیفتد.

سردار سلیمانی به همراه یارانی که شاید خیلی هم شناخته شده نبودند، توانستند با وجود تعداد کم، دشمنان را به شکست بکشانند؛ دشمنانی که با حمایت اروپا و آمریکا و دست‌نشاندگان آنها و ارتجاع عرب و به طور کلی مجموعه بزرگی از تروریست‌های مزدور جهان، نابودی کشورهای اسلامی از جمله سوریه و عراق را برنامه‌ریزی کرده بودند؛ به راستی این موفقیت از صلابت در مدیریت و فرماندهی مقتدر سردار سلیمانی حکایت داشت. ترکیه، رژیم صهیونیستی، اروپا، آمریکا و ارتجاع عرب همه بسیج شده بودند تا حکومت بشار اسد در سوریه را سرنگون کنند؛ اما ما توانستیم با تعداد محدودی از نیروی سپاه قدس و فاطمیون به فرماندهی سردار سلیمانی نیروها، تجهیزات و امکانات وسیع دشمن را از بین ببریم و این موضوعی بود که دور از تصور دشمن و حتی خود سوریه بود.

گفته می‌شود امنیت امروز ایران، منطقه و حتی جهان مدیون شهید سلیمانی است و مکتب حاج قاسم امروز الگوی راهی برای آزادی‌خواهان است. این امر را چطور تبیین می‌کنید؟

ببینید قسمت‌های وسیعی از عراق به تصرف داعشی‌ها در آمده بود، نیروهایی که به هر جنایتی دست می‌زدند و وقتی صحبت از ورود داعش به منطقه‌ای می‌شد، لرزه بر اندام ساکنان آنجا حتی نیروهای نظامی آنها می‌افتاد و برعکس وقتی خبر می‌رسید شهید سلیمانی وارد منطقه‌ای شده، همان داعشی‌ها به وحشت می‌افتادند.

شهید سلیمانی سرلشکر بود؛ اما به تنهایی بیش از یک لشکر بود و دشمن از او حساب می‌برد؛ چرا که وقتی وعده‌ای می‌داد، عمل می‌کرد و وقتی تهدید می‌کرد، وحشت در جبهه دشمن فراگیر می‌شد.

قرار بود خیلی بیشتر از جنایاتی که داعشی‌ها در سوریه و عراق مرتکب شدند، در ایران انجام دهند؛ اما با کارهای شهید سلیمانی موفق نشده و شکست خوردند. آنها تصور می‌کردند با ترور شهید سلیمانی می‌توانند جلوی ادامه این پیروزی‌ها را گرفته و حتی آن را به شکست تبدیل کنند، اما اشتباه می‌کردند؛ چراکه امروز مکتب حاج قاسم راه را برای آینده روشن ساخته، کینه مردم از دشمن را عمیق‌تر و ضربات وارده بر دشمن را مستمرتر کرده و در عین حال نور امید در دل مبارزان را روشن و امید به پیروزی نهضت‌های آزادی‌بخش را پررنگ‌تر کرده است.

امروز برای ملت ما با هر گرایشی شهید سلیمانی اسطوره و مکتب وی راهگشای مبارزان جهان است و نام او به منزله کسی که قدرت‌های بزرگ را شکست داد، همیشه در تاریخ خواهد درخشید.

ضرورت تبیین مکتب حاج قاسم برای جامعه امروز چیست؟ این مکتب چگونه باید برای مدیران، مسئولان و دست‌اندرکاران اجرایی الگو شود؟

شهید سلیمانی امروز نیست، اما راه و مکتب وی ادامه دارد و شکست‌های بیشتری را به دشمن تحمیل خواهد کرد. جهان در حال تحول است و دشمنان ما روز به روز ضعیف‌تر و پراکنده‌تر و جمهوری اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش روز به روز قوی‌تر و مقتدرتر می‌شوند. شهید سلیمانی الگویی از اقتدار و صلابت در برابر دشمنان و مظهر محبت و تواضع در برابر مردم بود؛ لذا خدمت به مردم را یک موهبت می‌دانست و نسبت به آن کوتاهی نمی‌کرد.

مسئولان ما امروز باید مکتب حاج قاسم را الگوی خود قرار دهند و از این روش تبعیت کنند؛ یعنی هم دشمن‌شناس باشند و هم در مقابل دشمن با صلابت برخورد کنند؛ ترس به خود راه ندهند و نسبت به مردم مهربان و متواضع باشند و تنها در این صورت است که می‌توانند به وظیفه خود عمل کنند.

تبیین مکتب حاج قاسم یکی از ضروریات امروز جامعه ماست؛ چرا که وی هر کاری به عهده می‌گرفت، به بهترین نحو انجام می‌داد. مکتب حاج قاسم می‌تواند برای تیم مذاکره‌کننده با غربی‌ها هم الگو باشد؛ چنانچه مذاکره‌کنندگان باید چند شاخصه مهم داشته باشند، از جمله اینکه ترسی از دشمن نداشته و مانند حاج قاسم دشمن‌شناس باشند؛ توان و امکانات کشور را بشناسند و باور کنند و در مذاکره نه مرعوب دشمن و نه مجذوب او شوند. متأسفانه، این ویژگی‌ها در مذاکرات دولت قبل در بیشتر موارد وجود نداشت؛ ولی در این دولت شاهد بروز این ویژگی‌ها هستیم.

مکتب گره‌گشا

اکبر معصومی
کارشناس سیاسی

پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی مهم‌ترین صفتی که از سوی رهبر معظم انقلاب به سردار دل‌ها داده شد، عنوان «مکتب» بود. رهبری فرمودند: «... ما به حاج‌قاسم سلیمانی- شهید عزیز- و به ابومهدی- شهید عزیز- به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمّیّت این قضیّه روشن خواهد شد.» (۲۷ دی ماه ۱۳۹۸)

ضروری است که گزاره مکتب با توجه به اهمیت آن تبیین شود و به آن به منزله یک الگو در جامعه نگاه شود؛ از این رو می‌توان ویژگی مکتب سلیمانی را چنین برشمرد: ۱- معنویت‌گرایی، ۲- تربیت حقیقی در مکتب اسلام و امام خمینی(ره)، ۳- مجاهدت دائمی، ۴- اخلاص و اهل تظاهر و ریا نبودن، ۵- انقلابی‌گری با پرهیز کامل از حزب‌گرایی و جناح‌گرایی، ۶- شجاعت و تدبیر توأمان، ۷- حساسیت شدید به حدود شرعی حتی در میدان جنگ، ۸- عشق همیشگی به شهادت، ۹- تعهد و ایمان، ۱۰- روحیه مقاومت، ۱۱- فداکاری و نوع‌دوستی، ۱۲- استکبارستیزی و....

در واقع مجموعه خصوصیات و شاخص‌های مطرح شده، به تعبیر رهبر معظم انقلاب شهید قاسم سلیمانی را «تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران» و «قهرمان امّت اسلامی» کرده بود.

با در نظر گرفتن شاخص‌های مطرح شده در مکتب حاج قاسم، به نظر می‌رسد الگوبرداری از مکتب سلیمانی ضرورت امروز کشور است و از آن می‌توان به مثابه الگوی عملی بخش‌های مدیریتی و اجرایی کشور بهره برد.

تبعیت‌پذیری محض سردار سلیمانی از ولایت فقیه در همه شرایط، اهمیت ولی فقیه در مکتب سردار سلیمانی می‌رساند. بنابراین، یکی از عوامل موفقیت وی را می‌توان در ولایت‌پذیری وی جست‌وجو کرد؛ موضوعی که نشان می‌دهد موفقیت جامعه اسلامی منوط به همین خصوصیت بارز وی است.

نظام اسلامی باید با تأسی از مکتب سلیمانی اولاً دشمن را بشناسد و در شناخت دشمن از طریق مکتب سلیمانی هیچگاه اشتباه نکند. ثانیاً با در نظر گرفتن حاج قاسم نقشه دشمن را هم خواهد دانست و اینکه دشمن چکار دارد می‌کند، چکار می‌خواهد بکند؟ نقشه دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخش‌های گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند؛ نقشه اساسی دشمن این است؛ تردیدافکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم ایجاد کند.

در واقع دو کلیدواژه تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است. ثالثاً با دانستن نقشه دشمن، شیوه مقابله با نقشه دشمن را باید از مکتب سلیمانی یاد بگیریم. مردم بایستی هم دشمن را بشناسند، هم شیوه‌های کاری دشمن را بدانند، هم باید نحوه مقابله با این شیوه‌ها را بدانند؛ این کار صاحبان فکر با در نظر گرفتن ابعاد مختلف سردار دل‌ها، باید شیوه مقابله با دشمن را در جامعه تبیین کنند که این موضع در هم بعد نظامی و هم در بعد فرهنگی و سیاسی صورت بگیرد.

بانی بیت‌الزهرا(س)

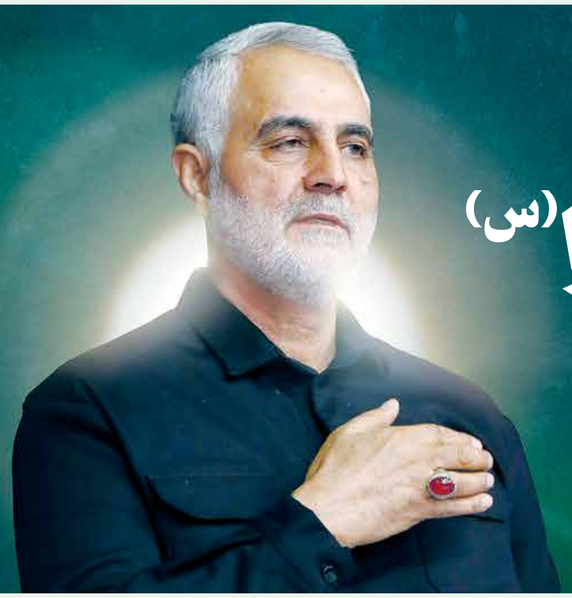

ارادت شهید حاج قاسم سلیمانی به مقام حضرت زهرا(س) بر هیچ کس پوشیده نیست و عشق و علاقه وی به ام‌ابیها(س) زبانزد همگان است. شهید سلیمانی از حضرت فاطمه(س) بارها مدد گرفته است، همانطور که در جایی می‌گوید: «وقتی دشمن آتش مسلسل‌ها، خمپاره‌ها و توپ‌های خود را مستانه را بر ساحل باز کرد و جوی‌هایی از خون به «اروند» روانه شد، آن‌وقت هم همه تدابیر از کار افتاده بود و نامی جز نام حضرت زهرا (س) بر زبان‌ها جاری نمی‌شد... وقتی هم که عراقی‌ها در کنار اروند ایستاده بودند و رزمندگان را با تیر می‌زدند، آن زمان هم سلاح کارگر ما حضرت زهرا (س) بود... من قدرت و محبت مادری حضرت زهرا (س) را در هور، غرب کانال ماهی، وسط میدان مین دیدم. وقتی شما مادرها نبودید و فرزندان‌تان در خون دست‌وپا می‌زدند، من حضرت زهرا (س) را دیدم.» شهید سپهبد سلیمانی نقل قول معروفی دارد که می‌گوید: «اگر این جمله معروف پیامبر (ص) را مبنا قرار بدهیم، می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که هر کس به فاطمه زهرا (س) سیلی زد، به پیامبر(ص) سیلی زده است.» همین عشق علاقه در آخر کارساز شد و حضرت زهرا(س) شهید سلیمانی را مهمان خود کرد. یوسف افضلی، دبیر کمیته اسکان، تغذیه و مشارکت‌های مردمی اربعین خاطراتی را از شهید حاج قاسم سلیمانی نقل می‌کند که در ادامه می‌خوانیم: حاج قاسم علاقه بسیار عجیبی به بی‌بی حضرت زهرا (س) داشت و حتی منزل شخصی خودش را «بیت‌الزهرا(س)» کرد و در ایام فاطمیه در شهرستان راور کرمان مجلس عزای حضرت زهرا برگزار می‌کرد؛ علاقه‌اش به حضرت زهرا حد و اندازه نداشت و دیدیم که بعد از شهادت، مراسم تشییع در عراق و در ایران به‌طول انجامید و وقتی قرار شد تدفین در کرمان انجام شود، آن اتفاق برای مردم تشییع‌کننده و عزادار افتاد و باز هم تدفین به عقب افتاد و بالاخره در نخستین روز از ایام فاطمیه دفن شد که به‌نظر من ارتباط مستقیمی با علاقه حاج قاسم به مادر سادات دارد. مراسم تشییع از عراق آغاز شد؛ در تهران نماز خوانده شد و به طواف حضرت ثامن‌الحجج (ع) برده شد. بر اساس هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، پیکر در هواپیما قرار داده شد و به‌سمت کرمان حرکت کردیم؛ داخل هواپیما صحنه خیلی عجیبی بود. وقتی به کرمان رسیدیم شب شده بود و جماعت زیادی هم جمع شده بودند تا با سردار بزرگ اسلام وداع کنند. می‌خواستیم همان موقع تدفین را برگزار کنیم که متأسفانه آن اتفاق ناگوار افتاد و جمعی از مردم تشییع‌کننده در سیل جمعیت شهید شدند؛ تصمیم گرفته شد تدفین با تأخیر انجام شود؛ سحرگاه گفتیم که الآن گلزار شهدای کرمان خلوت شده است و تصمیم گرفتیم تدفین را انجام دهیم؛ زمانی که رفتیم دیدیم که جمعیت بسیار زیادی در گلزار شهدا منتظرند و حتی مردم در دامنه کوه نشسته بودند؛ به‌هرحال ساعاتی قبل از اذان صبح، پیکر مطهر شهید را دفن کردیم که درست روز اول فاطمیه بود.

کلید مکتب سلیمانی

عبدالله کشاورز
کارشناس مسائل منطقه

بدون شک شهید سلیمانی یک «نابغه» بود، اما سؤال این است: نبوغ او در چه بود و از کجا نشئت می‌گرفت؟ نبوغ شهید سلیمانی برخاسته از سه مؤلفه بود: «توکل»، «تدبر» و «اخلاص». «وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»، این قدرت توکل است که ناشی از قدرت خداوند متعال است. درباره تدبر گفته‌اند، کسی که در راه خدا تلاش می‌کند؛ یعنی همه ظرفیت خود را به کار می‌گیرد، خداوند راه را به او نشان می‌دهد و هر کس در راه خدا اخلاص ورزد، خداوند او را در سختی‌ها کمک کرده و نیروهای امدادی خود را به سوی او گسیل می‌کند. بنابراین در این سه مؤلفه ما با قدرت معنوی فوق‌العاده‌ای مواجه هستیم.

اگر کسی به خداوند توکل کند و این توکل را با جهاد درهم آمیزد و مخلصانه عمل کند، اتفاق بزرگی رخ می‌دهد. شهید سلیمانی واقعاً مصداق یک انسان به تمام معنا «متوکل» بود. در سال ۱۳۹۲ تقریباً راهی برای شکست توطئه عظیم مشترک عبری-عربی-غربی در سوریه به چشم نمی‌خورد و همه چیز از سقوط قریب‌الوقوع دمشق حکایت می‌کرد و بعضی از رسانه‌ها، مانند الجزیره حتی تاریخ سقوط را هم اعلام کرده بودند. در آن زمان صاحب این قلم از یکی از فرماندهان که بعداً به خیل شهدای مدافع حرم پیوست، پرسید تا چه وقت امکان مقاومت وجود دارد و او گفت حداکثر دو هفته و همه ما به طور قطع اینجا شهید می‌شویم و نمی‌توانیم مانع سقوط شهر شویم. در این فضا، سردار سلیمانی وارد عمل شد و چهار سال زمان برد تا همان محافل سیاسی و رسانه‌ای که از سقوط قریب‌الوقوع دمشق خبر می‌دادند، بگویند سوریه تثبیت شد و مخالفان مقاومت شکست خوردند.

یک ضلع دیگر نبوغ شهید، «تدبر» او بود. تدبر به این معنا که شهید در فهم مسئله و پیدا کردن نزدیک‌ترین راه برای حل آن توانایی ویژه‌ای داشت. شهید سلیمانی در یک جلسه خصوصی در ذکر خاطرات زمان جنگ می‌گفت فلانی- اشاره به یکی از مسئولان سابق کشور- وقتی فرمان می‌داد که بصره باید آزاد شود، کاری به این نداشت که از این طرف شط اروند تا شهر بصره چه خبر است و نیروها با چه شرایط و موانعی مواجه هستند. شهید سلیمانی معتقد بود فرمانده باید به گونه‌ای تدبیر کند که پیروزی او قطعی‌تر و هزینه‌های او کمتر باشد. خود او می‌گفت فرماندهی ما در سپاه «فرماندهی بیا» است؛ در حالی که در ارتش‌های دنیا، «فرماندهی برو» حاکم است.

نبوغ سوم شهید اخلاص او بود. شهید سلیمانی در طول دوران فرماندهی نیروی قدس و به خصوص در دهه آخر در مرکز توجه بود و این همه شهرت برای هر کس وضع خاصی را پدید می‌آورد؛ اما او واقعاً برای این مسائل ارزشی قائل نبود.

آسودگی برای شهید معنا نداشت. هیچ کس از شهید سلیمانی توقع نداشت که وقتی به شدت درگیر بحران منطقه است، برای رفع گرفتاری مردم سیل‌زده به خوزستان و ایلام سفر کند؛ اما او نه تنها خود، بلکه مواکب اربعین را که خود او تشکیل داده بود و حشدالشعبی را با وجود آنکه به اندازه کافی نیروی ایرانی وجود داشت، وارد کار کرد. همین نبوغ بود که سبب شد در دوران فرماندهی او جبهه مقاومت گام‌های بلندی بردارد.

شاخصه‌های مکتب حاج قاسم

علی شیرازی
جانشین نماینده ولی فقیه در وزارت دفاع

مکتب سردار سلیمانی شاخص‌های مهمی دارد که همه آن شاخص‌ها در مکتب امام خمینی(ره) هست و متناسب با مقتضیات و شرایط زمان در مکتب شهید سلیمانی تبلور یافته است که به موارد مهم شاخص‌ها اشاره می‌شود:

عشق به اسلام ناب محمدی(ص)

فکر سردار رشید اسلام، شهید عالیقدر حاج قاسم سلیمانی نیز چون مراد و امامش فکر اسلام ناب محمدی(ص) بود. آن شهید بزرگوار به تمام معنا ظلم‌ستیز، عدالت‌خواه و مدافع محرومان و مستضعفان جهان بود و اسلامش را از امام خمینی(ره) گرفته بود.

وی در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۷ در همایش رسالت‌های حوزه و گام دوم انقلاب اسلامی گفت: «امام خمینی (ره) اسلام ناب را تبیین فرمودند و اسلام نبوی را تجدید بنا کردند که این اسلام قرن‌ها در غربت بود.»

ارادت به اهل بیت(ع)

شهید عزیز سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

«خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزّاق؛ پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی‌بن ابی‌طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌هایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی‌قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد؛ غمی که آرامش و معنویت دارد.»

معنویت

سردار محمدرضا فلاح‌زاده می‌گوید: «حاجی اهل نماز شب بود. همیشه در قرارگاه نصر حلب و قرارگاه ثارالله ابوکمال یک ساعت قبل از نماز صبح مشغول خدا هق گریه‌اش را شنیدم، در را باز کردم، دیدم در حال قنوت نماز وتر است. حاجی به محض ذکر مصیبت اهل بیت(علیهم‌السلام)، آقا سیدالشهدا(ع)، و خصوصاً حضرت ام ابیها زهرای مرضیه(س) اشکش مثل باران بهاری جاری می‌شد، اهل دعا، زیارت و قرائت قرآن بود.»

(مکتب حاج قاسم، ص ۷۷)

دنیاگریزی

سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی تعلقی به دنیا نداشت و همواره دیگران را نیز به دنیاگریزی دعوت می‌کرد. او در بهمن ۱۳۸۸ در جمع پاسداران گفت: «حریص نباشید که به کجا برسید از نظر مالی و درجه و پست و جایگاه مادی؛ اینها قیمتی ندارد.»

تلفیق معنویت و سیاست

حجت‌الاسلام والمسلمین احمدسالک می‌گوید: «حاج قاسم سلیمانی نه سیاست‌زده بود نه سیاسی کار؛ بلکه بر طبق این جمله شهید مدرس «سیاست ما عین دیانت ماست» عمل می‌کرد. در حرکت حاج قاسم طبق دکترین امام خمینی، انفکاکی بین دین و سیاست وجود ندارد.»

(ماهنامه فکه، شماره ۲۰۲، ص ۶۱)

پایبندی به تکلیف شرعی

امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۹۸ فرمودند: «[شهید سلیمانی] به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ گاهی، افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ نه، او مراقب بود... مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود. احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند، [لکن] او احتیاط می‌کرد.»

سردار آزاده محمدرضا حسنی‌سعدی، از همرزمان شهید می‌گوید: «حاج قاسم مسائل شرعی را در اوج درگیری‌ها و میدان‌های جنگ رعایت می‌کرد.»

(ماهنامه یاران، ش ۱۷۱، ص ۵۲)

مردم‌دوستی

سردار محمدرضا فلاح‌زاده می‌گوید:

«روزی از کرمان برگشته بود. خیلی خسته بود. گفت انگار از زیر غلطک خارج شدم؛ سؤال شد چرا؟ گفت از بس مراجعه‌کننده داشتم. این مردم چشم‌شان به کمک امثال ماست. من هم تا جایی که بتوانم کمک می‌کنم.»

(ویژه‌نامه حاج قاسم، ص ۱۷۷)

عدالت اجتماعی

سردار سرتیپ پاسدار اصغر صبوری می‌گوید: «برای شهید سلیمانی، شیعه یا سنی تفاوتی نداشت. جان مسلمانان برای او ارزش داشت. این تفکر را از رهبر انقلاب گرفته بود که در حمایت از جبهه مقاومت و مظلومان و گرفتاران فرقی بین مسلمانان نیست.» (ماهنامه فکه، ش ۲۰۲، ص۷۱) در نگاه سردار سلیمانی، عدالت اجتماعی و توجه به مردم و حل مشکلات مردم مهم بود. انجام تکلیف مهم بود.

دشمن‌شناسی

شاخص بارز شهید حاج قاسم سلیمانی و مکتب سلیمانی دشمن‌شناسی است. سردار سلیمانی ۲۹ آبان ۱۳۹۶ در نامه‌ای به امام خامنه‌ای می‌نویسد:

«شش سال قبل فتنه‌ای خطرناک شبیه فتنه‌های زمان امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) که فرصت و حلاوت درک حقیقی اسلام ناب محمدی(ص) را از مسلمانان سلب نمود؛ این بار پیچیده و آغشته به سمّ صهیونیسم و استکبار، همچون طوفانی ویرانگر، عالم اسلام را درنوردید. این فتنه خطرناک و مسموم با هدف تشان‌افروزی وسیع در عالم اسلامی و درگیر نمودن مسلمانان با یکدیگر، توسط دشمنان اسلام ایجاد گردید.»

عشق به شهادت

عشق به شهادت در وجود سردار سلیمانی موج می‌زد. علامه‌سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان می‌گوید: «حاج قاسم از جوانی دنبال شهادت بود. بسیاری از شب‌ها که یاد شهدا می‌کرد، سر در گریبان می‌برد. او می‌گفت که از شدت شوق لقاءالله و دیدار شهدا سینه‌اش تنگ می‌شود. بسیار مشتاق پیوستن به کاروان شهدا بود.»

(ماهنامه فکر، ش ۲۰۲، ص ۲۰)

قدرت نرم و مکتب سلیمانی

دکتر حسین اکبری
سفیر سابق ایران در لیبی

قدرت نرم در مکتب شهید سلیمانی در حوزه عمل نیز در سه سطح فرهنگی، ارزش‌ها و دیپلماسی مقاومت براساس اظهارات و اقدامات حاج قاسم بررسی می‌شود.

سطح فرهنگی

الف- ایرانی بودن: چه ارزشی دارد که کسی پاسپورت ما را قبول دارد یا ندارد؟ بله رتبه پاسپورت مهم است، اما آیا مهم‌تر از عزت ملی و استقلال ما امروز بر هر چیزی ارجحیت دارد. (بیانات شهید سلیمانی در سالگرد شهادت شهید شاطری) من وقتی صحنه نابخردانه آن نادان در آتش زدن پرچم ایران را دیدم، خیلی دلم سوخت؛ گفتم ای کاش به جای پرچم، خود من را (نه تصویر من را) ده بار آتش می‌زدند؛ چراکه ما برای سرفرازی این پرچم در هر قله‌ای ده شهید داده‌ایم. (بیانات شهید سلیمانی در جمع رزمندگان و پیشکسوتان دفاع مقدس استان کرمان)

ب- انقلاب اسلامی: اینکه گفته می‌شود صدور انقلاب، خود انقلاب یک چارچوب مجازی دارد و غیر قابل لمس است. انقلاب یک فکر است. صدور انقلاب در دو بعد تبلور پیدا کرد. یکی در بعد ساختاری و شاکله این نظام، و بعد دوم در چارچوب، مدل‌ها و الگوها بود که خیلی مهم بود، مثل حکم یا آیه‌ای است که نازل شده است. مردم قرائت می‌کنند؛ اما وقتی تجلی آن را در سنت نبی معظم اسلام می‌بینند آن وقت ملموس می‌شود، قابل اندازه‌گیری می‌شود. قابلیت الگوومدل پیدا می‌کند. خود جمهوری اسلامی یک مدل است، اما در درون این مدلی که جمهوری اسلامی ارائه کرد، الگوهایی بروز داد که آن الگوها تأثیر اولیه و اساسی در صدور انقلاب و تحول در عالم اسلامی داشتند و این مربوط به ویژگی شخصیت‌ها و اشخاص بود. (سخنان شهید سلیمانی در سالگرد شهید شاطری)

ج- ولایت فقیه و مرجعیت: امام دور کن ارزشمند را برای ما به یادگار گذاشت؛ یکی نظام جمهوری اسلامی و دیگری ولایت فقیه؛ اینها لازم و ملزوم هم هستند؛ مانند خیمه و تیرک وسط خیمه است، خیمه بدون تیرک پابرجا نمی‌ماند. تعارف که نداریم، ولایت فقیه را که بردریم، تاریخ این کشور کاملاً معلوم است... (سخنان شهید در یادواره شهیدان محمدی‌پور)

د- فرهنگ جهاد و شهادت: بین جهاد و جنگ به عنوان یک عمل نظامی خیلی تفاوت وجود دارد. جهاد ویژگی‌ها و ساختار خود را دارد؛ لذا همه عمل‌هایی را که در جبهه صورت می‌گرفت؛ حتی اعمال نظامی بر پایه جهاد بود. جهاد است که بن‌بست‌ها را می‌شکند عمل نظامی بن‌بست دارد؛ ولی جهاد بن‌بست ندارد. در عمل نظامی ما با یک توان نابرابر و امکانات کاملاً ابتدایی در مقابل دشمن قرار داشتیم... اصل این جسارت و این شجاعت و عمل جهادی مهم بود و این روح جهادی بود که بن‌بست‌ها را می‌شکست. (بیانات شهید سلیمانی در دهمین کنگره شهدای کرمان)

ارزش‌های انقلاب اسلامی

الف- حکومت اسلامی: اگر می‌خواهیم در ساختار نظام مقدس جمهوری اسلامی اثرگذار شویم، باید از خودمان عبور کنیم، اگر عبور کردیم مانند شهدا می‌شویم، شهدای ما چرا این پیروزی را به وجود آوردند؟ چون خود را در خود حل کردند. اگر از من تعریف کردند و گفتند مالک اشتر و من باورم شد؛ سقوط می‌کنم؛ اما اگر درون خودم ذلیل شدم، خداوند مرا بزرگ می‌کند. (بیانات شهید سلیمانی در هجدهمین نشست عمومی بصیرت)

ب- مدیریت انقلابی: یک عمل موفق انقلابی چیست؟ برخی مفهوم مدیریت انقلابی و انقلابی بودن را با بی‌برنامگی، هرج و مرج و بی‌انضباطی تفسیر می‌کنند که تعبیری ناجوانمردانه است. مهم‌ترین مشخصه مدیریت انقلابی، معنویت است و امام راحل مصداق حقیقی عمل و مدیریت انقلابی است. امروز انقلاب، خود را مدیون مدیریت انقلابی حضرت امام می‌داند... انقلابی کسی است که مرگ را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح داد، عمل انقلابی، عمل طلبه شهید همچون شهید رضایی است... عمل انقلابی، عملی است که منافع ملت و اسلام را بر شخص خود ترجیح داده و در سختی‌ها و شدت‌ها، گوش به فرمان‌ترین بوده و عذر نتراشیده و سینه خود را سپر می‌کند؛ همانند عمل شهدای مدافع حرم که خانه و نوامیس آنها در خطر نیست؛ اما در سوریه حاضر شده، از اسلام دفاع می‌کنند. (بیانات شهید سلیمانی در همایش حوزه انقلابی، مدرسه علمی دارالشفاء قم)

ج- وحدت کلمه در نظام: من متأسفم برای کسانی که نام خط امام و پیروی از خط امام را بر خود می‌گذارند؛ اما به جای نامه سرگشاده نوشتن به استکبار و دشمن صهیونیست، نامه سرگشاده به ولی ایستاده در خط مقدم مقابل دشمن می‌نویسند. این هنر است؟ این پیروی از خط امام است؟ من به کسانی که در گوشه‌ای نشسته، عرض می‌کنم امروز این توقع از شما نیست که بخواهید از ولی‌فقیه انتظار داشته باشید در مقابل گناه شما از شما عذرخواهی کند. خط امام این است که آبرو را در دست بگیرید و به خدمت رهبری بروید. این بر آبروی شما می‌افزاید؛ نه اینکه در گوشه‌ای کز کنید و بر علیه نظامی که امام آن را تأسیس کرده است و بیش از ۲۰۰ هزار نفر به پای این نظام شهید شده‌اند پز اپوزیسیون بدهید. این غلط است. (بیانات شهید سلیمانی در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۶ در کرمان)

سیاست خارجی یا دیپلماسی مقاومت

الف- سلطه‌ستیزی: دشمن امروز به یقین بعد از ۳۰ سال انقلاب به این جمع‌بندی رسیده است که این انقلاب با عملیات نظامی امکان شکست ندارد اگر امکانش بود، یقین بدانید ذره‌ای تردید نمی‌کردند. یک روز درنگ نمی‌کردند. این حرف‌ها که می‌زنند سیاست دموکراتیک از جمهوری‌خواهان متفاوت است، حرف بیخودی است. اگر می‌دانستند با عمل نظامی بر کشور ما فائق می‌آیند، یک ثانیه درنگ نمی‌کردند. آن چیزی که آنها را متوقف کرده، جمع‌بندی قطعی‌شان از شکست و عدم توفیق است. (بیانات شهید سلیمانی در یادواره شهیدان محمدی‌پور)

ب- گفتمان مقاومت: فلسطین، لبنان و عراق سه محور اساسی تحولات ۱۵ سال اخیر منطقه بود. دستاوردهای بی‌بدیل جمهوری اسلامی و موقعیت تعیین‌کننده ایران در سه محور، واقعیتی است که دشمنان نیز به آن اذعان می‌کنند. تحقق دموکراسی و مردم‌سالاری در هر نقطه از جهان اسلام، به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر غرب خواهد بود. دو پیروزی مستقیم حزب‌الله لبنان در مجبور کردن نیروهای آمریکایی برای خروج از لبنان در سال ۲۰۰۰ و پیروزی خیره‌کننده در جنگ ۳۳ روزه با ارتش رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده اقتدار حزب‌الله لبنان، یعنی مولود مبارک انقلاب اسلامی است. (بیانات شهید سلیمانی در سالگرد شهید شاطری)

دیپلماسی جهادی

حمید خوش‌آیند
کارشناس بین‌الملل

شهید سلیمانی، حقیقتاً مظهر یک دیپلمات کارکشته، تلاش‌گر و جهادی بود. الگوی سپهبد شهید سلیمانی در عرصه‌های استراتژیک و دیپلماسی به اندازه‌ای حائز اهمیت بود که بسیاری از سران کشورها در دیدار از ایران خواهان مذاکره با او بودند، بنابراین طرح‌ها و ایده‌ها و عملکرد سپهبد سلیمانی که می‌توان آنها را بال اجرایی چارچوب‌های سیاست خارجی به‌ویژه در بُعد منطقه‌ای دانست، میراث و الگویی را در عرصه نظام بین‌الملل پیش روی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی قرار می‌دهد که اتکا به آن راهگشای بن‌بست‌های سیاست خارجی خواهد بود که تشریح این موضوع خود بحث دیگری را می‌طلبد.

سردار سلیمانی اگرچه نیرویی در حوزه نظامی بود؛ اما خود را تنها به این حوزه محدود نکرد و بر همین اساس میراث‌ها و تفاوت‌های عملکردی و نگرشی او با بسیاری از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی است؛ تفاوت‌هایی که در اصل ناشی از «مدیریت جهادی» او در عرصه سیاست خارجی و فعالیت‌های منطقه‌ای بوده و می‌توان برخی از نتایج آنها را گفتمان‌سازی، دورسازی تهدیدات و ایجاد نظم پایدار به نفع جمهوری اسلامی ذکر کرد.

یکسان‌انگاری منافع ملی و فراملی: قدرت منحصر به فرد سردار سلیمانی به‌منزله مغز متفکر گستره نفوذ منطقه‌ای، از عراق و سوریه گرفته تا یمن و افغانستان، او را به یک نیروی نظامی عملیاتی و سیاسی بی‌نظیر تبدیل کرده بود. این شاخص را بیشتر از هر چیزی باید ناشی از هم‌ترازی منافع ملی و فراملی در نگرش سردار سلیمانی دانست، به این معنا که او بر خلاف بسیاری دیگر از فعالان سیاست خارجی جمهوری اسلامی که همواره درگیر تصادم میان این دو نوع هستند، نشان داد که میان این دو دسته هیچ تضادی وجود ندارد و تأمین هریک از آنها حقوق دسته دیگر را به‌طور خودکار به دنبال خواهد داشت.

ارجح دانستن امنیت: تاریخ ایران نشان داده است تعدی و تجاوز بیگانگان به کشور درست زمانی صورت گرفته که توان نظامی ما ضعیف بوده است. افزون بر این، در نظام ناعادلانه بین‌الملل کنونی که بی‌اعتمادی عنصر اساسی آن است و قطعاً هر درجه از ضعفی در توان نظامی طمع نظام سلطه برای تسلط بر ایران را افزایش خواهد داد. بر اساس همین تجربه تاریخی، سردار سلیمانی به‌منزله یک دیپلمات جهادی برخلاف بسیاری دیگر از سیاستمداران ایران، امنیت و توان نظامی را بستر توسعه دیپلماسی و افزایش قدرت چانه‌زنی می‌دانست.

امنیت‌سازی فرامرزی: منطقه غرب آسیا به‌دلیل حضور نظامی و دخالت آمریکا شاهد عصر کُشتمان است. در این اصل بر خلاف برخی از سیاسیون جمهوری اسلامی ایران، شهید سلیمانی از طریق یک دیپلماسی جهادی، امنیت را نه در درون و اطراف مرزها، بلکه آن را در سطح فرامرزی جست‌وجو می‌کرد. نتیجه این راهبرد افزایش توان بازدارندگی، دور شدن تهدیدات و سایه جنگ، سیاست دفاع رو به جلو و ایجاد پشتوانه برای مذاکرات دیپلماتیک بود.

الگوی ساختاری ایجاد شده از سوی سپهبد شهید سلیمانی به‌گونه‌ای است که در دوران حیات‌شان با ایجاد بازدارندگی امنیت‌سازی فرامرزی و تغییر توازن منطقه‌ای و پس از شهادت به واسطه این نمایش حیرت‌آور انسجام میلیونی در تشییع ایشان، زمینه افزایش نفوذ سیاسی، اعتبار اجتماعی و تأثیرگذاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌الملل فراهم آورد.

سپهبد سلیمانی را در درست‌ترین تعریف باید «سردار دل‌ها» نامید، طی بیش از دو دهه حضور در نیروی قدس سپاه پاسداران، الگوهایی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورد که می‌توان آنها را میراث‌های او نامید؛ میراث‌ها در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در ابعاد گوناگون قابل مشاهده‌اند.

ارتقای بازیگری ایران در سطح جهانی: یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی نه غربی» حرکت در مسیر کسب جایگاه جهانی در مقام بازیگری اصلی در این عرصه بوده است. ابعاد فرهنگی و تمدنی مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی، ظرفیتی است که ایران را شایسته ایفای چنین نقشی کرده است.

در این میان، محوریت سپهبد شهید سلیمانی در تقویت بُعد دیگر قدرت‌سازی جهانی ایران، یعنی حوزه نظامی، عملیاتی و بازدارندگی مبتنی بر شکل‌گیری نظم غرب آسیا با محوریت ایران، جایگاه جمهوری اسلامی را در نقش‌آفرینی جهانی دو چندان کرده است.

اذعان سیاستمداران و اندیشمندان کشورهای مختلف به حضور جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران‌هایی، مانند سوریه، عراق، یمن و... نشان از همین هموارسازی مسیر ارتقای بازیگری ایران دارد.

تغییر توازن قوای منطقه‌ای: نوام چامسکی در کتاب «دخالت‌ها» معتقد است، کنترل ایران بر هلال شیعی وحشتناک‌ترین کابوس برای آمریکاست. تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم سپهبد سلیمانی بود، این کابوس را دردناک‌ترین شکل خود برای آمریکا به منزله بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی به وجود آورد.

ماحصل این کابوس، یعنی تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران مهم‌ترین رهاورد راهبرد شهید سلیمانی بود.

این تغییر توازن در دل خود دو نتیجه را در عرصه بین‌المللی برای ایران به‌همراه داشت؛ توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و به‌دنبال آن ایجاد توان بازدارندگی به‌عنوان یک شاخص مهم در تغییر الگوی ساختاری روابط بین‌الملل. این الگو مرز تهدیدات ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم عقب راند.

تقویت گفتمان مقاومت: تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه اخیر، نقش برجسته سیاست خارجی امنیت محور را در راهبردهای ایران ناگزیر کرده بود. این نوع سیاست خارجی قطعاً و طبعاً نمی‌توانست به تنهایی از سوی فعالان عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی اجرا شود. بدون شک، سپهبد شهید سلیمانی را می‌توان پایه اساسی عمق‌بخشی از این نوع سیاست خارجی دانست. نکته بسیار مهم در این فرایند آن است که این الگو از سوی شهید سلیمانی با تقویت گفتمان مقاومت و همسان‌سازی عاطفی و معنوی آن در سطح منطقه‌ای با سیاست خارجی جمهوری اسلامی صورت گرفت.

پای صحبت‌های سردار شجاعی از یاران نزدیک سردار سلیمانی

هنوز حاج قاسم را نشناخته‌ام

یکی از نزدیک‌ترین یاران حاج قاسم، معاون سابق تشریفات نیروی قدس سپاه، سردار رضا شجاعی است که آشنایی او با شهید سلیمانی به دوران جنگ تحمیلی برمی‌گردد و پس از آن همکاری طولانی آنها در نیروی قدس موجب می‌شود تا خاطرات ناب و جذابی برای نسل‌های بعد به یادگار بماند. این مصاحبه که مرکز اسناد انقلاب اسلامی انجام داده است، ابعاد گوناگونی از مکتب حاج قاسم را برای ما روشن می‌کند؛ به گونه‌ای که از سطری به سطر دیگر اعتراف می‌کنیم هنوز حاج قاسم را نشناخته‌ام، امید است که با تأسی از سردار دل‌ها، دل‌های‌مان نورانیت بیشتری بگیرد.

دوشنبه در پادگان دیزی داشتیم...

شانزده سال به صورت مستقیم با حاج قاسم کار کردم. اولین کاری که در حوزه خدماتی و رفاهی در نیرو انجام داد آراستن فضای پادگان نیروی قدس بود. گفت: محوطه نیروی قدس از بیابان باید تبدیل به یک باغ شود. بعد از ۴ سال وقتی از بالا به محوطه نیرو نگاه می‌کردی، دیگر اثری از بیابان آن روز نبود. بعد از چند سال هم فرماندهان و مسئولان را به آنجا دعوت می‌کرد و به آنها می‌گفت: چه کسی گفته که یک پادگان باید بیابان باشد؟ این مجموعه را ببینید؟ پادگان‌ها باید مثل اینجا آباد باشد. حاج قاسم تأکید زیادی بر زیبایی و آراستگی پادگان و محوطه نیرو داشت. ایشان می‌گفت محیط اینجا باید به گونه‌ای باشد که مردم احساس نکنند نظامی‌ها به آراستگی محیط نظامی اهمیت نمی‌دهند. در بحث غذای نیروها نیز تأکید زیادی بر کیفیت غذا داشتند و می‌گفتند ما که داریم هزینه می‌کنیم، چه بهتر است که یک غذای خوب برای پرسنل تهیه کنیم تا آنها برای کار کردن انرژی داشته باشند. سیستم غذایی که حاج آقا در تشکیلات پیگیری می‌کرد با تمام قسمت‌ها فرق داشت. حاج قاسم همان غذایی را می‌خورد که سربازان و نیروها می‌خوردند. حاج قاسم برای مهمان‌های خودشان هم از همان غذای پادگان استفاده می‌کرد. روزهای دوشنبه در پادگان دیزی داشتیم و همان‌جا درست می‌کردیم. بین مسئولان و مهمانان ما این قضیه پیچیده بود و اکثرا طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که اگر کاری آنجا داشتند، روزهای دوشنبه بیایند. حاج قاسم اگر متوجه می‌شدند که معاونتی برای مهمانش از بیرون غذا تهیه کرده، برخورد می‌کردند و می‌گفتند ایراد غذای اینجا چی بوده که از بیرون غذا گرفتید؟

چله زیارت عاشورا

مواقعی که به کوهنوردی می‌رفتیم، گاهی هم فرزندان خودشان را می‌آوردند. یک بار که داشت با آنها درباره اهمیت زیارت عاشورا صحبت می‌کرد، مطلب جالبی گفت. حاج قاسم گفت در اوایل جنگ سوریه که نیروهای معارض ۴۸ نفر از زائران ایرانی را با خانواده‌های‌شان گرفته بودند، علاوه بر تهدیدات و رایزنی‌هایی که کردیم، چهل روز من چله زیارت عاشورا گرفتم، درست روز چهلم بود که خبر آزادی آنها را دادند.

وظیفه من این است...

شهید سلیمانی هر زمانی که فرصت می‌کرد با خانواده‌های شهدا و جانبازان و پاسدارها دیدار می‌کرد. مثلاً وقتی به سوریه می‌رفت همواره با خانواده پاسدارانی که در سوریه مأموریت بودند، دیدار می‌کرد و می‌گفت: بچه‌ها به دلیل حجم زیاد کار شاید نتوانند به امور خانواده رسیدگی کنند، این وظیفه من است که به امور خانواده‌های این بچه‌ها رسیدگی کنم و اگر مشکلی داشتند، در حد توان برای حل مشکل‌شان اقدام کنم. در رابطه با خانواده مجروحان و شهدا نیز حاج قاسم همین برخورد را داشت. این پیگیری امور خانواده‌های شهدا فقط منوط به شهدای مدافع حرم نبود. حاج قاسم هر وقت زمان پیدا می‌کردند، به خانواده‌های شهدا و جانبازان لشکر ثارالله کرمان سر می‌زدند و احوال آنها را جویا می‌شدند. جانبازان و خانواده‌های شهدا اگر به تهران می‌آمدند و شرایط مهیا بود، با حاج قاسم دیدار می‌کردند. شهید سلیمانی تمام تلاش خود را می‌کرد تا از رهبر انقلاب وقت ملاقات بگیرد و جانبازان و خانواده‌های شهدا را به دیدار ایشان ببرند.

چرا عراق سقوط نکرد؟

هنگامی که داعش به کرکوک عراق حمله کرد، به جرئت می‌گویم اگر حاج قاسم نبود، کردستان عراق سقوط می‌کرد و پس از کرکوک، شهرهای اربیل و موصل هم سقوط می‌کردند. مسئولان کردستان عراق حتی شخص بارزانی در آن زمان به این نکته اعتراف کردند که اگر سردار سلیمانی نبود، قطعاً کردستان عراق سقوط کرده بود. حاج قاسم شبانه نیروها را به عنوان مستشار به منطقه برد تا نیروهای آنها را راهنمایی و هدایت کنند. همین حضور حاج قاسم و نیروهای مستشاری باعث شد تا شهر اربیل، مرکز کردستان عراق سقوط نکند. همین که خبر حضور حاج قاسم سلیمانی در منطقه نبرد پیچید، از طرفی نیروهای کردستان عراق دلگرم شدند و انرژی گرفتند و از طرف دیگر رعب و وحشت در دل داعشی‌ها و مسلحان افتاد. این اتفاق در حالی افتاد که داعش تا چند کیلومتری اربیل نفوذ کرده بود. کردها خیلی از مناطق را تخلیه کرده بودند. امروز مسئولان اقلیم کردستان عراق اگر انصاف داشته باشند، باید این نکته را بگویند که سردار سلیمانی آن روز کردستان عراق را نجات داد.

اقدام خطرناک حاج قاسم

حاج قاسم معمولاً برای شناسایی شخصاً به منطقه می‌رفت و از نزدیک اوضاع را می‌دید. خیلی‌ها به ایشان می‌گفتند این کار شما خطرناک است. افرادی در ارتش عراق هستند که زمانی در بعث با ما می‌جنگیدند، ممکن است همین افراد به شما سوءقصد کنند. شهید سلیمانی در پاسخ می‌گفت: «اولویت من شکست داعش و مسلحین است. اگر اینها پیشروی کنند، ابتدا عراق را می‌گیرند و سپس به مرزها حمله می‌کنند. مضاف بر اینکه ما در عراق و سوریه عتبات را داریم، حفظ حریم اهل بیت(ع) خط قرمز ماست.» حاج قاسم در رابطه با سوریه هم این چنین موضعی داشت. حاج قاسم می‌گفت: اگر حکومت سوریه سقوط کند، باعث می‌شود که این کشور چند پاره شود و در این صورت بعد از سوریه دشمنان به لبنان حمله می‌کنند و آنجا را درگیر جنگ می‌کنند و در نهایت در صورت پیروزی مسلحان ما پایگاه مقاومتی را که در مقابل اسرائیل تشکیل دادیم، از دست می‌دهیم.» در واقع امروز عمده هراس آمریکا و دشمنان ما از تجهیزات نظامی نیست؛ بلکه آنها از پایگاه‌هایی که ما در نزدیکی رژیم صهیونیستی داریم، در هراسند.

با پوتین و بشار تعارف نداشت

زمانی که داعش و مسلحان به سوریه و عراق حمله کردند، سردار سلیمانی از جانب حضرت آقا اختیار تام داشتند تا هر نوع کمک فکری، تسلیحاتی و مستشاری برای شکست معارضان انجام دهند. به این دلیل که مسلحان برنامه بعدی‌شان حمله به ایران بود. ظاهرا اینها مسلمان بودند؛ ولی رفتارشان مغایر با اسلام بود. حاج قاسم تمام تلاشش این بود که برای جلوگیری از پیشروی مسلحان به سمت مرزهای ایران از حکومت‌های موجود در این کشورها دفاع کند. سردار سلیمانی در این راه با هیچ کسی از جمله پوتین و بشار تعارف نداشت. او مواضعش را خیلی قاطعانه اعلام می‌کرد و به صورت جدی اتمام حجت می‌کرد. پوتین هر وقت به ایران می‌آمد، یکی از برنامه‌هایش دیدار با حاج قاسم بود. شاید شما هم خوانده یا شنیده باشید که حاج قاسم سلیمانی هر وقت که احساس به حضور روسیه می‌کرد، به مسکو سفر می‌کرد و با فرماندهان ارشد ارتش روسیه و حتی خود پوتین جلسه برگزار می‌کرد. روسیه در کشور سوریه نقش مهمی را داشت و از نفوذ و قدرت خوبی در آنجا برخوردار بود؛ به همین دلیل حاج قاسم از روسیه برای شکست تروریست‌ها کمک می‌گرفت.

چگونه اختلافات عراقی‌ها را حل می‌کرد؟

هر وقت هم بین گروه‌های مختلف مسلمان در عراق اختلافی رخ می‌داد، به شهید سلیمانی رجوع می‌کردند. حرفی که سلیمانی می‌زد، برای گروه‌های عراقی فصل‌الخطاب بود. به عبارت دیگر، حاج قاسم محور وحدت گروه‌های مسلمان در عراق بود و شیعه و سنی حرف او را فصل‌الخطاب می‌دانستند. سران گروه‌های مختلف نهضتی و دولتی عراقی همگی گوش به فرمان حاج قاسم بودند. شهید ابومهدی المهندس با اینکه نفوذ زیادی در بین گروه‌های عراقی داشت، ولی حرکتی را در عراق بدون مشورت با ایشان انجام نمی‌داد. مواقعی که ابومهدی در تهران بود، هفته‌ای دو روز با سردار سلیمانی جلسه می‌گذاشت و یکی از کسانی که گروه‌های عراقی را نزد حاج قاسم می‌آورد تا اختلاف‌شان حل شود، همین شهید ابومهدی بود. گاهی هم حاج قاسم با ابومهدی برای حل اختلاف گروه‌های عراقی به عراق می‌رفتند. شهید سلیمانی احساس می‌کرد که اگر اختلافات بین گروه‌های عراقی عمیق شود، موجب به هم ریختن اوضاع می‌شود. «شهید ابومهدی» و «شهید سلیمانی» دو رکن اصلی پیروزی جبهه مقاومت در عراق بودند. یکی از موارد اقتدار آقای سلیمانی در بحث دیپلماسی مربوط به اختلاف اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق بود. آقای سلیمانی با اقتدارشان طوری برخورد کرد که دیگر مسئولان اقلیم کردستان تعارضی با حکومت مرکزی ایجاد نمی‌کردند. این را به جرئت می‌گویم که اقتدار، صلابت و جاذبه و آوازه شهید سلیمانی در برخی از این کشورهای منطقه و محور مقاومت از خیلی از مسئولان آن کشورها بیشتر بوده و هست.

حاج قاسم چگونه اردوغان را نجات داد؟

زمانی که در ترکیه کودتا شد، شخصی که توانست با راهنمایی‌هایش کودتای ترکیه را جمع کند، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. حاج قاسم در همان شب به اردوغان گفت که چه کارهایی انجام دهد تا کودتا شکست بخورد. در همان دیداری که اردوغان همزمان با کودتا انجام داد، حاج قاسم در هواپیما و فرودگاه به اردوغان گفت که به نیروهایت بگو این کارها را انجام دهند به جای اینکه کودتاچیان سوار بر موج شوند، شما ابتکار عمل را در دست بگیرید. در آن دیدار اردوغان فقط حرف‌های حاج قاسم را گوش می‌داد و کلامی حرف نمی‌زد. چند دیدار دیگر هم شهید سلیمانی با اردوغان داشت. ایشان هر زمانی که اراده می‌کردند، به ترکیه سفر می‌کردند و در رابطه با شیطنت‌های ترکیه در جنگ به اردوغان تذکر جدی می‌دادند و با او اتمام حجت می‌کردند. خاطرم هست روزی که اردوغان به تهران آمده بود، ما به سعدآباد رفتیم و او را همراه با دو نفر از محافظانش و دو نفر از بچه‌های انصار به محل جلسات حاج قاسم بردیم. شهید سلیمانی در آن دیدار یک ساعت صحبت کرد و اردوغان فقط گوش می‌داد. حاج قاسم به اردوغان در مورد خلف وعده‌هایی که انجام داده بود، تذکرات جدی داد. خاطرم هست که ایشان به اردوغان گفت: «شما نیروهای‌تان را وارد خاک سوریه کرده‌اید تا به ما کمک کنید. اگر این کار را انجام ندهید ما با روسیه به توافق می‌رسیم که شما باید از اینجا خارج بشوید.» از طرفی هم ترکیه هرگز دوست نداشت رابطه تجاری‌اش با روسیه به هم بخورد. آقای سلیمانی معتقد بود، ما در مقابل طرف مذاکره‌کننده نباید ضعف داشته باشیم و مطالبه خودمان را هم باید از آنها پیگیری کنیم.

خط قرمز برای افغانی‌ها

شهید سلیمانی در دیداری که با نمایندگان مسلحان افغانستان داشت، با آنها اتمام حجت کرد. حاج قاسم به مسلحان مستقر در همسایگان شرقی گفته بود: «خط قرمز ما مرزهای کشور ماست. اگر کوچک‌ترین تعرضی به مرزهای ما انجام دهید، ما آن کاری را که نباید انجام دهیم انجام می‌دهیم.» همین اقتدار سردار سلیمانی باعث شده بود که گروه‌های تروریستی فکر حمله به مرزهای ما را از سرشان بیرون کنند. آنها به حاج قاسم سلیمانی تعهد داده بودند که به سمت مرزهای ما حتی یک تیر هم نیندازند. حاج قاسم به دلیل اینکه فرمانده قرارگاه قدس در شرق کشور بود، از این گروه‌ها شناخت خوبی داشت.

ایجاد اشتغال برای قاچاقچیان و اشرار

یک روز شهید سلیمانی بدون اینکه ترسی داشته باشد، جلسه‌ای را با سران اشرار و قاچاقچیان ساکن در نقاط مرزی شرق کشور برگزار کرد. ایشان در این جلسه به آنها گفت: «شما چرا قاچاق می‌کنید، چرا دست از شرارت و خلاف برنمی‌دارید؟» آنها پاسخ دادند: »ما کار و شغل نداریم و مجبوریم از این راه کسب درآمد کنیم.» سردار سلیمانی پس از شنیدن توضیحات این افراد عزم خود را جزم کرد تا امکانات کشاورزی در آن مناطق را مهیا کند. مجوز حفر چاه گرفت و زمین‌هایی هم برای کشاورزی در اختیار این افراد قرار داد. جالب است بدانید هنگامی که شرایط کشاورزی برای این افراد مهیا شد، از کار خلاف دست کشیدند و مشغول کشاورزی شدند. افرادی که قبلا قاچاق می‌کردند و راهنمای قاچاقچیان بودند، به یک کشاورز تبدیل شده بودند و از همین راه امرار معاش می‌کردند.

حق مأموریت واریز می‌کنید؟

این را کمتر کسی می‌داند که حاج قاسم بابت هیچ یک از مأموریت‌هایی که رفت، حق مأموریت دریافت نکرد؛ با اینکه از لحاظ شرعی و قانونی حق ایشان بود. من این حرف را به عنوان یکی از نزدیکان ایشان در نیروی قدس می‌زنم. حتی در مواقعی هم که برای ایشان حق مأموریت واریز می‌کردند، ایشان به مسئولان ذی‌ربط تشر می‌زد و می‌گفت: «مگر من برای دریافت حق مأموریت سفر کردم که برای من حق مأموریت واریز می‌کنید؟»

تعامل با دولتِ ضد مقاومت

حاج قاسم در تصمیمات منطقه‌ای از جانب آقا اختیار تام داشت و این اختیار به مذاق خیلی از دولتی‌ها خوش نمی‌آمد. خیلی از دوستان دولتی از تعامل با گروه‌ها و کشورهای مقاومت راضی نبودند. یادم هست در مقطعی که مذاکرات برجام انجام می‌شد، خیلی از آقایان دولتی برای جلب نظر طرف‌های غربی خود را مبری از جریان مقاومت می‌دانستند و علاقه‌ای هم نداشتند تا شهید سلیمانی با آنها تعامل کند. در مقابل شهید سلیمانی به دوستانی که به رفتار دولتی‌ها انتقاد داشتند، می‌گفت برای حفظ وحدت سکوت کنید.

داغ دلربا

میثم رشیدی‌مهرآبادی
دبیر گروه دفاع مقدس

خوابش را هم نمی‌دیدم پرواز تهران به کرمان برای من جا داشته باشد. هر کسی به طریقی خودش را باید شبانه به کرمان می‌رساند تا صبح زود به تشییع پیکر برسد. لابی فرودگاه مهرآباد مملو از سیاه‌پوشانی بود که به راحتی می‌شد فهمید مسافر کرمانند. حتی با لباس شخصی هم می‌شد سرداران سپاه را تشخیص داد که مثل برادرمُرده‌ها، غم در صورت‌شان ماسیده بود. فرمانده کل سپاه هم با خانواده آمده بود و مثل بقیه مسافرها سوار هواپیمای ایران ایرتور به مقصد کرمان شد. فرودگاه کرمان هم غلغله بود و بیش از آن، جلوی درِ اصلی فرودگاه شلوغ بود و مردم زیادی جلویش ایستاده بودند تا وقتی پیکر می‌رسد، زودتر از بقیه زیارتش کنند.

سرمای استخوان‌سوز کرمان، حالا که ساعت از ۲۳ گذشته بود، بیشتر خودش را به رخ می‌کشید. خیابان‌های کرمان هم مثل خیابان‌های تهران، بعد از مدت‌ها شب‌بیدار شده بود. میدان آزادی پر از بسیجی‌هایی بود که مقدمات مراسم فردا را آماده می‌کردند. مسیر میدان آزادی تا گلزار شهدا هم پر از ماشین‌هایی بود که سرنشین‌هایش سرگشته و منتظر، بالا و پایین می‌رفتند. خیابان‌های اطراف گلزار، با موانع بتنی بسته شده بود و افرادی خود را پیاده به دل جنگل تاریکی می‌زدند که گلزار را از شهر جدا می‌کرد. زن و مرد و جوان و پیر از راه‌های دور و نزدیک، خودشان را به محل خاکسپاری حاج قاسم رسانده بودند و در پناه پتوهای سربازی، می‌خواستند تا صبح با شلاق سرما، تن به تن مبارزه کنند. فردا قرار بود کرمان، پایتخت قلب ایرانی‌ها بشود. همه چیز برای این انقلاب آماده بود... «میثم امیری» را بعد از مراسم تشییع دیدم. در حالی که خستگی مفرط و ندیدن تابوت حاج قاسم و خبر شهادت افرادی در حاشیه مراسم، جایی برای ذوق‌زدگیِ دیدار دو دوست در شهر غریب باقی نگذاشته بود، تن‌ها خسته و نگاه‌ها پر از سؤال بود. هر کس تحلیلی داشت و دل‌ها تا آرام نگرفتن پیکر حاج قاسم در کنار همرزمان شهیدش، در اضطراب و تشویش بود. اشک‌ها روی چشم‌ها خشک شده بود. کرمان، هیچگاه چنین جمعیت انبوه و رنگارنگی به خود ندیده بود و میثم لابه‌لای این همه غم و تحیر، صداهایی را در ضبط صوت خبرنگاری‌اش ذخیره می‌کرد و نکاتی را در دفترچه‌اش می‌نوشت. چند ماه بعد، همه این یادداشت‌ها و گفته‌ها، شد کتابی که امتیاز انتشارش نصیب «انتشارات خط مقدم» شد. «داغ دلربا» روایتی از تشییع پیکر سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در شهرهای مختلف ایران بود، «میثم» از اهواز گرفته تا قم و مشهد و تهران، همه جا خودش را به وسط جماعت تشییع‌کننده رسانده بود و حس و حال مردم را ثبت کرده بود. «بامداد جمعه سیزده دی ۱۳۹۸ سردار را زدند. صبحش، مردم کرمان ریختند بیرون. دودست روی پیشانی گذاشتند و روی جدول کنار خیابان نشستند و گریستند. صدای عبدالباسط با سوز بامدادی کویر آمیخته می‌شد. خانه‌ها، درد و تحیر کرمانی‌ها را تاب نداشت. آسمان شهر، سکوت کویر را نمی‌خواست؛ سرمایش را می‌خواست... سردار پنج روز روی دست ایرانیان بود؛ دست‌های گرم و پینه‌بسته؛ دست‌های ظریف، ورزیده، پرچروک، کودکانه. دست‌های همه مردم ایران، حلقه و پروانه شد...»

روایت غرب از سردار سلیمانی

غربی‌ها زودتر از ما حاج قاسم را شناختند...

نوید کمالی
کارشناس رسانه

دولت ایالات متحده آمریکا در سحرگاه روز جمعه ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ خورشیدی با اجرای یک عملیات تروریستی مذبوحانه کاروان غیر نظامی حامل سپهبد «قاسم سلیمانی» و جمعی از یاران وی را در نزدیکی فرودگاه بغداد هدف قرار داده و مظلومانه به شهادت‌شان رساند. وزارت خارجه ایالات متحده پس از این اقدام جنایتکارانه، اعلام کرد که این عملیات با توطئه ارتش تروریستی آمریکا و به دستور مستقیم «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور این کشور انجام شده است؛ اما به مرور زمان مشخص شد برخی از بازیگران منفور منطقه، از جمله رژیم منحوس صهیونیستی نقشی کلیدی در طراحی و اجرای این عملیات تروریستی داشته‌اند. پس از ترور سردار رشید سپاه اسلام، این سؤال در افکار عمومی شکل گرفت که آمریکایی‌ها چه اطلاعات و شناختی از «حاج قاسم» داشتند که نقشه ترور او را کشیدند؟! اصلاً مگر حاج قاسم خارج از ایران و منطقه غرب آسیا شناخته شده بود؟! اگر قصد ارائه پاسخی کوتاه به پرسش اخیر داشته باشیم، قطعاً پاسخ «آری» است؛ اما یک پاسخ دقیق‌تر این خواهد بود که اگر حاج قاسم در جهان غرب ناشناخته بود، هیچ وقت غربی‌ها هزینه اقدام به ترور او را به جان نمی‌خریدند. به عبارت دقیق‌تر، غربی‌ها «ژنرال سلیمانی» را خیلی زودتر از خود ما شناختند. برای درک بهتر این موضوع در ادامه به برخی از مطالبی که نخبگان و اندیشکده‌های مطرح غربی پیش از شهادت «حاج قاسم سلیمانی» درباره شخصیت وی منتشر کرده‌اند، اشاره می‌شود.

سلیمانی، فرمانده کاریزماتیک

مهر ماه سال ۱۳۹۲، نشریه آمریکایی «نیویورکر» در مقاله معروفی با عنوان «ژنرال سایه‌ها»، ویژگی‌های فرمانده نیروی قدس سپاه را از زبان مأموران سازمان سیا بررسی کرد. در این مقاله که جزء اولین مقاله‌های بین‌المللی درباره شهید سلیمانی بود، تأکید شده بود که وی به ندرت صحبت و بیشتر عمل می‌کند و دارای یک کاریزمای خاص است.

سلیمانی، توانمند و مدبر

اسفند ماه سال ۱۳۹۳، «ژنرال پترائوس» رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا و مدیرکل سابق سازمان سیا، طی مصاحبه‌ای به ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهید «قاسم سلیمانی» اشاره کرد و گفت: «قاسم سلیمانی، فردی بسیار توانمند، مدبر و دشمنی شایسته است. وی بازی خود را به‌خوبی انجام می‌دهد، اما این بازی طولانی است؛ پس اجازه دهید ببینیم حوادث چگونه پیش می‌رود.»

سلیمانی، قوی‌ترین فرمانده میدان

اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶، روزنامه «لوموند» فرانسه طی گزارشی در حالی که عکس در حال نماز خواندن شهید «قاسم سلیمانی» را به صورت بزرگ منتشر کرده بود، از فرمانده وقت نیروی قدس سپاه پاسداران تعریف و تمجید کرد و وی را «قوی‌ترین مرد خاورمیانه» و «چه‌گوآرای ایران» نامید. در این گزارش تأکید شده بود که «او می‌خواهد شهید شود.»

سلیمانی، مغز متفکر برنامه‌ریزی

«دانی یاتوم» رئیس سابق سرویس جاسوسی موساد و مشاور امنیتی «ایهود باراک» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ میلادی درباره شهید سلیمانی می‌نویسد: «هر وقت از مداخله [نظامی] ایران [در هر کجای دنیا] صحبت می‌کنید، مغز متفکر پشت آن «قاسم سلیمانی» است و آن کسی که این مداخله را رهبری می‌کند هم «قاسم سلیمانی» است.»

سلیمانی، فعال صلح

«زلمای خلیل‌زاد» سفیر سابق آمریکا در افغانستان درباره شهید سلیمانی گفته است: «همان‌قدر که مقامات آمریکایی سلیمانی را به جنگ‌افروزی متهم می‌کنند، او در ایجاد صلح نیز برای رسیدن به اهدافش فعال بوده است. او در پایان دادن به درگیری‌های نیروهای مقتدی صدر و نیروهای عراقی در بصره، نقشی حیاتی داشت، تهدیدی که می‌رفت ناآرامی‌های آن گسترش یافته و پیامدهای وخیمی به‌ویژه برای منابع نفتی عراق در پی داشته باشد.»

سلیمانی، فرمانده بی‌همتا

«استنلی مک‌کریستال» ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا و رئیس پیشین فرماندهی مشترک عملیات ویژه این کشور معتقد است، سردار «قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران یکی از کاریزماتیک‌ترین رهبران نظامی جهان است: «ما زمانی که برای مقابله با ایرانی‌ها تلاش می‌کردیم، او (سلیمانی) را مورد بررسی قرار دادیم. او را زیر نظر گرفتم، او وقتی در میدان جنگ است، بسیار کاریزماتیک است و در محیط‌های مختلفی عملیات داشته که هیچ ژنرال آمریکایی با هر میزان آزادی عملی نداشته است. قدرت سیاسی که قاسم سلیمانی دارد به او اجازه می‌دهد که کارهای بسیاری انجام دهد؛ ولی او کارهایش را با آرامش و اثربخشی فوق‌العاده انجام می‌دهد.»

سلیمانی، هوشمند و اطلاعاتی

روزنامه «الجریده» کویت نزدیک به رژیم صهیونیستی با انتشار مقاله‌ای به‌قلم «حسن العیسی» با عنوان «ما کجا و ایران کجا؟» نوشت: «موارد بسیاری از هوشیاری اطلاعاتی «قاسم سلیمانی» وجود دارد که در این مقاله نمی‌گنجد. وی با عشق به کشورش این فعالیت‌ها را به اجرا درمی‌آورد تا از ایران و منافع ملت خود دفاع کرده باشد؛ اما آنچه هم‌اکنون اهمیت دارد، این است که باید بدانیم ایران سردار سلیمانی‌های زیادی دارد و مقامات ایران به‌رغم محاصره اقتصادی، هوشیاری و هوشمندی زیادی را در صحنه داشته‌اند.»

سلیمانی، قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه

«علی صوفان» مأمور ویژه سابق اف‌بی‌آی در مقاله‌ای در ماهنامه «مرکز مبارزه با تروریسم» وابسته به آکادمی نظامی وست پوینت ایالات متحده می‌نویسد: «یکی از کلیدهای موفقیت ایران، اتخاذ یک استراتژی منحصربه‌فرد مبنی بر تلفیق قدرت شبه‌نظامی و قدرت دولتی بوده است، استراتژی‌ای که تا اندازه‌ای با الهام از مدل حزب‌الله در لبنان تدوین شده است. همه اذعان دارند که معمار برجسته این سیاست، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده کهنه‌کار نیروی قدس [سپاه پاسداران] ایران است. بدون شک سلیمانی، امروز، قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه است. وی همچنین یکی از محبوب‌ترین افرادِ در قید حیات در ایران نیز هست.»

سلیمانی، عامل مهار آمریکا

مهر ماه سال ۱۳۹۶، «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» در سندی با عنوان «چگونه حامیان ایران را مهار کنیم»، نوشت: «آمریکا باید متعهد شود دهه‌ها برای از بین بردن این نیروها تلاش کند. در ایران، نهادهای مختلفی در شکل‌گیری و تقویت جبهه مقابل آمریکا نقش دارند؛ اما می‌توان به یک شخصیت‌محوری اشاره کرد که بر بسیاری از پروسه‌های لازم برای مقابله با آمریکا «سوار» است: این فرد کسی نیست جز سرلشکر «قاسم سلیمانی»، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران.»

سلیمانی، یک انسان حرفه‌ای

«جان مگوایر» افسر سابق سازمان سیا درباره شهید سلیمانی می‌گوید: «من یک بار با «قاسم سلیمانی» برخورد کردم؛ یک برخورد ناخواسته. او شبیه آن چیزی نیست که از یک فرمانده چریکی انتظار دارید. مردی اتوکشیده و توانمند است و خصوصیت‌های فرماندهی به شکل برجسته‌ای در او مشهود است؛ یک انسان حرفه‌ای است.»

سلیمانی، راه شناخت ایران

اسفند ماه سال ۱۳۹۴، «اندیشکده هادسون» وابسته به جریان جنگ‌طلب و نومحافظه‌کار آمریکا، نشستی تخصصی برای بررسی تحولات منطقه برگزار کرد. «مایکل پریجنت» کارشناس این مؤسسه و یکی از سخنرانان برنامه در این خصوص گفت: «اگر قاسم سلیمانی را نشناسید نمی‌توانید درباره توافق هسته‌ای ایران (و تحولات دیگری که مربوط به ایران است) حرفی بزنید.»

سلیمانی، عامل پایان بحران سوریه

«استنلی مک‌کریستال» ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا درباره نقش شهید سلیمانی در پایان بحران سوریه می‌نویسد: «به عقیده من سلیمانی در نجات حکومت سوریه نقشی حیاتی داشت. تقریباً غیرممکن بود که رهبران سوریه اعتماد به نفس و در برخی موارد توانایی ایستادگی در مقابل توفان را داشته باشند.» وی در جایی دیگر می‌گوید: «با ظهور یک پدیده شرور و شیطانی به نام داعش، اکنون سلیمانی نقش شوالیه سفید را در مقابل آن پیدا کرده است.»

سلیمانی، بشارت‌دهنده صادق

مهر ماه سال ۱۳۹۸، «مارک دوبوویتز»، مدیر اندیشکده آمریکایی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در واکنش به خروج نیروهای اشغالگر آمریکایی از بخشی از خاک سوریه، این گونه کاخ سفید را خطاب قرار داد: «یک‌بار قاسم سلیمانی گفته بود ایالات متحده آمریکا همیشه دوستان خود را رها می‌کند. نباید اجازه بدهیم درستی سخن او به اثبات برسد.»

سلیمانی، فراتر از یک فرمانده نظامی

آذر ماه سال ۱۳۹۸، «مؤسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی» در لندن در گزارش ماهیانه سال ۲۰۱۹ خود نقش جمهوری اسلامی ایران را در منطقه غرب آسیا و تحولات این حوزه از زمان اشغال عراق به دست آمریکا تاکنون بررسی است. نویسندگان این گزارش درباره نقش شهید سلیمانی در این زمینه می‌نویسند: «قاسم سلیمانی فراتر از یک ژنرال است.»

سلیمانی، طراح شبکه مقاومت

دی ماه سال ۱۳۹۷، «کالین کلارک» و «آرین طباطبایی» کارشناسان اندیشکده آمریکایی «مؤسسه رند» در مقاله‌ای در نشریه «فارن افرز» ضمن هشدار درباره پیامدهای خروج آمریکا از سوریه، تأکید کردند: «خروج آمریکا از سوریه فرصتی برای گسترش شبکه نیروهای نیابتی ایران (جبهه مقاومت) در منطقه فراهم می‌کند. شبکه‌ای که با طراحی قاسم سلیمانی و با کمترین هزینه ایجاد شده است. سردار قاسم سلیمانی در سراسر جبهه‌های منطقه شناخته شده است.»

سلیمانی، راهبر جبهه مقاومت

بهمن ماه سال ۱۳۹۲، نشریه اسپانیایی «الموندو» گفت‌وگویی با «ریناد منصور»، پژوهشگر «مرکز مصلح کارنگی» انجام داد. منصور در تشریح شخصیت سردار سلیمانی گفت: «برخی مأموران اطلاعاتی در آمریکا، از سلیمانی به عنوان قدرتمندترین مأمور نظامی در منطقه یاد می‌کنند. او راهبردهای منطقه‌ای ایران را اجرا می‌کند. او نیروهای قدس را همسو با اهداف جمهوری اسلامی ایران به کار می‌گیرد.»

سلیمانی، الگوی گروه‌های مقاومت

مهر ماه سال ۱۳۹۸، «اندیشکده اورشلیم» در سرزمین‌های اشغالی، نسبت به ظهور و گسترش فعالیت جنبش نجبا در عراق و خطر آن برای امنیت رژیم اشغالگر قدس ابراز نگرانی کرد و در پایگاه اینترنتی خود نوشت: «جنبش نجبا خطری برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود. این جنبش، پیرو ژنرال «قاسم سلیمانی» است. نجبا، گروه شیعه عراقی، در حساب توئیتری‌اش کلیپی حاوی عبارات عبری منتشر می‌کند که اولین تهدید ضداسرائیلی در نوع خود به‌شمار می‌رود.»

دشمن در پی شناختش بود

مهر ماه سال ۱۳۹۲، «دکستر فیلکینس» تحلیلگر و نویسنده آمریکایی در قسمتی از گزارش مفصل خود در خصوص شخصیت سردار سلیمانی نوشت: «ایران همراه متحدان خود در سوریه و لبنان، محور مقاومت را تشکیل می‌دهد که علیه قدرت‌های غربی و متحدان منطقه‌ای غرب ایستادگی می‌کند. در این میان، سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حکم بازیگری مهم را دارد که هنوز از آن شناخت کاملی وجود ندارد. «جان مگ گوایر»، افسر سابق سازمان سیا به من (فیلکسنس) گفته است قاسم سلیمانی تنها فرد قدرتمند عملیاتی در منطقه خاورمیانه است، اما کسی از او چیزی نمی‌شنود.»

سلیمانی، یک شخصیت‌محوری

مهر ماه سال ۱۳۹۶، «مایکل نایت» کارشناس امنیتی و نظامی «مؤسسه تحقیقاتی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» در جریان یک سخنرانی به نقش سردار سلیمانی در تحولات منطقه اشاره کرد و گفت: «می‌خواهم به یک شخصیت محوری اشاره کنم که بر بسیاری از تحولات منطقه و پروسه‌های لازم برای حمایت از شبه‌نظامیان سوار است. قاسم سلیمانی! او فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران است. واقعیت این است که ایران چندین دهه را صرف تقویت شبه‌نظامیان (محور مقاومت) در منطقه کرده است، بنابراین آمریکا هم باید متعهد شود چندین دهه را صرف از بین بردن این نیروها کند.»

سلیمانی، ستاره مبارزه با داعش

روزنامه «الحیات» چاپ لندن در مقاله‌ای به قلم «حازم‌الامین» نوشت: «نیروهای ائتلاف با وجود حملات گسترده نتوانستند نفوذ داعش را در سوریه متوقف کنند. این در حالی است که در عراق به موازات پیشروی نیروهای ارتش و پیشمرگه، نفوذ میدانی ایران افزایش یافت؛ به گونه‌ای که ژنرال «قاسم سلیمانی»، ستاره حملات میدانی به داعش شد و در جبهه‌ها در کنار افسران عراقی عکس گرفت. به نظر می‌آید، ائتلاف بین‌المللی مأموریت خود را برعکس آنچه اعلام کرده است، انجام می‌دهد. ائتلاف آمد تا داعش را هدف قرار دهد؛ اما حمله به داعش کاملاً بی‌فایده بود.»

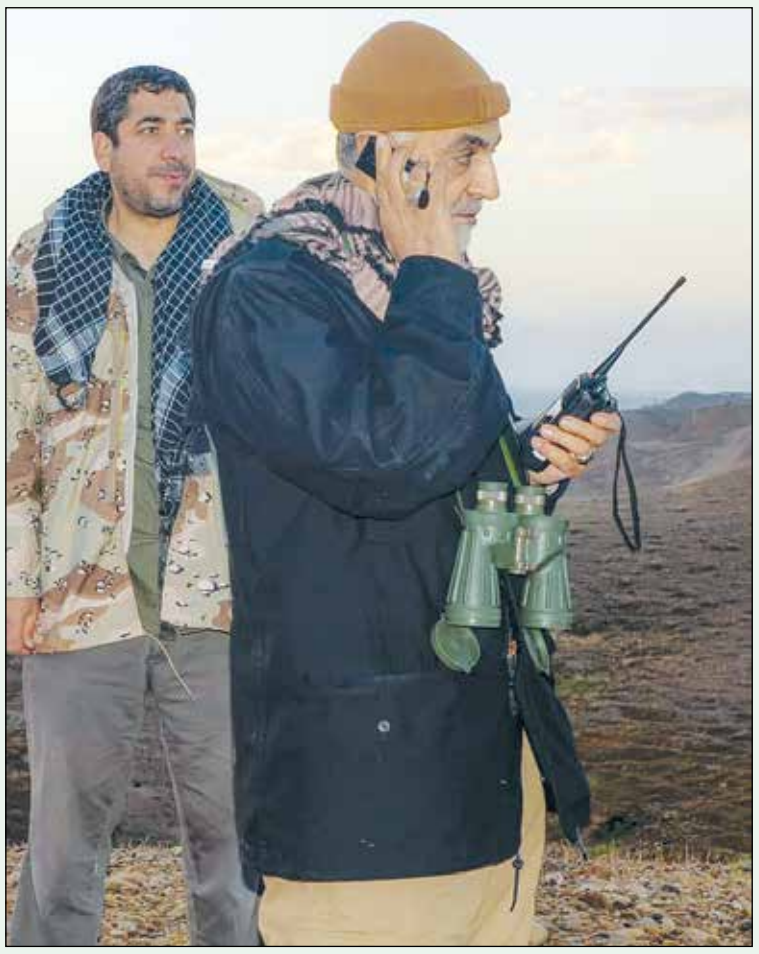

نامی که بر دل دشمنان لرزه می‌انداخت

امید پیریایی
کارشناس فضای مجازی

دو سال پیش در چنین ایامی سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی در پی اقدام ناجوانمردانه و غیر انسانی آمریکای جنایتکار آسمانی شد. شهادت حاج قاسم این فرمانده شجاع و لایق، مدیر و مدبر داغی سنگین بر دل ملت ایران و همه مسلمانان و آزادگان جهان نهاد. فارغ از همه اندوه‌ها و تألم‌های ناشی از شهادت این سردار مجاهد، به اذعان دشمنان ایران و اسلام این رخداد نه تنها دستاوردی برای عاملان و آمران آن به همراه نداشت؛ بلکه «حاج قاسم» را به نماد ماندگار و جاودان «مقاومت و پایداری» در مقابل استکبار تبدیل کرد. امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که در طول دو دهه گذشته دشمنان مقاومت بارها در موقعیت‌های مختلف قصد ترور علمدار مقاومت را داشتند؛ اما تا نیمه شب سوم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی هیچ گاه جسارت انجام این جنایت را نداشتند؛ برای نمونه «استنلی مک کریستال» فرمانده سابق عملیات مشترک ایالات متحده در عراق در اظهاراتی اعتراف‌گونه اظهار داشته است: «نیروهای تحت فرمانم در سال ۲۰۰۷ میلادی می‌توانستند قاسم سلیمانی را مورد سوء قصد قرار دهند، اما من ترسیدم و این دستور را ندادم»؛ چرا که آنها اطمینان داشتند هر گونه تعرض به فرمانده مقاومت، پیامدهای سنگین و جبران‌ناپذیری برای آنها به همراه خواهد داشت. متأسفانه، فتنه خیابانی سال ۲۰۱۹ در عراق این توهم را برای دشمنان مقاومت ایجاد کرد که اجرای عملیات «ضِد سَر» و حذف «فرمانده مقاومت» موجب تضعیف و فروپاشی جبهه مقاومت در غرب آسیا خواهد شد، اما در عمل نه تنها چنین نشد؛ بلکه کمتر از دو سال پس از شهادت فرمانده دل‌ها، کلیه یگان‌های رزمی آمریکای اشغالگر از کشورهای افغانستان و عراق به شکل فضاحت‌باری خارج شدند.

آمریکایی‌ها و دیگر خرده دشمنان مقاومت، از جمله رژیم صهیونیستی از نام و وجود «حاج قاسم» وحشت داشتند؛ چرا که وی را مبدع و توسعه‌دهنده دکترین جنگ نامتقارن جبهه مقاومت می‌دانستند، حتی اندیشکده‌های آمریکایی نیز معتقد بودند واشنگتن با استفاده از راهبرد تقویت قدرت نظامی خود توانسته به ظرفیت بازدارندگی در مقابل کشورهایی، مانند روسیه و چین دست پیدا کند، اما به دلیل وجود افرادی مانند «قاسم سلیمانی» از مهار ایران و گروه‌های مقاومت ناتوان است. اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، دو سال پیش از اقدام به ترور «سردار مقاومت»، با انتشار سندی مهم ابعاد قدرت منطقه‌ای ایران و راه‌های مقابله با این نفوذ را بررسی کرد. در بخشی از این سند آمده است: «ایران چهار دهه گذشته را وقف ایجاد اتحادهای بین‌المللی و تقویت متحدان نظامی خود، مانند حزب‌الله لبنان و طیفی از شبه‌نظامیان تحت حمایت خود کرده است. من عادت ندارم حکومت ایران را ستایش کنم، اما بگذارید این را بگویم: آنها موقعیت فعلی‌شان را با حفظ تمرکز بر اهداف خود و چندین دهه سرمایه‌گذاری در این‌باره به دست آورده‌اند.»

همانگونه که مشخص است مهم‌ترین عامل وحشت آمریکایی‌ها از نام «حاج قاسم»، ابعاد قدرت منطقه‌ای ایران بود، اما آنها نمی‌دانستند که حتی شهادت «حاج قاسم» منجر به تضعیف میراث ماندگار او، یعنی «مقاومت» نخواهد شد.

مانیفست مجاهدان راه خدا

مروری بر وصیتنامه سیاسی- الهی سیدالشهدای جبهه مقاومت

مهدی سعیدی
جریان‌شناس سیاسی

بزرگی و عظمت انسان‌های بزرگ در همه عرصه‌های زندگی آنان جلوه‌گر است. کافی است تا اهل شناخت زیبایی باشی تا بتوانی هنر و ظرافت وجودی آنان را مشاهده کنی و به آن ارادت ورزی و عاشق‌شان شوی و همه عاشقان حاج قاسم اینگونه شیفته او شدند! حاج قاسم ما از جمله گوهرهای گرانقدری بود که جلوه‌های فراوانی از عظمت وجودی‌اش در عرصه‌های مختلف نمایان شد. یکی از مهم‌ترین یادگاران به جای مانده از او که به مثابه «مانیفست انقلابیون و مجاهدان راه خدا» از آن می‌توان یاد کرد، وصیت‌نامه سیاسی-الهی اوست که تأمل در فرازهای آن می‌تواند چراغ هدایتی برای همه عاشقان مکتب حاج قاسم باشد.

شکر نعمت الهی

شکر نعمت اولین فراز مهم این وصیت‌نامه به یادگار مانده است که به خوبی عمق اخلاص و بندگی او در برابر خداوند متعال را به نمایش می‌گذارد. در فرازی از این نوشتار می‌خوانیم: «خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمدمصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی‌بن ابی‌طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آنها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند. خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز-که جانم فدای جان او باد-قرار دادی. پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگانت در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را- یعنی مجاهدین و شهدای این راه- به من ارزانی داشتی.»

خاکسارِ امیدوار!

این تعبیر بزرگ مرد تاریخ سرزمین ما که می‌فرمودند: «هیچ وقت یأس را در قلب خودتان وارد نکنید. یأس از جنود شیطان است؛ امید از جنود خداست. همیشه امیدوار باشید.» راهنمای همه شاگردان زرنگ مکتب حضرت روح‌الله(ره) است که آن را راهنمای زندگی خود قرار دادند و به قله‌ها دست یافتند. حاج قاسم عزیز ما نیز از جمله این پرورش‌یافتگان بود که با امید زیست و با امید به پیش رفت و در وصیت‌نامه‌اش نیز روح امید جاری است. او در فرازی از وصیت نامه‌اش می‌نویسد: «خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به‌سمت تو است. وقتی آنها را به سمتت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروتِ دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرئت عبور از پلی که از جهنّم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر بُرنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حَرَمت پا گذارده‌ام، دورِ خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیائت در بین‌الحرمین حسین و عباست آنها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حُرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی. خداوندا! سر من، عقل من، لب من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به‌سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!»

قرارگاه حسین‌بن علی(ع)

سالار و سپهدار جبهه مقاومت، در وصیت‌نامه‌اش بر خود فرض می‌داند که کلامی هم برای برادران و خواهران مجاهدش در جهان اسلام به یادگار بگذارد و آنان را اینگونه به حقیقتی بزرگ راهنمایی کند: «خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین‌بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی(ص).»

خیمه ولایت

دغدغه دوم او توجه دادن برادران و خواهران انقلابی‌اش به تبعیت از خیمه ولایت است. ندای او در این زمینه نیز خواندنی است: «برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالِم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به‌عنوان سنّی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به‌دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.»

مهم‌ترین هنر خمینی

پرورش یافته مکتب روح‌الله به خوبی می‌داند که آنچه خمینی در سال‌های پایانی هزاره دوم میلادی برای این سرزمین رقم زد، اتفاق باشکوهی است که آینده بشریت را تغییر خواهد داد. به همین دلیل است که در شرح این حقیقت بزرگ خطاب به همه مبارزان راه حق می‌نویسد: «بدانید که می‌دانید مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.»

آقایان اصولگرا!- آقایان اصلاح‌طلبان!

در میان فرازهای وصیت نامه سیاسی- الهی سردار دل‌ها، آنچه به طور ممتاز خودنمایی می‌کرده و از عمق بصیرت و تیزبینی او حکایت دارد، آنجایی است که سیاسیون کشور را مخاطب خود قرار داده و می‌نویسد: «نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی [که] اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم، اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌های‌تان به‌نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است: اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی اینکه نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تنوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید! اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام. به‌کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزاری به ملّت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجمّلات را شیوه خود قرار دهند. در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند.» فرازهای شنیدنی فراوان دیگری نیز در این وصیتنامه سیاسی- الهی یافت می‌شود که خواندن آن را به همه عاشقان مکتب حاج قاسم توصیه می‌کنیم.

تجلی چمرانی دیگر

کشف تقارن‌ها و تشابهات گاه آنقدر شعف آورند که آدمی نمی‌تواند در مشاهده‌شان به وجد نیاید و فریادشان نزد! زیبایی‌های زلال تکرارپذیری که از حقانیت یک راه حکایت دارد. در این بین، آنچه بیش از هر چیز دیگر این مشابهات را شیرین می‌کند، تجلی آن در اسطوره‌های انسانی است!

آنجا که دو قهرمان ویژگی‌هایی را در وجود هم به اشتراک گذاشته‌اند که این دو را از دیگران متمایز می‌کند! یک روح در دو جسم که در دو زمانه و شرایط متفاوت ظهور و بروز یافته‌اند؛ اما از حقیقتی واحد سخن می‌گویند و مسیری یکسان را طی کرده و آرمان مشترکی را طلب می‌کنند و از منبعی واحد انرژی می‌گیرند.

در روند یافتن این مشابهات در صفحات تاریخ معاصر این سرزمین به‌نام دو اسطوره مبارزه و مقاومت می‌رسیم که هر یک به تنهایی امتی بودند: «چمران و حاج قاسم!» بزرگمردان میدان مبارزه‌ای که هر دو زندگی عادی خود را رها کرده و خودشان و زندگی‌شان و همه وجودشان را وقف مبارزه با جهل و ظلم و استکبار و تلاش برای تحقق عدالت و آزادی و انسانیت کردند و در نهایت به دست نامردترین دشمنان این ملت به شهادت رسیدند. البته در این میان بی‌شک باید از تأثیرپذیری حاج قاسم از چمران سخن گفت، آنجا که چمران بزرگ به مثابه راه هدایتی برای همه انقلابیون و مبارزان پس از خود در همان ابتدای آغاز انقلاب اسلامی طلوع کرد.

نشانه‌های مشابهت چمران بزرگ و حاج قاسم عزیز را هم می‌توان در زوایای گوناگونی از شخصیت این دو مشاهده کرد که در این نوشتار تنها به دست نوشته‌های به جای مانده از ایشان اشاره می‌شود. برای نمونه، مصطفی چمران در آخرین دست نوشته‌ای که لحظاتی قبل از شهادت تحریر کرده، به گونه‌ای رقم زده است که حال و هوای آن را می‌توان در وصیت‌نامه حاج قاسم مشاهده کرد.

چمران می‌نویسد: «ای حیات! با تو وداع می‌کنم، با همه مظاهر و جبروتت. ای پاهای من! می‌دانم که فداکارید و به فرمان من مشتاقانه به سوی شهادت صاعقه‌وار به حرکت در می‌آیید؛ اما من آرزویی بزرگ‌تر دارم. به قدرت آهنینم محکم باشید. این پیکر کوچک؛ ولی سنگین از آرزوها و نقشه‌ها و امیدها و مسئولیت‌ها را به سرعت مطلوب به هر نقطه دلخواه برسانید. در این لحظات آخر عمر، آبروی مرا حفظ کنید. شما سال‌های دراز به من خدمت‌ها کرده‌اید. از شما می‌خواهم می‌کنم که این آخرین لحظه را به بهترین وجه، ادا کنید... ای دست‌های من! قوی و دقیق باشید. ای چشمان من! تیزبین باشید. ای قلب من! این لحظات آخرین را تحمل کن. به شما قول می‌دهم که پس از چند لحظه همه شما در استراحتی عمیق و ابدی آرامش خود را برای همیشه بیابید. من چند لحظه بعد به شما آرامش می‌دهم؛ آرامشی ابدی. چه، این لحظات حساس وداع با زندگی و عالم، لحظات لقای پروردگار و لحظات رقص من در برابر مرگ باید زیبا باشد.»

دقت در زندگی این دو قهرمان اسطوره‌ای ایران زمین ابعاد گوناگونی از این تشابه را آشکار خواهد کرد که دقت نظر و کشف آن ظریف برای جوانان مؤمن انقلابی سرزمین‌مان می‌تواند شورانگیز و هدایت‌گر باشد!

انگیزه مهم‌تر از نتیجه

یادداشتی بر کتاب مکتب ولایی-۵

حسن نوروزی
پژوهشگر

به تعبیر علمای اخلاق، اعمال انسان به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول کارهایی است که با التفات و آگاهی انجام می‌شود و دسته دوم افعالی است که به شکل ماشینی و طبق عادت صورت می‌گیرد. به یقین در انجام کار ماشینی، هدف و مقصودی لحاظ نمی‌شود؛ چرا که در آن دو پرسش اساسی نیت، یعنی «چه کار می‌کنم؟» که همان «توجه» است و «برای چه این کار را انجام می‌دهم» یا همان «اخلاص»، به کلی نادیده گرفته می‌شود که همین برای بی‌ارزشی و سبکی آن عمل کفایت می‌کند. پس تا عملی که از انسان سر می‌زند، به نیت گره نخورد نمی‌تواند مسیر علوی ملکوتی را طی کند و تنها در جهت افقی و تاریخی خودش سیر می‌کند.

هدف ما از این گفتار فراموشی و بی‌اعتنایی به بعد جسمانی انسان نیست. این مطلب روشن است که ظهور و نمود تمامی منویات انسان تنها از مسیر عمل امکان‌پذیر است و آنچه در تاریخ و تاریخ‌نگاره‌ها مورد داوری و محاکمه قرار می‌گیرد، عملی است که از افراد صادر می‌شود تا آنجا که اهداف و مقاصد تاریخ‌سازان چندان دخالتی در قضاوت تاریخ‌دانان ندارد.

اما فارغ از این مطلب، وقتی انسان کلاه خودش را قاضی می‌کند و به ادوار تاریخی نگاهی می‌اندازد، درمی‌یابد که تمامی بی‌کفایتی‌ها و دسیسه‌های وزیران و پادشاهان که منجر به هرج و مرج و کشت و کشتار هزاران نفر شده، از یک سوءنیت و یک غرض شوم سرچشمه گرفته است که نشان‌دهنده خبث باطنی تک‌تک آنهاست. فهم این مطلب ما را به اینجا می‌کشاند که بگوییم نیت و بعد روحانی افراد بر ظرفیت جسمانی آنها مزیت و برتری بیشتری دارد.

در اسلام اوج تجلی نیت در جایی رخ می‌نماید که به دگرگرایی توصیه می‌کند و ارزش‌گذاری یک عمل را بر اساس انگیزه‌های افراد ارزیابی می‌کند، نه نسبت به عمل انجام شده؛ یعنی ارزش یک عمل در اسلام به نتایج و دستاوردها و سودی که شخص به دست می‌آورد، نیست؛ بلکه به عکس، نگاه اسلام فقط معطوف به میزان خلوص و انگیزه‌های شخص در تقلا و تکاپوی او در از خودگذشتگی‌ها و دگرگرایی‌هاست.

ثمره ساختن و داشتن این نوع نگرش سبب می‌شود که انجام بسیاری از کارها برای انسان نه تنها کوچکی و عار نباشد؛ بلکه موجب مباهات و سربلندی باشد. چنانچه این موضوع به خوبی در زندگی شهید حاج قاسم سلیمانی دیده می‌شود؛ برای نمونه، در کتاب «مکتب ولایی»، خاطره‌ای از دیدار حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی، نماینده ولی‌فقیه در سپاه و شهید حاج قاسم سلیمانی نقل می‌شود که گواه خوبی بر مدعای ماست:

«حاج قاسم یک تکیه کلامی داشت که می‌گفت: «دست شما را می‌بوسم.» من به ایشان گفتم بعضی از افراد شایستگی این را ندارند که شما این جمله را به ایشان بگویید.» گفت: «برای مردم دست هر کسی را می‌بوسم.» و می‌گفت: «اگر دست بوسی من سبب شود که مسئولان به این مردم خدمت کنند، باکی از این کار ندارم.»

منبر

نصرت بزرگ خداوند در قیامت کبری

گفتاری از آیت‌الله وحیدخراسانی به‌مناسبت شهادت حضرت صدیقه طاهره(س)

این سرّ اسم زمینی است؛ اما سرّ اسم آسمانی، آن، منتهـای این مبدأ را نشـان می‌دهد. گفتیم: معرفت به معرفت مبدأ و منتهاست، مبدأ شد نور خدا، منتها چیست؟ و هی فی السماء المنصورة و ذلک قول الله عزوجل: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»؛ اسم آسمانی او منصوره است. چون نصرت خدا خلاصه شـده در فاطمه‌زهرا(س)؛ «و ذلک قول الله عزوجل: وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَـاءُ»؛ مبدأ شد نور خدا، منتهی شد آن کسی که تمام انبیا، تمام اولیا، همه چشم به راه اویند در قیامت کبری تا آن نصر خدا ظاهر بشود. این گوهری است که ما عمری تقصیر کردیم. این مملکت که به‌عنوان مملکت شـیعه شناخته شده، روز شهادت او باید جوری به‌پاخیزد متناسب با این مقام...

در خطبه بیست و دو نهج‌البلاغه آمده است، وقتی نور خدا را، آن هـم با بدن آزرده، با پهلوی شکسته، به خاک سپرد، دیگر کسی نیست که با او حرف بزند، برگشت رو به قبر و گفت: «السلام علیک یا رسـول الله عنی وعن ابنتک النازلة فی جوارک والسریعة اللحاق بک»؛ این دختری که به این زودی به تو ملحق شد. بعد جمله‌ای گفت که این جمله در تاریخ زندگی او نه سابقه داشته، نه لاحقه: «قلّ یا رسـول‌الله... قلّ یا رسول الله عن صفیتک صبری»؛ دیگر صبر من کنار این قبر تمام شد، ورقّ عنها تجلدی. از قلب آن یگانه مرد عالم باید دید عظمت مصیبت در چه حد است. بعد که این کلمات را گفت، عرض کرد: یا رسول الله! من فـراق تو را دیدم، تو را در ملحوده قبرت گذاشـتم، وفاضت بین نحری و صدری نفسک. جان تو را خدا قبـض کرد، بعد از آن مصیبت به این مصیبت گرفتار شدم، اما مصیبت را نگفت، فقط دو جمله گفت: یا رسـول‌الله! واستخبرها الحال؛ خـودت از دخترت خبر بگیر، حال او را بپرس. آن جمله‌ای که نمی‌شود گفت، این است: فأحفها السؤال، احفا استقصای در پرسش است. چه بوده؟ چه گذشـته؟ چه تحملی؟! به پیغمبر خاتم(ص) امیرالمؤمنیـن(ع) عرض می‌کند: یا رسول الله! فأحفها السؤال، یعنی چه؟ یعنی فاطمه به من نگفت، رفت و هرچه بود با خودش برد، اما تو پیگیری کن، از او در بیاور که بر او چه گذشته که وقتی تو از دنیا رفتی با آن سلامت بود، اما وقتی من به تـو تحویل دادم، شبحی بود.

مکتب

آیا هر اتفاق خارق‌العاده‌ای خرافات است؟

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

ادیان الهی همواره در معرض تحریف معارف، تضعیف دلایـل و تبدیل حقایق مواجه بوده اند؛ یعنی عده ای تلاش کردنـد انحرافاتی در ادیان به‌وجود آورند که اصلاً در دین و حتی نیت آن دین نیامده است. دین اسـلام با توجه به آنکه کتابش در زمان پیامبرش کتابت شـد و با نظارت ایشان کنـار یکدیگر قرار گرفت و در کمترین زمان بعد از وفات ایشان جمع‌آوری شـد و اینکه خداوند خودش را حافظ کتاب دین اسلام دانسته است، مورد تحریف و تغییر واقع نشـد؛ اما دستورات پیامبر اسلام(ص) و امامان بعد از ایشان به دلایل مختلف دچار آسـیب‌هایی شـد. این در حالی است که ادیان مختلف به‌دلیل فاصله‌ای که میان کتابت کتاب آسمانی آن دین ایجاد شد، تحریفات و تغییرات بنیادینی را به‌خود دید. این تغییرات در روایات و نقل‌های اسلامی اولاً سبب شد علومی، مانند رجـال و درایه که کارش شـناخت راویان احادیث و مفسران و شـناخت خود احادیث از نظر معنا، مفهوم، منطوق و حتی کلمات است، به‌وجود بیایند. ثانیاً سبب شد برخی افراد نسبت خرافاتی بودن به اسـلام بدهند. علمای اسلام با تلاش و کوشش در سال‌های متمادی سعی کردند دروغ را از راست و باطل را از حق جدا کنند تا هم به روایات درست و صحیح برسند و هم اطمینان مردم در مورد انحرافی نبـودن روایات را جلب کنند. برخی از مردم با شـنیدن یک روایت که با عقل‌شان (بدون بررسی) سازگار نیست یا اسلام را به خرافه‌گویی و خرافه‌پروری متهم می‌کنند یا در مورد صحت احادیث و روایات شک می‌کنند. همین افراد اگر در نظر بگیرند که علمای اسـلام چقدر برای بررسـی احادیث وقت می‌گذارند و چقدر برای آن زحمت می‌کشـند سعی می‌کنند از رد کردن بـدون توجه و دقت دوری کنند. امام صادق(ع) به نقل از پیامبر(ص) می‌فرماید: «بار حفـظ این دیـن را در هر قرن، مردمـان عادلی بر دوش دارنـد که تأویل‌های باطل‌اندیشـان و تحریف‌های گزاف‌کاران و برساخته‌های نادانان را از آن دور و نابود می‌کنند، همان‌گونه که کوره، پلیـدی و ناخالصی آهـن را از آن دور می‌کند.» (رجال‌کشی، ج۱، ص۱۰)

یکی از دلایلی که برخـی افراد فکر می‌کنند یک روایت که با عقل آنها سـازگار نیست خرافه اسـت، «جهل»، «عدم علم» یا «عدم قدرت» است. برای نمونه، اگر هزار سال قبل به انسان‌ها می‌گفتنـد، روزی می‌آید که بیـش از صد نفر با یکدیگر در آسـمان پرواز می‌کنند، این سخن را خرافه می‌خواندند و گوینده آن را تکفیر می‌کردند؛ اما علم و قدرت انسـان تاجایـی پیش رفت که توانست هواپیمایی بسازد که انسان‌ها را با یکدیگر به پرواز دربیاورد و در کمترین زمان از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ببرد. بسـیاری از معارف اسلامی وقتی با بی‌دقتی مواجه می‌شـوند، خرافاتی دیده می‌شود؛ اما وقتی استدلال‌ها و اتفاقات گوناگون را کنار یکدیگر می‌گذاریـم، می‌بینیم امکانش وجود دارد و صرف ناسـازگاری با عقل دلیل بر خرافی بودن آن نیست.

یکی از اتفاقاتی کـه در روایات متعدد آمده، بحث معراج رسـول خدا(ص) است. آنچه در نگاه ابتدایی دیده می‌شـود، این است که انسانی ادعا دارد به آسـمان رفته و مشاهداتی داشته و در کمترین زمان به زمین برگشـته است. این رفت و برگشت از نظر زمانی، از سوی دانشمندانی چون انیشتین اثبات شـده است که به آن نمی‌پردازیم؛ اما برخی افراد این اتفاق و اتفاقات شـبیهش را خرافه می‌دانند. آنچه مسـلم است امکان داشتن این اتفاقات اسـت و آنچه باید در نظر قرار گیرد، قدرتی در ورای این اتفاقات اسـت؛ یعنی قدرت خداونـد که می‌توانـد به شـکل‌های مختلف صـورت بپذیرد. همه ما به قـدرت خداوند آگاه هستیم و می‌دانیم هرکاری که در دایره محالات و ناممکن‌ها نباشد، در دایره قدرت خداوند است و امکان عقلی انسـان هم می‌تواند در آن به‌وجود بیاید. برخی از این قدرت‌هـا در حیط «ولایت تکوینی» است که فقط مخصوص خداوند است و کسـانی که خود خدا به آنها قدر داده است. آیا در نظر ما امکان دارد که شخص نابینا با کشیدن دستی روی چشمش بینایی‌اش برگردد؟ مطمئناً همه مـا می‌گوییم نه؛ اما وقتی قـدرت خداوند باشـد این امکان ایجاد می‌شود. خداوندی که به انسان عقل داد تا با آن پرواز کند و حتی بر کرات دیگر قدم بگذارد، نمی‌تواند از سوی پیامبران خود کارهایی خارق‌العاده انجام دهد؟ نتیجه آنکه نبود علم و آگاهی نباید ما را به مردود خواندن هر امر ماوراءالطبیعه‌ای برساند. ما نباید بلافاصله پس از شـنیدن یک حرف و یک روایت و بدون بررسی عمیق در فهم صحت و سـلامت، آن را رد کنیم و خرافه بپنداریم. هنگامی که مقدس‌مآبان گالیله را به‌دلیل ادعایش کشـتند؛ نمی‌دانستند روزی خواهد آمد که مورد بازخواسـت آینده‌گان قرار می‌گیرنـد و در دادگاه فکر محاکمه می‌شـوند و نادان معرفی می‌شوند. به‌عبارتی اگر برخی افراد امروز هر رخداد ماوراءالطبیعه را خرافات قلمداد کنند، در آینده و زمانی که آگاهی و علم و قدرت انسان‌ها بیشـتر می‌شود، محکوم شـده و نادان شمرده می‌شـوند. پس در مواجهه با هر مطلبی اول باید آن را بررسی کنیم و بعد درباره آن حکم بدهیم؛ زیرا اسـلام دین فکر و عقل و استدلال اسـت و هر چیزی را بدون این وسایل رد یا تأیید نمی‌کند.

سلوک

اصلاح نیت

آیت‌اللـه محمدعلی ناصری: برای اصلاح رفتـار افراد، باید ابتدا انگیزه، اعتقاد و شناخت‌مان را اصلاح کنیم و این اصلاح شناخت منوط به تهذیب است؛ یعنی آنکه، افراد نخست باید خـود را از رذایل اخلاقی پاک کنند تا ظرف وجودی آنها برای دریافت حقایق الهی آماده گردد... ابتـدا راه ارتقای اخلاق و معنویت اصلاح نیات است... کسی که مؤمن به‌خداوند متعال است و به معاد و سؤال و جواب در آن و رب‌الاربابی خداوند در همه هستی معتقد است، خودش را در محضر خداوند احساس می‌کند و در نتیجه به‌طرف گناه نرفته و از انجام گناه و لغزش و معصیت پرهیز می‌کند.

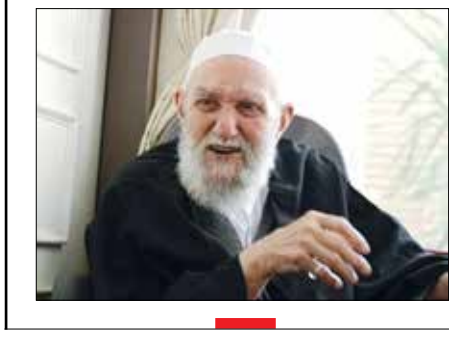

احکام

خمس کسب

پرسش: خانه‌ای دارم که دارای وام قسط‌بندی شده است و مالک محلی تجاری هسـتم که در آن کاسبی می‌کنم و برای عمل به وظیفه شرعی‌ام، سال خمسی برای خود تعیین کرده‌ام، امیدوارم لطف فرموده و مرا از پرداخت خمس آن خانه معاف کنید؛ ولی توان پرداخت خمس محل تجاری را به‌صورت قسطی دارم.

پاسـخ: خانه مسکونی شما در فرض سؤال که نسیه خریداری شده خمس ندارد، ولی پرداخت خمس محل تجاری‌تان واجب است، مگر اینکه با پرداخت خمس کسب با بقیه وافی به هزینه زندگی شما نباشد یا اینکه کسب با بقیه، کسبِ مناسب با شأن عرفی شما نباشد. **(اجوبةالاستفتائات، س۹۲۶)**

راهنما

دین تعبد و تعقل

حجت‌الاسـلام یحیی عبدالهـی: دین آمده اسـت که همه عرصه‌ها را به‌سوی تقرب هدایت و سرپرستی کند، نه اینکه همه عرصه‌ها را تعطیل کند و خودش جای آنها بنشـیند و نه اینکه امری در کنار دیگر عرصه‌ها باشد، مثلاً دین را یک امر معنوی تلقی کنیم که در کنار امور معیشـتی و مادی قرار می‌گیرد. از منظر «ولایت»، دین حتماً به عرصه برنامه‌ریزی وارد می‌شود، همچنین هدایت و سرپرستی دینی همه افکار و اندیشه‌ها را در بر می‌گیرد؛ اما این، به معنای تعطیلی همه افکار و اندیشـه‌ها نیست؛ بلکه شکوفایی فکر و اندیشـه در پرتو استضائه از نور ولایت است.

آیه

نسبت‌ها و تکالیف معین

محمدرضا قضایی
کارشناس علوم اسلامی

برخی نسـبت‌ها در قرآن آمده اسـت که به‌خداونـد تعلـق دارد. وقتی در کسـی نیازی وجود داشـته باشـد و برای آن نیاز اسـباب و وسـایلی را فراهم کرده باشد، سعی می‌کند تا نسـبت دادن آن به‌خودش انحصـار ایجاد کند و با ایـن انحصار آن وسایل را محفوظ نگاه دارد؛ اما خداوند نه نیازمند است و نه نیازی دارد که با انحصار چیزی را برای خودش محفوظ نگاه دارد. اینکه خداونـد می‌فرماید: «طَهِّـرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ»(حج/۲۶) یا اینکه می‌فرماید: «نَفَخْـتُ فِيهِ مِـنْ رُوحِي»(حجر/۲۹) یا می‌فرماید: «هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ»(هود/۶۴) به خاطر نیاز خداوند به خانه، انسان، ناقه صالح و... یا حفظ آن از آسـیب نیست، بلکه در هر یک از این نسبت‌ها سری نهان اسـت که ما فقط تعداد محدودی از آن را می‌فهمیم. یکی از این دلایل شرافت دادن به چیزهایی اسـت که در کنار نام خداوند قـرار می‌گیرند. شـاید بگوییم همه عالم برای خداوند است و نیازی نیست خداوند قیدی بیاورد؛ اما باید بدانیم وقتی خداوند چیزی را به‌خود نسبت می‌دهد؛ به منظور فهماندن یک منظور خاص و مهم به انسان اسـت. خداوند می‌خواهد امتیازی برای انسـان در نظر بگیرد و مرزی را قرار دهد تا بندگی انسـان را امتحان کند. از طرفی می‌خواهد شرافتی ایجاد کند که هر کسی در پرتو آن قرار می‌گیـرد، توجه به هدف نهان در امور داشته باشد. خانه خدا، بنده خدا، شـتر خدا، روح خدایی، کاسبی که دوست خداست و... به جز اینکه شرافت دارند، وظایفی را هم برای انسان‌ها ایجاد می‌کنند. در آیه۶۴ سـوره هود این وظیفه آشکارا دستور داده شده است که خداوند می‌فرمایـد: «ای قوم من، این ماده شـترِ خداوند است و نشانه‌ای است برای شما. بگذاریدش تا در زمین خدا بچرد و به بدی میازاریدش (در غیر این‌صورت) به‌زودی عذاب شـما را فرومی‌گیرد.» همین‌طور درمورد دین کـه می‌فرمایـد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» که آن را به خود نسبت می‌دهد. در این آیات دستور مستقیم است برای اینکه انسـان‌ها اولاً یاد بگیرند که به فرمان خداوند عمل کنند، سپس بفهمند که در این زندگی نسبت به هر چیزی وظیفه‌ای دارند که باید آن را فرابگیرند و به‌کار ببندند. وقتی هم که در مـورد بندگی خداوند «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ»(نساء/۳۶) صحبت می‌شود، باید بدانیم که ما تکالیفی نسبت به‌خودمان هم داریم که باید آنها را انجام دهیم. وقتی ما به تکالیف خود عمـل نمی‌کنیم، باید منتظر عقاب آن هم باشـیم. بسـیاری از اتفاقات زندگی انسان‌ها به‌دلیل نفهمیدن و عمل نکردن به این تکالیف اسـت. اگر یاد بگیریم تکالیفی نسبت به محل زندگی خود داریـم و به آن عمـل کنیم، هیچ‌گاه دچار مشکلات زیست محیطی نمی‌شویم و مانند این. اگر یاد بگیریم که نسـبت به هر انسانی تکالیفی داریم به دلیل اینکه او مخلوق و بنده خداوند است، هیچ‌گاه دچار اختلاف و جنگ نمی‌شویم. در واقع عذابی را که خداوند وعده داده است، باید این‌طور معنا کنیم: اگر تکلیف خود را نشناسـی و عمل نکنی، خودت و هم‌نوعانت را دچار عذاب و گرفتاری می‌کنی. خداوند حقی بر ما دارد و می‌خواهد آن را رعایت کنیم. خداوند زمیـن را بسـط داده و امکانات را بـرای زندگی ما مهیا کرده اسـت، اما انسـان به‌خود ظلم می‌کنـد، در حالی‌که راه همه به سمت خداوند منتهی می‌شود. (نوح/۱۴ـ۲۵)

اتمام حجت

انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و صف‌آرایی جریان‌های سیاسی ـ ۱۳

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

در حالی که جریان فتنه‌گر تلاش داشت با گسترش ناآرامی‌ها، خواسته‌های نامشروع و غیرقانونی خود را مطالبه کند، نظام اسلامی تلاش داشت با تعامل و رایزنی فرصتی برای شنیدن حرف‌ها را فراهم آورد تا اگر مطالبه بحق و قانونی وجود دارد، بررسی و رسیدگی شود. در این مسیر بود که خبر دیدار نمایندگان چهار نامزد انتخاباتی با رهبر معظم انقلاب اسلامی انتشار یافت که افکار عمومی را نسبت به بازگشت آرامش و پایان یافتن اغتشاشات امیدوار کرد. رهبر معظم انقلاب در آن دیدار خطاب به نمایندگان نامزدها گفتند:

«من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه انتخابات‌های گذشته ـ شماها همه‌تان مسئولان هستید، بوده‌اید، ممشای بنده را می‌دانید ـ به مسئولان کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که می‌دانید در موارد متعدد، مسئولان از سلایق مختلف بودند؛ اما من به مقام مسئولی که می‌شناسم و قاعده کار او را می‌دانم، اعتماد می‌کنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد می‌کنم، اما این اعتماد من موجب نمی‌شود که اگر چنانچه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهم‌تر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هرکسی به نحوی، هر کسی وظیفه‌ای دارد.»

اما متأسفانه این دیدارها و توصیه‌ها بر مواضع غیرقانونی موسوی تأثیر نداشت و وی بار دیگر با صدور بیانیه‌ای تحریک‌آمیز از کشته‌شدگان این روزها با نام شهید یاد و اعلام کرد: «از همگان درخواست می‌کنم بعدازظهر روز پنج‌شنبه ۲۸ خردادماه به هرصورت ممکن، اعم از اجتماع در مساجد و تکایا و یا برگزاری راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز با استفاده از نمادهای سوگواری همدردی خود را با بازماندگان اعلام کنند و بدیهی است که خود نیز در این مراسم شرکت خواهم کرد.» تجمع غیرقانونی پنج‌شنبه در میدان امام خمینی تهران که با حضور موسوی همراه شد، محصول بیانیه فوق بود. این تجمعات غیرقانونی به صورت‌های مختلف تا روز پنج‌شنبه (۱۳۸۸/۳/۲۸) ادامه یافت و این در حالی بود که موسوی و همراهانش، هواداران‌شان را به حضور در این تجمعات دعوت می‌کردند. برای نمونه «زهرا رهنورد» همسر میرحسین موسوی صبح روز چهارشنبه با حضور در دانشگاه تهران از دانشجویان این دانشگاه خواست تا در تجمعات خیابانی حاضر شوند.

در حالی که بخش اغتشاشگر، برگزاری تجمعات غیرقانونی را دنبال می‌کرد، بخشی دیگر از طراحان این صحنه، به‌دنبال زیر سؤال بردن نهادهای قانونی و قانون اساسی بود و پیشنهادهای غیرقانونی دیگر را مطرح می‌کرد که تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» و تحت‌الشعاع قرار دادن شورای نگهبان، در همین راستا بود. زیر سؤال بردن جایگاه قانونی شورای نگهبان ـ که مبتنی بر قانون اساسی عالی‌ترین مرجع نظارت بر انتخابات است ـ از سوی کسانی صورت می‌گرفت که مدعیان قانون‌گرایی بودند؛ ولی در این مرحله در برابر قانون اساسی ایستادند و جامعه را به سوی هرج و مرج کشاندند. شدت گرفتن تجمعات خیابانی که به تنازعات و اغتشاشات و وارد کردن خسارات به اموال عمومی و ناامن کردن محیط زندگی مردم انجامید، خروجی اتاق جنگ روانی جریان دوم خرداد در هفته پایانی خردادماه ۱۳۸۸ بود.

در این میان، خبری مبنی بر برگزاری نماز جمعه تهران با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد. اخبار از آن جهت به مهم‌ترین خبر آن ایام بدل شد که تا آن زمان معمولاً حضور رهبری در نماز جمعه و سخن گفتن مستقیم با مردم، فرصتی برای پایان دادن به مناقشات و کلام ایشان فصل‌الخطابی برای همه گروه‌های سیاسی بوده است. دغدغه‌مندان نظام اسلام امید داشتند تا سخنان معظم‌له با همراهی و پذیرش همه طرف‌های مناقشات انتخاباتی همراه شود.

امام جمعه تهران در بخشی از سخنان‌شان با اعلام صریح، راهکار خود را برای حل این اختلاف پیش آمده مطرح کرد و با هشدار به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی فتنه‌انگیز گفت: «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همان‌طور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر در مواردی خواستند صندوق‌ها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضا کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد.»

رهنمودها و هشدارهای معظم‌له به جریان‌های سیاسی که با حمایت میلیون‌ها نمازگزار همراه بود، نوید همراهی همه نیروهای انقلاب را می‌داد؛ اما رفتارهای صورت گرفته از سوی موسوی و برخی جریان‌های همسو با وی، نشان از حرکت وی در مسیر خطرناک انتحار سیاسی و رویارویی با نظام اسلامی داشت.

پیام تبریک حضرت آیت‌الله العظمی نوری‌همدانی به رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بعد از سخنان روشنگرانه معظم‌له در خطبه‌های نمازجمعه، واکنش قابل تقدیری بود که ملت انقلابی از مراجع و علمای عالی‌قدر شیعه انتظار داشت و سبب شد تا نام مرجع عالی‌قدر شیعه برای همیشه تاریخ به بزرگی و تیزبینی ثبت شود. در این پیام مهم آمده است: «بیانات روشنگرانه جناب‌عالی که توأم با تذکر یاد خدا و سکینه الهی و معنویت بود، مبشر وحدت و صفا در جامعه اسلامی بود. این بیانات بار دیگر نقش ارزنده ولایت فقیه را بر همگان نشان داد و ثابت کرد که تأکید امام راحل عظیم‌الشأن که پشتیبان ولایت فقیه باشید تا کشور آسیب نبیند، یک واقعیت تردیدناپذیر است.»

تقویم انقلاب

اولین انتخابات ریاست‌جمهوری

سیدمهدی‌حسینی
مورخ و پژوهشگر

پس از تصویب قانون اساسی مهم‌ترین کار پیش روی جمهوری اسلامی، تشکیل ساختارهای سیاسی نظام مبتنی بر قانون اساسی جدید بود. اولین گام برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری بود که مبتنی بر قانون باید با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شد؛ انتخاباتی که قرار شد در بهمن ماه سال ۱۳۵۸ برگزار شود. در همین راستا، حضرت امام(ره) طی بیاناتی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۳ در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز درباره اولین انتخابات ریاست‌جمهوری فرمودند: «در این موقع مرحله دیگری از مراحلی که در کشور ما می‌خواهد تحقق پیدا کند، در دست اجراست و آن، تعیین رئیس‌جمهور است. باید توجه داشته باشند آقایان که آن صفتی که در قانون اساسی برای رئیس‌جمهور تعیین کرده‌اند، مراعات کنند. قانون اساسی را ملاحظه کنند و صفات رئیس‌جمهور را در آنجا ملاحظه کنند، و کسی که دارای آن صفات بود و او را به آن صفات می‌شناسید به او رأی بدهید و اگر فاقد آن صفات باشد، احتراز کنید از رأی دادن به او.» دی ماه بود که روزهای نام‌نویسی کاندیداها فرا رسید و اشخاص متعددی که تعدادشان به ۱۲۰ نفر می‌رسید، برای شرکت در انتخابات ورود کردند، افرادی که اغلب آنها ناشناخته بودند. در میان آنها افرادی بودند که چند هفته پیش به قانون اساسی رأی منفی داده بودند؛ از جمله مسعود رجوی، سرکرده گروهک تروریستی منافقین که رسماً به هوادارانش گفته بود که به قانون اساسی رأی ندهند. در این زمان بود که از امام خمینی(ره) سؤال شد، کسی که به قانون اساسی رأی نداده و رسما اعلام کرده که آن را قبول ندارد آیا می‌تواند کاندیدای ریاست‌جمهوری شود؟ حضرت امام در پاسخ فرمودند: «کسانی که قانون اساسی را قبول ندارند، نباید کاندیدا شوند.» اکثر کاندیداها وضعیت مشابهی داشتند و بر مبنای فرمان امام از کاندیداتوری انتخابات ریاست‌جمهوری کنار رفتند. با توجه به ویژگی‌های مندرج در قانون، اغلب کاندیداها کسانی بودند که دارای شرایط فوق نبودند و سوابق و شایستگی‌های لازم برای اداره کشور را نداشتند. حضرت امام خمینی(ره) در دیدار با دانشجویان پیرو خط امام، با ذکر اینکه برخی از این افراد منحرف و ناشناس هستند، این موضوع را اخلال در ریاست‌جمهوری و بدنام کردن جمهوری اسلامی و بهم ریختن مملکت دانستند. از این رو کمیته نظارت بر تبلیغات انتخابات به ریاست آقای موسوی‌خوئینی‌ها با همکاری وزارت کشور و با کسب اجازه از امام، پس از بررسی صلاحیت‌ها، ۱۰ نفر را به عنوان نامزد رسمی انتخابات معرفی کرد. روش بررسی صلاحیت‌ها به گفته وی، از طریق مصاحبه حضوری بوده است که همکاری برخی افراد با رژیم طاغوتی و بی‌اعتقادی آنها را به نظام اسلامی آشکار می‌کرد. امام خمینی(ره) در رهنمودهای خود ویژگی‌های رئیس‌جمهور مطلوب را برشمردند و فرمودند: «کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق، سوابق خوب پیوسته به هیچ طرفی، نه شرقی باشد، نه غربی باشد، نه غرب‌زده و نه شرق‌زده مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسوز به ملت باشد، سوابقش خوب باشد، در رژیم سابق هیچ وارد نشده باشد و با اجانب پیوند نداشته باشد. من بنا ندارم کسی را تعیین کنم، ما همین اوصاف را می‌گوییم و شما انتخاب می‌کنید.»

دهلیز

چک شیخ زائد

مروری بر مفاسد دربار رژیم دیکتاتور پهلوی

حکومت پهلوی حکومت دست نشانده‌ای بود که بقای آن را باید مدیون و مرهون حمایت بیگانگان دانست. یکی از دولت‌هایی که تا آستانه سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی حامی شاه و رژیم او محسوب می‌شد، حکومت امارات متحده عربی و شخص شیخ زائدبن‌سلطان آل نهیان حاکم این دولت بود. حمایت‌های او و دیگر سران مرتجع عربی خلیج‌فارس، نقش مهمی در تداوم چندین ساله پادشاهی محمدرضا پهلوی داشت.

محمد یگانه، رئیس کل بانک مرکزی رژیم شاه و وزیر دارایی این رژیم که کتاب خاطراتش را مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد به کوشش حبیب لاجوردی در مؤسسه انتشاراتی نشر ثالث منتشر کرده، به نمونه‌ای از حمایت رژیم شیخ زائد از شاه اشاره کرده است. یگانه در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «یکی از کمک‌های شیخ زائد به شاه چک یکصد میلیون دلاری او به محمدرضا پهلوی در آستانه پیروزی انقلاب بود.»

به گفته یگانه این چک به صورت کاملاً سری در زمان کابینه «شریف‌امامی» ارائه شد و تصور شیخ امارات این بود که مردم ایران به خاطر «کمبود نان» انقلاب کرده‌اند؛ لذا حمایت مالی از شاه می‌تواند سبب رسیدگی به مردم شود. یگانه می‌گوید شیخ زائد بسیار متمول بود و بسیار به شاه عبودیت داشت؛ از این رو دولت امارات به سفیر خود در تهران پیغام داد چک ۱۰۰ میلیون دلاری شیخ زائد را که به اسم «محمدرضا شاه پهلوی» نوشته شده، به وی تحویل دهد. این دستور اجرا شد و شاه نیز چک را به شریف‌امامی داد و به او گفت: «این را ببرید و با نظر وزارت اقتصادی و دارائی به مصارف لازم برسانید.»

یگانه افزود: «در آن زمان من عهده‌دار وزارت دارایی بودم. شریف‌امامی با من تماس گرفت و از من خواست حساب محرمانه‌ای باز کنیم و این پول را به آن حساب بریزیم. من از شریف‌امامی خواستم بیشتر فکر کنم. بعد با اطرافیان خود از جمله با حسن عرب که قائم‌مقام من بود، مشورت کردم و به این نتیجه رسیدم که من به عنوان وزیر اقتصادی و دارایی از نظر قانونی یک حساب بیشتر نمی‌توانم داشته باشم و آن حساب خزانه است که تمام عواید دولت باید وارد آن شود و هر دیناری که از آن خارج می‌شود، باید با مصوبه مجلس یا مجلسین صورت گیرد. از این رو موضوع را به اطلاع شریف‌امامی رساندم و از او خواستم در بودجه محرمانه‌ای که در اختیار خودش قرار دارد، واریز کند. اما شریف‌امامی نهایتاً توصیه مرا پذیرفت و موافقت کرد که این پول به خزانه ریخته شود.»

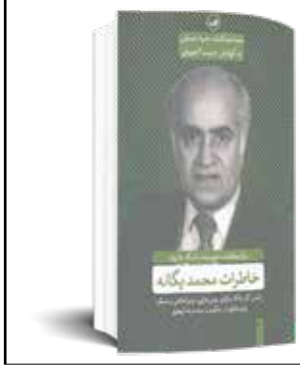

حافظه

کمپانی هند شرقی

نگاهی به حضور استعمارگران در شبه جزیره هندوستان

همانطور که اشاره شد، در اوایل قرن هجدهم میلادی رقابت پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها برای دسترسی بیشتر به ثروت افسانه‌ای شبه‌قاره هند روزافزون شده بود. شرکت‌های تجاری این کشورها در رقابت تنگاتنگی با یکدیگر قرار داشتند و هر یک از آنان تمام کوشش خود را به کار انداخته بودند تا در میان رقبا، مقام اول را احراز کرده و با درست کردن یک مرکز بازرگانی در هند، ثروت‌های این کشور ثروتمند را به اروپا صادر کنند.

پادشاهان هند که در اوج قدرت بودند، به این خارجیان، به دیده تاجرانی ساده و معمولی که فقط به فکر تأمین مال و ثروت هستند، می‌نگریستند و هرگز تصور نمی‌کردند که ممکن است آنان در پشت پرده در صدد تجاوز به آب و خاک هندوستان باشند؛ به همین دلیل آنان را در امور بازرگانی آزاد گذاشته بودند و حتی گاه، تسهیلاتی هم برای ایشان فراهم می‌آوردند؛ ولی این خارجیان همچون رباخواری بودند که بیش از آنکه به فعالیت‌های بازرگانی بیندیشند، هدف‌های توسعه‌طلبانه سیاسی داشته و نگاه خود را بر آینده‌ای دور برای تصرف و استیلای انداخته بودند! این شرکت‌ها به ظاهر تجارت می‌کردند؛ ولی در باطن، حکومت‌های متبوع آنان در فکر استعمار و گستراندن نفوذ سیاسی خود بودند.

هنگامی که دولت مسلمان رو به ضعف و انحطاط نهاد و بر اثر طغیان امرای محلی، وحدت کشور از بین رفت، برای عناصر خائن، مجال بسط نفوذ بیشتری پیدا شد، لذا هر یک با شتابزدگی، نقش جدید خود را برای بلعیدن این لقمه چرب و گوارا آغاز کرده و به تهیه مقدمات پرداختند.

در میان این مسابقه‌دهندگان، شرکت انگلیسی هندشرقی سرانجام توانست بر رقیبان فائق آمده، مقام اول را احراز کند و با کوتاه کردن دست شرکت‌های پرتغال و هلند و فرانسه، میدان را برای عملیات استعماری خویش، خالی گرداند. اکنون نوبت آن فرا رسیده بود که شرکت انگلیسی برای تضمین غارتگری‌های آینده به گسترش نقطه سیاسی خود در سراسر این کشور پهناور که از نظام سیاسی با ثباتی برخوردار نبودند، بپردازد و با شیوه‌های گوناگون بر حضور مؤثر سیاست انگلیس در آن کشور بیفزاید.

مؤثرترین اقدام شرکت انگلیسی، ایجاد و اختلاف میان امیران هند بود. گاه به یکی از آنان کمک‌های مالی می‌کرد و او را بر ضد دیگری بر می‌انگیخت و بدین وسیله نزد او نفوذ و اعتباری کسب می‌کرد، سپس با آن دیگری عینا همین افسون را به کار می‌بست و در خلال این عملیات، درآمد ایالت را قبضه می‌کرد و نفوذ خود را در آنها گسترش می‌داد.

به تدریج کمپانی توانست در قلب مملکت و شخص پادشاه مسلمان ـ که در دهلی بر مسند حکمرانی کل هندوستان تکیه زده بود ـ نفوذ کند، به وسیله اطرافیان و محارم و حتی همسرش، به او نزدیک و نزدیک‌تر شود و عاقبت او را به آلتی بی‌اراده و مجسمه‌ای بی‌جان تبدیل کند.

در گفت‌وگو با معاون هماهنگ‌کننده هلدینگ تخصصی صنعت و معدن قرارگاه سازندگی عنوان شد

۲۰ درصد ظرفیت حفاری اکتشافی سالانه کشور را داریم

یکی از عرصه‌های فعالیت قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) حفاری و استخراج معادن زیرزمینی و ایجاد کارخانه‌های فرآوری مواد معدنی است و در این عرصه اقدامات ویژه‌ای در طول سال‌های گذشته انجام شده است. در همین زمینه با حسین بَرمر، معاون هماهنگ‌کننده هلدینگ تخصصی صنعت و معدن قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) گفت‌وگو کردیم تا بیشتر با فعالیت این مجموعه آشنا شویم.

لطفاً بفرمایید قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) از چه سالی به طور تخصصی وارد حوزه صنعت و معدن شد و علت این حضور چه بود؟

پیرو بیانات رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) درباره اهمیت بخش صنعت و معدن در اقتصاد کشور و لزوم نقش‌آفرینی قرارگاه در رفع نیازهای اساسی و گلوگاه‌های کشور، این مجموعه با استفاده از ظرفیت‌های بالقوه خود، هلدینگ تخصصی صنعت و معدن را در سال ۱۳۹۷ تشکیل داد و به صورت تخصصی وارد این عرصه شد.

هلدینگ تخصصی صنعت و معدن با بهره‌گیری از متخصصان مجرب و ماشین‌آلات تخصصی و با رعایت استانداردهای کیفی و زیست‌محیطی، توانایی انجام انواع حفاری‌های اکتشافی، آماده‌سازی و استخراج معادن زیرزمینی و روباز و همچنین طراحی و احداث کارخانه‌های فرآوری مواد معدنی را به صورت طراحی، تأمین کالا و اجرا EPC)) دارد. هلدینگ تخصصی صنعت و معدن قرارگاه‌سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)سپاه‌سه مؤسسه تخصصی به نام‌های امین، ثارالله و معدن دارد که با به‌کارگیری بیش از ۴۱۰۰ نفر سرمایه انسانی، ۲۶ طرح و پروژه صنعتی و معدنی را در ۱۱ استان کشور در دست اجرا دارد.

به طور کل عملکرد قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در حوزه صنعت و معدن به چه صورت است؟

هلدینگ تخصصی صنعت و معدن به عنوان زیرمجموعه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) و در کنار سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) و همچنین شرکت ملی صنایع مس ایران، فعالیت‌های گسترده‌ای را در چهار حوزه اکتشاف، استخراج، فرآوری و سرمایه‌گذاری در کارنامه خود به ثبت رسانده و پروژه‌های گوناگونی را اجرا کرده است که به طور کل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ـ احداث کارخانه‌های صنعتی در حوزه صنعت فولاد به ظرفیت ۵/۳ میلیون تن شامل گندله‌سازی، آهن اسفنجی، ذوب و ریخته‌گری فولاد (معادل ۵ درصد کل ظرفیت تولید کشور)؛

ـ احداث کارخانه‌های صنعتی در حوزه صنعت مس به ظرفیت ۳۵۰ هزار تن، شامل تولید کنسانتره مس و پالایش مس کاتدی (معادل ۲۵ درصد کل ظرفیت تولید کشور)؛

ـ تولید کنسانتره فسفات به میزان ۷۰ هزار تن در سال (معادل ۸۰ درصد کل ظرفیت تولید کشور)؛

ـ استخراج کانسنگ سرب و روی به میزان ۱۲۰ هزار تن در سال (معادل ۱۳ درصد کل ظرفیت تولید کشور)؛

ـ حفاری اکتشافی به میزان ۲۵ هزار متر در سال (معادل ۲۰ درصد کل ظرفیت حفاری اکتشافی سالانه در کشور)؛

ـ استخراج فسفات خاک کلوخه به میزان ۳ میلیون تن در سال.

به یک یا دو پروژه مهم در حوزه‌های مختلف کاری هلدینگ تخصصی صنعت و معدن هم اشاره بفرمایید.

در حوزه اکتشاف می‌توان به حفاری بالغ بر ۵۰۰ هزار متر گمانه اکتشافی در استان‌های کرمان، یزد، فارس، اصفهان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و خراسان جنوبی اشاره کرد. همچنین در حوزه استخراج می‌توان عملیات استخراج بخش زیرزمینی معدن سرب و روی انگوران، عملیات استخراج معدن سنگ آهن چاه‌گز و نیز عملیات استخراج و خردایش در معادن بوکیست جاجرم را نام برد. از مهم‌ترین پروژه‌های حوزه فرآوری نیز می‌توان به احداث فاز دوم کارخانه تغلیظ مس سونگون، احداث و راهبری دو کارخانه تولید آهن اسفنجی بافت و میانه اشاره کرد که عملیات اجرایی آنها خاتمه یافته و احداث کارخانه تغلیظ مس درآلو و احداث کارخانه ذوب و ریخته‌گری شهریار و شاهین طرح توسعه مجتمع فولاد صنعتی بناب در حال اجراست. در حوزه سرمایه‌گذاری نیز سرمایه‌گذاری در احداث کارخانه پرعیارسازی منگنز در شهرستان ارزوئیه کرمان و همچنین سرمایه‌گذاری در احداث کارخانه تولید کاتد مس در شهرستان انارک اصفهان به دست قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) انجام شده است.

آیا قرارگاه در زمینه بومی‌سازی و استفاده از توان داخل کشور در این حوزه اقدامی انجام داده است؟

هلدینگ تخصصی صنعت و معدن همواره در اجرای پروژه‌های خود در عرصه صنعت و معدن، استفاده از ظرفیت و توان داخل کشور را مد نظر دارد؛ به گونه‌ای که با شناسایی سازندگان داخلی و بررسی توان آنها و معرفی به کارفرمایان، زمینه جایگزینی تأمین‌کننده ایرانی را به جای تأمین‌کننده خارجی فراهم کرده و کالاهای مورد نیاز خود را از داخل تأمین کرده است که این امر موجب جلوگیری از خروج ارز و اشتغال‌زایی در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شد. در موضوع خودکفایی و بومی‌سازی، در دو بخش دانش فنی و ساخت داخلی، اقدامات ارزنده‌ای در پروژه‌های هلدینگ انجام شده است. استفاده از دانش فنی ایرانی PERED در پروژه‌های تولید آهن اسفنجی (میانه و بافت) به جای تکنولوژی‌های خارجی، نظیر میدرکس و... همچنین دستیابی به دانش فنی فرآوری کانسارهای مس نمونه‌هایی از بومی‌سازی و خودکفایی در حوزه تکنولوژی پروژه‌های این هلدینگ است. در کل قرارگاه موفق به بومی‌سازی بیش از ۶۰ درصد تجهیزات پروژه‌های صنایع معدنی در داخل کشور و جایگزینی سازنده ایرانی به جای سازنده خارجی شده است.

علت حضور قرارگاه در زمینه احداث کارخانه‌های تولید آهن اسفنجی چه بوده است؟

در دنیا، صنعت فولاد اهمیت ویژه‌ای دارد و ایران با تولید حدود ۲۰ میلیون تن فولاد، به‌طور تقریبی یک درصد تولید فولاد جهان را در اختیار دارد و جزء ۱۵ کشور نخست در تولید این صنعت راهبردی به شمار می‌آید. در حال حاضر، سرانه مصرف فولاد در کشور ایران بین ۲۳۰ تا ۲۶۰ کیلوگرم در سال اعلام شده است؛ این یعنی به طور متوسط هر فرد ایرانی در سال ۲۳۰ تا ۲۶۰ کیلوگرم فولاد نیاز دارد و این شاخص که به منزله یکی از شاخص‌های سنجش توسعه‌یافتگی شناخته شده، در کشورهای توسعه‌یافته بالای ۳۰۰ کیلوگرم است. با توجه به سرانه مصرف و نیاز کشور به فولاد و با توجه به ظرفیت‌های معدنی و مجتمع‌های فولادی که در کشور وجود دارد، در افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ تولید ۵۵ میلیون تن برای تولید آن ترسیم شده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در بلندمدت برای صنعت فولاد مهم تلقی می‌شود و می‌تواند به همراه خود بیشترین ارزش افزوده را برای آن به همراه بیاورد، تکمیل زنجیره فولاد است. مراحل گوناگون تکمیل زنجیره فولاد پس از سنگ آهن که از معدن استخراج می‌شود، شامل تبدیل سنگ آهن به کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی، شمش و محصولات فولادی است. در همین راستا، دو کارخانه تولید آهن اسفنجی فولاد میانه و فولاد بافت، با ظرفیت تولید سالانه هر یک ۸۰۰ هزار تن آهن اسفنجی، از پروژه‌هایی است که قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) با رویکرد برقراری توازن در زنجیره فولاد کشور انجام داد.

با توجه به اهمیت صنعت مس در کشور و جهان و کاربرد بالای آن در صنایع مختلف، آیا قرارگاه در این زمینه هم اقدامی انجام داده است؟

مس یکی از مهم‌ترین مواد معدنی در دنیا شناخته می‌شود و به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن، در دنیای امروز از اهمیت بالایی برخوردار است. میزان ذخایر مس خالص دنیا برابر ۶۳۰ میلیون تن برآورد شده که ایران با داشتن بالغ بر ۲۰ میلیون تن مس بیش از ۳ درصد این ذخایر را به خود اختصاص داده است. به این ترتیب، ایران رتبه دوازدهم دنیا و چهارم آسیا را در این حوزه دارد. در این میان، معدن مس سونگون با ذخیره قطعی ۴۷۰ میلیون تن سنگ معدن با عیار ۰/۶ درصد و ذخیره احتمالی یک میلیارد تن سنگ مس بالغ بر ۴۰ درصد مس کشور را در اختیار دارد. معدن مس سونگون در ۲۵ کیلومتری شهر ورزقان در استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. در راستای طرح توسعه مجتمع معدن مس سونگون، از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۸ پروژه احداث فاز دوم کارخانه تغلیظ مس سونگون با ظرفیت تولید ۱۵۰ هزار تن کنسانتره مس با عیار ۳۰ درصد در سال، از طرف شرکت ملی صنایع مس ایران به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) واگذار شد و در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳، این پروژه با مدیریت جهادی متخصصان جوان و متعهد ایرانی و در شرایط کاملاً تحریمی به بهره‌برداری رسید.

احداث کارخانه پالایش مس سونگون، احداث مجموعه کارخانجات تولید کاتد مس سونگون، احداث کارخانه تغلیظ مس درآلو در استان کرمان و سرمایه‌گذاری در معدن مس شهید حججی در استان اصفهان، از جمله پروژه‌هایی است که قرارگاه در زمینه اکتشاف، استخراج و فرآوری مس فعالیت می‌کند.

برای آشنایی مخاطبان ما، اشاره‌ای هم به رکوردهای قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در حوزه صنعت و معدن داشته باشید.

هلدینگ تخصصی صنعت و معدن قرارگاه تاکنون موفق به کسب رکوردها و دستاوردهای زیادی در گرایش کاری خود شده است که برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌کنم:

ـ بازیابی بیش از ۹۵ درصد ماده معدنی برای اولین بار در کشور در معادن زیرزمینی؛

ـ انتقال بتن به عمق ۳۰۰ متری و پمپاژ آن تا ۵۰۰ متر به صورت افقی برای اولین بار در کشور در استخراج معدن زیرزمینی انگوران؛

ـ کسب مقام اول سازه فولادی کشور در سال ۱۳۹۷ از انجمن سازه‌های فولادی کشور در بخش غیرساختمانی به دلیل اجرای سازه سالن اصلی کارخانه تغلیظ مس درآلو؛

ـ اجرای کامل دو کارخانه تولید آهن اسفنجی با به‌کارگیری دانش فنی ایرانی PERED برای اولین بار در کشور؛

ـ رکورد تولید بیش از ۷۰ هزار تن آهن اسفنجی در ششمین ماه بهره‌برداری از کارخانه آهن اسفنجی بافت؛

ـ ساخت ۳۲۰ سلول بتن پلیمری برای اولین بار در کشور برای پروژه پالایش مس سونگون؛

ـ شکستن رکورد ۱۹ ساله فعالیت مجتمع معدنی اسفوری با تولید ۹۲۰۰ تن کنسانتره فسفات در یک ماه.

و این تنها بخشی از رکوردها و دستاوردهای این مجموعه است.

افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص ملی

مجید ترابی
سرپرست روابط عمومی قرارگاه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های اقتصاد هر کشوری منابع معدنی و ذخایر زیرزمینی آن کشور است. کشور ایران با حدود یک درصد جمعیت جهان حدود ۷ درصد ذخایر کشف شده دنیا را دارد که خود حاکی از در اختیار داشتن بستر مناسب سرمایه‌گذاری در این بخش است. کشورمان با دارا بودن بیش از ۶۸ نوع ماده معدنی در میان ۱۰ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث دارایی‌های معدنی به شمار می‌آید.

البته در نظر گرفتن این نکته بسیار حائز اهمیت است که ذخایر معدنی ایران مربوط به اکتشافاتی است که تنها ۷ درصد از اقلیم ایران را پوشش می‌دهد و متوسط عمق گمانه‌های اکتشافی در ایران تنها ۱۰۰ متر است؛ در حالی که متوسط عمق گمانه‌های اکتشافی در دنیا ۹۰۰ متر است و این نشان از ظرفیت بالای معدنی کشف نشده کشور است.

در وضعیت فعلی اقتصاد ایران و تحریم‌های گسترده پیش رو، یکی از ظرفیت‌های بالقوه کشور برای عبور از این بحران و حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی، نگاه ویژه به بخش معدن کشور است که می‌تواند افزون بر نقش زیربنایی در ارتقای رفاه اقتصادی کشور، سهم بالایی از اشتغال را به خود اختصاص دهد. به گفته صاحبنظران، این صنعت به واسطه زنجیره تولید و خدماتی که ارائه می‌دهد، این ظرفیت را دارد که بتواند در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ظرفیت اشتغال در کشور را به رقم ۸/۳ میلیون نفر، یعنی معادل ۳۶ درصد از سهم اشتغال بازار کار ایران برساند.

معادن و صنایع معدنی به دلیل برخورداری از قابلیت تولید محصولات صادراتی، در ارزش افزوده صادراتی کشور سهیم بوده و به دلیل تنوع و پراکندگی ذخایر معدنی می‌تواند به برنامه‌های رشد در اغلب مناطق غیربرخوردار و دورافتاده کشور کمک کند.

به همین منظور و در راستای اقتصاد مقاومتی و قطع وابستگی به درآمدهای نفتی و شکل‌گیری اقتصادی متکی بر توان داخلی، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) انجام فعالیت‌های معدنی در حوزه‌های اکتشاف، استخراج، فرآوری و سرمایه‌گذاری را در دستور کار خود قرار داده است که از اهم پروژه‌ها در حوزه اکتشاف می‌توان به اجرای عملیات حفاری اکتشافی در معادن طبس، گل‌گهر، سونگون و مس پروفیری در استان‌های جنوب و جنوب شرقی کشور و در حوزه استخراج به استخراج و حمل سنگ بوکسیت جاجرم و سنگ آهن گل‌گهر و در حوزه صنایع معدنی به احداث کارخانه تغلیظ مس سونگون، کارخانه تولید آهن اسفنجی میانه و بافت اشاره کرد.

بدون شک، مجموع این اقدامات در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب می‌تواند زمینه رفع وابستگی به نفت را با ایجاد اقتصاد چندمحصولی و افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص کشور سبب شود. همچنین این رویکرد می‌تواند موجب درون‌زا کردن اقتصاد و رفع گلوگاه‌های صنعت کشور شود.

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی‌فر
دبیرتحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیرفنی: محمدصالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظرچاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۳۱ | دوشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۰

کتیبه سبز

حرم باقی‌ست

کشیده شد بدنت در میان خون سردار
که دشمنت بشود زود سرنگون سردار
که گریه‌های همه نذر راه تو باشد
نگاهِ کل جهان بر نگاه تو باشد
که بلبلان همه نام تو را بخوانند و
تو را شهید حریم حرم بنامند و
برایت از دل و جان عاشقانه جان بدهند
و عکس چشم تو را، هی به هم نشان بدهند
به زیر نعل که نه روی دست‌ها بردند
برای لحظهٔ تشییع، چند تن مردند
علی به پیکر تو در نماز اشکش ریخت
کمر خمیده شد و آب‌های مشکش ریخت
اگر چه سهم یتیم تو بی‌قراری شد
چقدر اشک که بر پیکر تو جاری شد
تو شیر معرکه بودی به حال سر مستی
اگر چه رفته‌ای اما هنوز هم هستی
زمین نخورده علَم بعد تو علم باقی‌ست
ستون خیمه نیفتاده این حرم باقی‌ست
جوان جوان پر از عاشق پر از تب و تابیم
بدون عشق علی ما دمی نمی‌خوابیم
شبیه حضرت زینب دلاور و شیریم
و انتقام تو را از یزید می‌گیریم
گمان مکن که اگر رفته‌ای علی تنهاست
نگاه‌بان درِ این حرم خود زهراست
و ضرب سیلی ما ابتدای ویرانی‌ست
و نام ما پس از این قاسم سلیمانی‌ست
قسم به عشق که نامش همیشه پابرجاست
نرفته قاسم ما، او هنوز هم اینجاست

وحید اشجع

که آتشی است به محمل

دهان زائر تو تلخ، مثل قهوه‌های عراقی
شبیه لحظه پر اضطراب قتل شقاقی
شبیه نیمه شب و ساعت یک و قاسم...
شبیه ضربه داعش به غنچه‌های اقاقی
شبیه آن شب تلخی که ماجراش مگو شد
و زخم کاری دوران، به دست درد رفو شد
همان دمی که به مسلخ کشاند ساقی و آن‌گاه
زمانه کام گرفت از شب و به کام عدو شد
دهان زائر تو تلخ مثل ناله زینب
برای لحظه گودال و ذکر یارب و یارب
برای رقص به جولان و در میانه میدان
برای پیکر پاکی که شرحه شرحه شد آن شب
بنوش نوش و بنوشان از این شراب هلاهل
تو ای زمانه بی رنگ و بو زمانه بزدل
سکوت خویش رها کن، بنال و خرقه قبا کن
بسوز جان و جهان را که آتشی است به محمل
دهان زائر تو تلخ، نه زمین و زمان تلخ
برای این دل محزون، بهار تلخ و خزان تلخ
نوید آمدنت از حجاز می‌رسد آیا؟
که بشکند به «الا یا...» طنین مدعیان، تلخ...

نفیسه محمدی

صبحانه

خلوص در وحدت ظاهر و باطن

آنچه ما را نسبت به گذشته با حسرت و افسوس همراه می‌کند، نعمت‌ها و روزگار شیرین نیست، همراهی و همدلی و محبت گذشتگان نیست؛ بلکه خلوص و نیت قلبی درست است. ظاهر و باطنی که در گذشته یکی بود و باعث همدلی و آرامش می‌شد. اگر انسان به این درجه برسد که ظاهر و باطن یکی نباشد، سردی وجودش گرم نخواهد شد، در مدار قرار نمی‌گیرد و خوبی‌ها را به سمت خود جذب نمی‌کند. ظاهر و باطن یکدست انسان را به سمت نیکی رهنمون می‌شود.

برگرفته از سخنان سردار قاسم سلیمانی

صادقانه

بنده واقعی باش

از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد. در دنیا چونان زاهدان سخن می‌گوید، اما در رفتار همانند دنیاپرستان است. اگر نعمت‌ها به او برسد سیر نمی‌شود و در محرومیّت قناعت ندارد، از آنچه به او رسید، شکرگزار نیست و از آنچه مانده، زیاده‌طلب است. دیگران را پرهیز می‌دهد، اما خود پروا ندارد. به فرمانبرداری امر می‌کند، اما خود فرمان نمی‌برد. نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد و گناهکاران را دشمن دارد، اما خود یکی از گناهکاران است.

نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۰

داستان

ننه قاسم...

نفیسه محمدی
دبیر گروه جوان

عصای چوبی را میان دست‌های چروکیده‌اش گرفت و به سختی از روی چهارپایه بلند شد.

ـ نمی‌خوام برم، اینجا خونمه، کجا برم؟ سیله دیگه بیاد منو با خودش ببره، من نمی‌رم، مث ننه عباس، مث نسیما، همه تو خونشون نشستن شما منو بیرون می‌فرسید؟ خوب گوش بگیرید ببینید چی می‌گم، سی ساله از اینجا بیرون نرفتم، بلکه بچه‌ام برگرده، حالام نمی‌رم...

عماد به دو سه جوانی که برای بردن پیرزن وارد خانه شده بودند، اشاره کرد که بروند. صدای موج آب هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. خطر بیخ گوش روستا بود، اما هیچ‌کس حاضر نبود از خانه‌اش بیرون برود. آب و غذا کم‌کم رو به اتمام بود و کمک دیر به دیر می‌رسید. سراسر دشت و روستاهای اطراف گرفتار سیل شده بودند و این سه روستا هم چیزی نمانده بود گرفتار شوند. مردم، خودشان دست به کار بودند و با هرچه داشتند، جلوی آب را سد می‌کردند.

ارتباط زمینی قطع شده بود و همه چشم‌شان به آسمان بود تا بلکه بچه های سپاه و ارتش کمکی برسانند. پیرزن در اتاق را باز کرد و با عصبانیت، رو به جوان‌های روستا گفت: «هرکی از شهر اومد برا کمک بگید من بیام کارش دارم، می‌خوام ببینم چطو شده که کسی به داد ما نمی‌رسه؟ ما آدم نیسیم؟ ما برای این مملکت خون ندادیم؟ جوون ندادیم؟ قاسم من هفده سالش بود رفت جنگ، هنوزه که برگرده، گناه کردیم تو ای بیابون سر خونه زندگی و زمینامون موندیم؟ ما نون نداریم بخوریم!»

عماد به سمت پیرزن که روسری عربی‌اش را محکم می‌کرد، برگشت. با حسی بین غم و محبت نگاهش کرد و آرام گفت: «ننه قاسم! می‌دونم چی می‌گی ولی چیکار کنیم؟ همه جا رو سیل برده ما از همه بهتریم الان، آب هنو به خونه‌هامون نرسیده، همه کمک می‌خوان، ایشالا می‌رسه...» و از در رنگ و رو رفتهٔ حیاط بیرون رفتند. کوچه‌ها همه پر شده بود از گونی‌های خاک، همه نگران و ناراحت، وسایل‌شان را به بالاترین نقطه خانه‌ها می‌رساندند تا از آسیب سیل در امان بمانند. در نگاه همه ناامیدی و وحشت موج می‌زد. انگار قرار نبود این موج سرکش، آرامش پیدا کند و مردم را در غم از دست دادن محصول و دام تنها بگذارد. خشم طبیعت، هر لحظه بیشتر می‌شد و کودک و پیر و جوان خودشان را بی‌دفاع‌تر از هر موجودی می‌دیدند. زن‌ها مشغول دوخت گونی بودند و جوان‌ها هر چه در توان داشتند برای حفاظت از روستا به کار گرفته بودند. جنگ، جنگی نابرابر بود. دشمن سلاح نداشت و هیچ سلاحی هم برایش کارگر نبود جز همدلی و کمک... .

صدای بالگرد از دور به گوش رسید. یک لحظه گویی خون در رگ‌های روستا دوید. همه برای جلب توجه نیروهای کمکی روی تل خاک جمع شدند. نگاه‌های نگران جای خود را به شوق و امید داده بود. بالگرد به سختی روی زمین نشست و چند نفر پیاده شدند. نگاه‌شان گرم و با محبت بود. از حال و روز مردم پرسیدند و کوچه‌های روستا را با دقت بررسی کردند. همان‌جا فرمانده دستوراتی برای رساندن آذوقه و غذا صادر کرده بود و ساعتی نگذشته غذا و آب رسیده بود. وقتی بالگرد رفت و فرمانده و دوستانش ماندند، قوت و قدرت به بازوهای جوانان روستا برگشت.

«ننه قاسم» با هیاهوی مردم و صدای شادی‌شان، روسری را محکم کرد و عصا زنان از خانه بیرون رفت. اهالی روستا دور جماعتی حلقه زده بودند و با هیاهو می‌خندیدند و ذوق می‌کردند. چشم‌هایش خوب نمی‌دید. با خودش فکر کرد چه اتفاقی افتاده؟ هنوز اطراف روستا دریای آب بود و معلوم نبود چه چیزی اینقدر مردم را امیدوار کرده بود. از دور «مریم بیگم» را دید که به سمتش می‌آید. چهرهٔ خندانش از دور مشخص بود. کنجکاوی نگذاشت تا صبر کند. با صدای بلند پرسید: «چی شده؟ کی اومده ننه؟»

«مریم بیگم» با صدایی که از شوق می‌لرزید، گفت: «کمک آوردن ننه قاسم! غذا آوردن، چند نفرم برای کمک اومدن، بیا برات غذا آوردم...» پیرزن بی‌توجه به غذا راهش را به سوی مردی که روی بلندی ایستاده بود و حرف می‌زد کج کرد. چشم‌های کم‌سویش را جمع کرد تا بتواند او را بشناسد. صدایش گرم و مهربان بود. انگار لباس رزم پوشیده بود. چقدر دلش پر می‌کشید پسر بی نام و نشانش بیاید و همینطور روی این تل خاک بایستد، حرف بزند، بخندد و آرزوی «ننه قاسم» برآورده شود.

پسر بچه‌ای با عجله از کنار پیرزن گذشت. ننه قاسم بلند پرسید: «های بچه این کیه اومده داره حرف می‌زنه؟»

پسر بچه همانطور که می‌دوید، داد زد: «قاسم سلیمانیه، با رفیقاش اومدن کمک، دارم می‌رم عکس بگیرم باهاش...» و دور شد.

پیرزن ایستاد و از دور به فرمانده خیره شد. اشک چشمانش را با روسری‌اش پاک کرد و زیر لب گفت: «ها قاسم منم اگه بود به سن وسال این بود...» کمی فکر کرد و بعد با لبخند ادامه داد: «خو چه فرقی داره اینم قاسم منه...» قدم‌هایش را تند کرد و با صدایی لرزان فریاد زد: «خوش اومدی ننه... خوش اومدی قاسم جان... خوش اومدی!»

قبیله عشق

برادر حاج قاسم

بعد از نماز می‌خواستم حسین آقا را ببینم و درباره موقعیت منطقه و یک سری مسائل مربوط به اطلاعات و عملیات با هم صحبت کنیم، دنبالش فرستادم و داخل ستاد لشکر منتظرش ماندم. در حالی که اورکتش را روی شانه‌هایش انداخته بود، وارد شد. معلوم بود که از نماز می‌آید و فرصت اینکه سر و وضعش را مرتب کند، پیدا نکرده است؛ در حالی که به او لبخند زدم، نگاه معناداری به او انداختم. سریع از نگاهم همه‌چیز را فهمید و قبل از اینکه حرفی بزنم، گفت: «وقتی در همین وضعیت مقابل خدای خودم ایستادم و نماز خواندم، درست نبود در مقابل بنده او به سر و وضعم برسم، با روحیات حسین آشنا بودم و می‌دانستم انسانی بی‌ریا و خالص است.»

به نقل از سردار سلیمانی

محمدحسین یوسف‌الهی سال ۱۳۴۰ در شهر «کرمان» متولد شد. با آغاز جنگ تحمیلی در لشکر ۴۱ ثارالله واحد اطلاعات و عملیات فعالیت می‌کرد و بعدها به عنوان جانشین فرمانده این واحد انتخاب شد. سرانجام در عملیات والفجر ۸ به دلیل مصدومیت ناشی از بمب‌های شیمیایی ۲۷ بهمن ۱۳۶۴ در بیمارستان لبافی‌نژاد تهران به شهادت رسید. شهیدی که سردار سلیمانی وصیت کرده بود که کنار او دفن شود. حاج قاسم در وصف شهید یوسف‌اللهی می‌گفتند: «برادری داشتیم به نام حسین یوسف‌اللهی. من در خاطراتم خیلی از او می‌گویم. از اولیاء الهی بود، برجسته بود. به درجه‌ای رسیده بود که بعضی از اولیا و در واقع بزرگان این جایگاه بعد از ۷۰ یا ۸۰ سال می‌رسند، ولی او رسیده بود.»

یادمان

۵۵۵ روز مجاهدت

سیدعلی اکبر عمرانی را از سال ۱۳۹۴ می‌شناختم. پاسداری پر شور، با جسارت، با انگیزه، مخترع و پژوهشگر، هادی سیاسی، تخریب‌چی، خبرنگار و عکاس و ورزشکار بود و در نهایت ویژگی‌های بارز اخلاقی خاصی داشت. در جلسات و دورهمی‌های معاونت روابط عمومی نیروی زمینی با او آشنا شدم. او فعالیت خود را از سال ۱۳۷۹ در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) آغاز و در تیپ مکانیزه ۲۰ رمضان ادامه داد و آخرین مسئولیتش مدیر دفتر معاونت آموزش و پژوهش نمایندگی ولی فقیه در سپاه بود. سید از بهترین تخریب‌چی‌های سپاه بود، حداقل ۱۲ مورد فعالیت تحقیقاتی تخصصی در زمینه تخریب و مهمات با انواع مراکز مهم تحقیقاتی پژوهشی، از قبیل ساتخ نزسا و نهسا، دانشگاه امام حسین(ع) و مدیریت مهندسی تخریب نزسا و سازمان مهندسی و پدافند غیرعامل را داشت. عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشدش در رشته علوم سیاسی، تطبیق سیاست خارجی ایران و ترکیه حسب نظریه «جیمز روزنا» بود و برای آزمون دکترا در حال مطالعه بود و قصد ادامه تحصیل داشت که در همین حین با برخی مجلات و خبرگزاری‌ها از جمله پایگاه بصیرت و هفته‌نامه وزین صبح صادق ارتباط داشت. سیداکبر چهار نشان برتر داشت: کسب رتبه ایده‌پرداز برتر در جشنواره سلمان فارسی در سال ۱۳۸۹، نفر اول هادی سیاسی سال ۱۳۹۶ نزسا، مدیر روابط عمومی برتر سال ۱۳۹۷ نزسا، خبرنگار برتر نزسا و همچنین در این ۲۱ سال خدمت صادقانه بیش از ۲۵ دوره آموزشی عمومی و تخصصی را گذرانده بود، بیش از ۱۱ مورد حضور مؤثر در مأموریت‌های مهم امنیتی از قبیل شمال‌غرب، جنوب‌شرق، اغتشاشات، چک و خنثی، پاکسازی میدان مین و... را در پرونده خود به ثبت رسانده بود و مهم‌ترین آن ۵۵۵ روز مجاهدت در جبهه مقاومت در سوریه بود. روحش شاد و یادش گرامی.

صابر جمشیدی

سلامت

تغذیه و واکسیناسیون

زهرا وحیدی نیا
کارشناس علوم تغذیه

مطالعات متعدد نشان می‌دهد، تغذیه تأثیر قابل توجهی بر نتایج واکسیناسیون دارد و می‌تواند کارایی واکسن را بهبود بخشد. مطالعه‌ای که درباره اثربخشی واکسن‌ها بر روی افراد چاق انجام شده، نشان می‌دهد پاسخ ضعیف به واکسن‌ها در افراد چاق، آنها را در معرض خطر بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، تضعیف ایمنی ناشی از سوء تغذیه به کاهش پاسخ مؤثر به واکسن‌ها منجر می‌شود. هم سوءتغذیه و هم چاقی موجب افزایش مرگ‌ومیر در طول همه‌گیری کووید-۱۹ می‌شوند و در درازمدت، هر دو به طور بالقوه کارایی واکسن‌ها را تضعیف می‌کنند.

بنابراین مصرف گروه‌های مختلف غذایی در طول روز نقش مؤثری در تقویت سیستم ایمنی و افزایش اثربخشی واکسن دارد. با توجه به نقش تغذیه، لازم است در هنگام واکسیناسیون موارد زیر رعایت شود:

۱ـ زمان واکسیناسیون نباید ناشتا باشید. لازم است صبحانه یا میان‌وعده ساده‌ای میل کنید. ۲ـ با رعایت تغذیه صحیح به عملکرد بهتر بدن در واکسیناسیون کمک کنید. ۳ـ آب و مایعات فراوان بنوشید؛ چون کم آبی بدن موجب اختلال در سیستم ایمنی و عدم پاسخ مناسب بدن به واکسن می‌شود. ۳ـ پیش و پس از واکسیناسیون مصرف روزانه مقادیر کافی از انواع سبزی‌ها و میوه‌ها، شیر و لبنیات، تخم مرغ، حبوبات، گوشت‌ها و نان و غلات سبوس‌دار به سیستم ایمنی بدن و پاسخ مناسب به واکسن کمک می‌کند. ۴ـ مصرف حداقل پنج وعده در روز (سه وعده از انواع سبزی‌ها) و دو عدد متوسط از انواع میوه‌ها در میان وعده‌ها برای تقویت سیستم ایمنی و پاسخ مناسب بدن به واکسن لازم است.

حسن ختام

زندگی عاشقان

حسن نوروزی
نویسنده

عاشقان شما، به وسعت اقیانوس‌ها دل دارند و به پهنه کهکشان‌ها محبت. عاشقان شما، نوای خوش بیداری و آگاهی هستند و ترنم زیبای خاموشی و سکوت. عاشقان شما، بوی خوش تواضع دارند و عطر دلنواز بندگی.

آقاجان! عاشقان شما، لایه‌های زمان را درنوردیده‌اند و برای همه دوران شده‌اند. عاشقان شما، حماسه‌های بی‌کران و بی‌بدیل ساخته‌اند و ستون‌های ظلم و استکبار را درهم ریخته‌اند. عاشقان شما، در کوتاه‌مدت زندگی برای همه افراد زیسته‌اند و برای همه اعصار الگو شده‌اند.

مولای من! زندگی و کار عاشقان تو شب و روز نیست که خستگی بیاورد؛ بلکه عشق است و وظیفه. برای همین است که تفسیر «بودن» از عشق آنها سرچشمه می‌گیرد و تأویل عشق از وظیفه آنها. آنها همانند پروانه به گرد شمع وجود شما چرخیده‌اند و در شعله عشق شما از آسمان‌ها گذر کرده‌اند. آنها شده‌اند کبوتر حریم انتظار و در فراسوی تاریخ‌ها و زمان‌ها بال گشوده‌اند. آنها شده‌اند کسی شبیه «شهید حاج‌قاسم» خودمان.

شهادت آزاده جانباز و پاسدار حریم ولایت حاج علیرضا ربیعی

مسئول سابق روابط عمومی دفتر فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به خانواده معظم و همکاران و همرزمانش تبریک و تسلیت می‌گوییم.

سردبیر و کارکنان هفته‌نامه صبح صادق